

باسمه تعالی

کارگاه نگارش علمی^۱

درس نامه نگارش علمی (۱)

از جمله تا پاراگراف

مهدی محقق فر

۱. این درس نامه صرفاً برای استفاده در کارگاه های آموزشی تهیه شده و در حل تکمیل است. تکثیر و نشر بدون اجازه آن مجاز نیست.

درس روش تحقیق دو - کارگاه نگارش علمی

درس نامه مقدمات نگارش علمی

مهدی محقق فر

گزاره ۱ - پژوهش دارای سه مرحله کلی است: طراحی، اجرا و ارائه توفیق در هر مرحله، وابسته به موفقیت در مرحله قبلی است؛

گزاره ۲ - انواع شیوه های ارائه یافته های پژوهش:

شیوه اول - کتبی: مقاله، پایان نامه، کتاب و ...

شیوه دوم شفاهی: سمینار و سخنرانی علمی، دروس خارج حوزه و

گزاره سوم - کدام روش ارائه پژوهش بهتر است؟ چرا؟

۱. ویژگی های ارائه کتبی تحقیق: قابل استناد است؛

۲. مشروح و دقیق است؛

۳. تعداد مخاطبان معمولاً زیاد است؛

۴. سبک واحد دارد (آموزش پذیر است)؛

۵. تاثیر گذاری تدریجی و عمیق است؛

۶. احتمال بروز اشتباه کمتر است؛

۷. امکان تبادل نظر رویاروی وجود ندارد.

گزاره چهارم - حال از بین قالب های کتبی کدام اولویت دارد؟ نوشتن مقاله علمی بهتر است. زیرا:

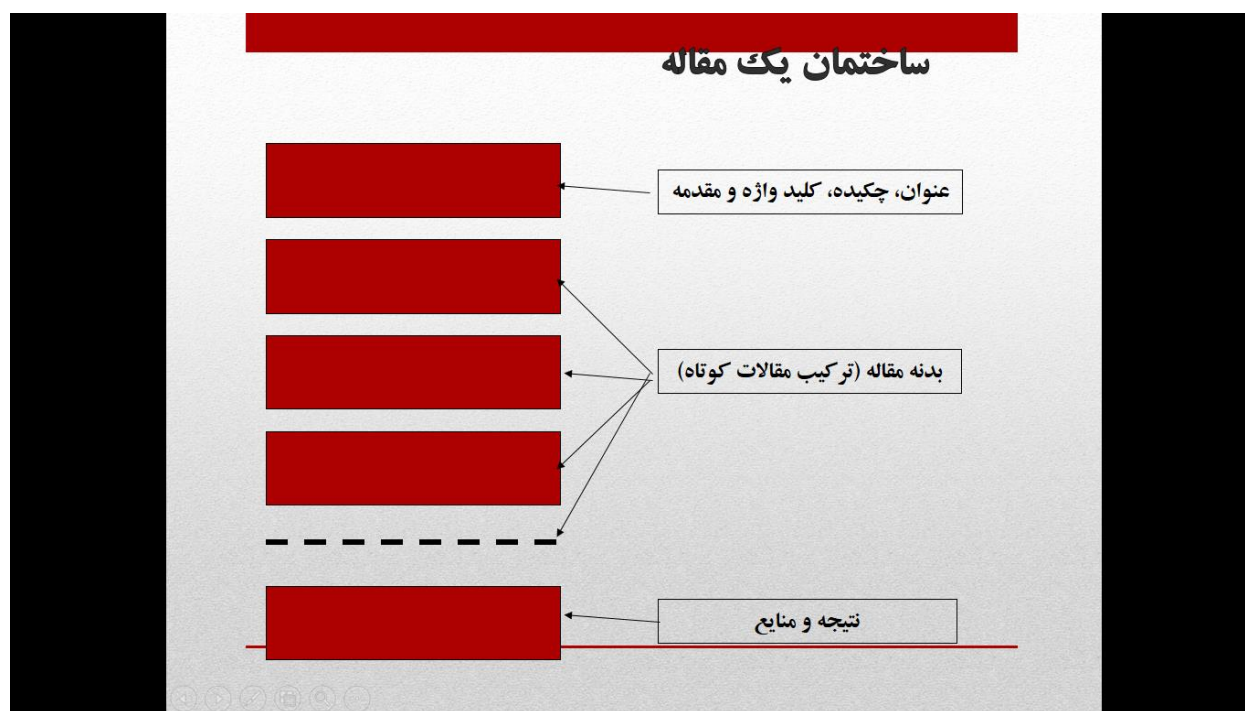
۱. سرعت و رقابت؛

۲. انتشار تخصصی؛

۳. محدودیت حجم؛

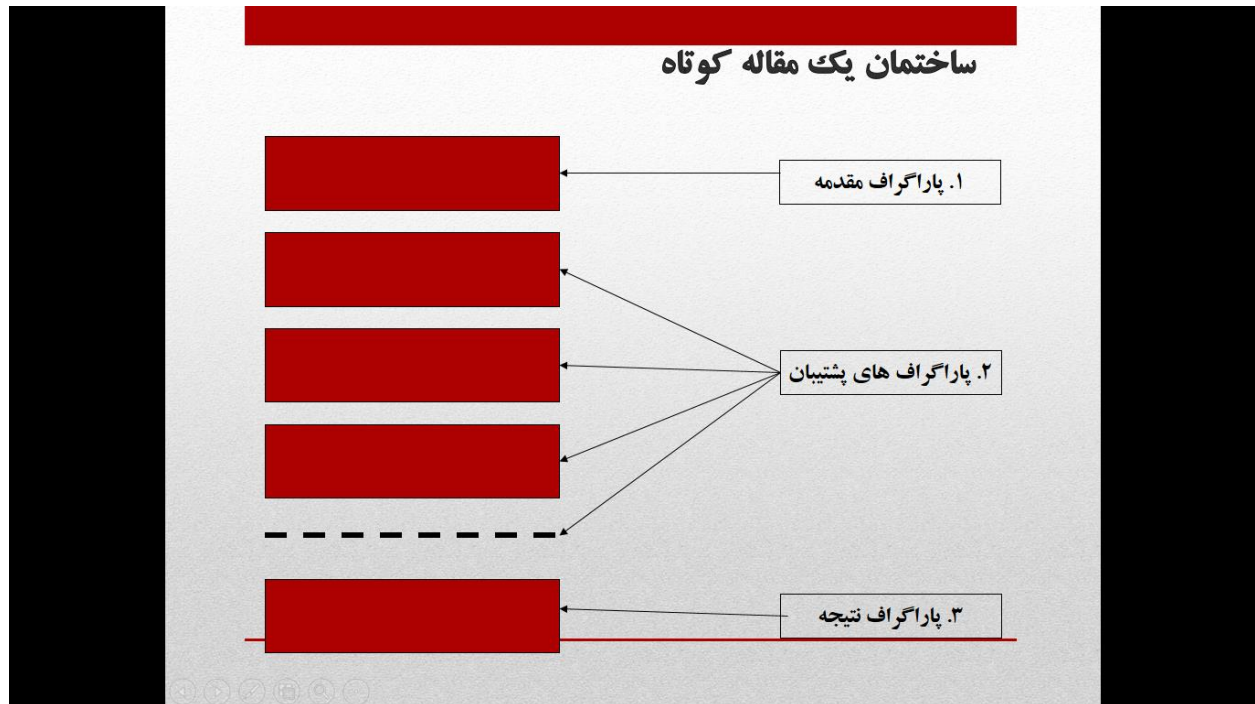
۴. نظارت علمی.

گزاره پنجم - یک مقاله علمی به صورت کلی دارای دو نوع اطلاعات است: اطلاعات اصلی (بدنه مقاله که همان پاسخ به سوالات فرعی تحقیق است) و اطلاعات تبعی (که از بدنه اصلی انتزاع می شود و به خواننده کمک می کند تا سریع تر و دقیق تر به محتوای مقاله دست یابد. این عناصر شامل عنوان، چکیده، کلید واژه، مقدمه، نتیجه و کتاب نامه است)



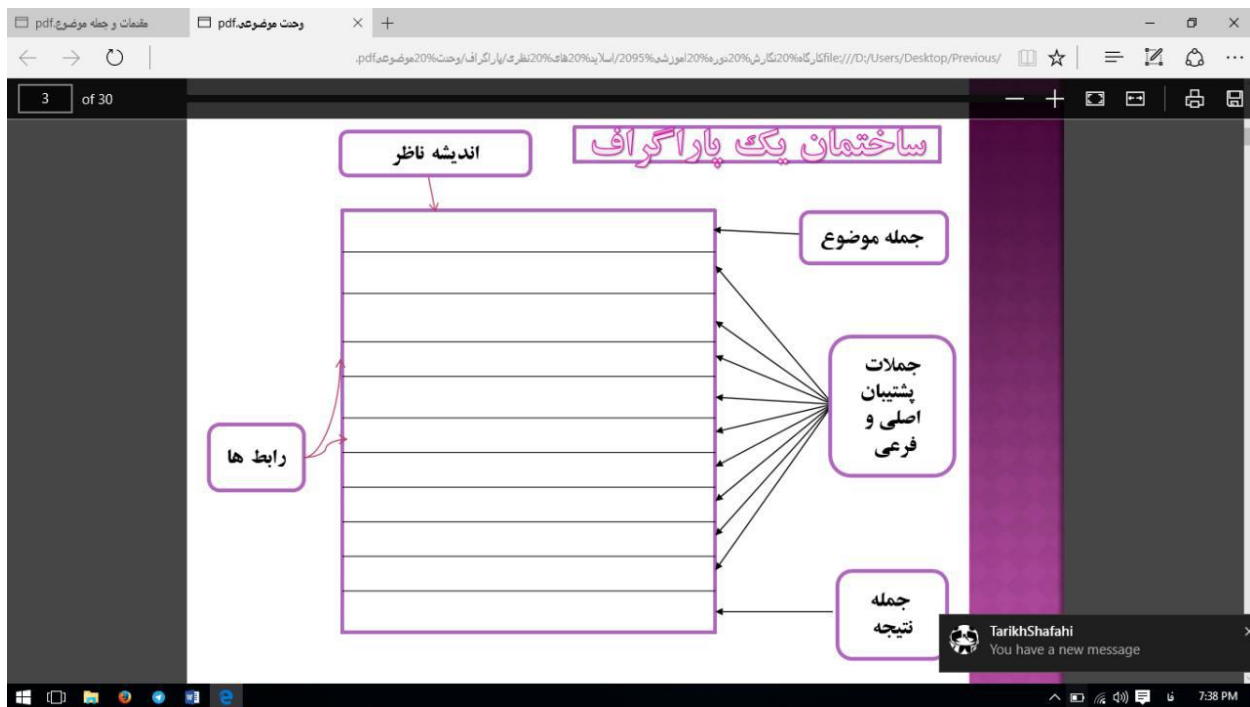
ساختار کلی یک مقاله - در این ساختار می توانید دو عنصر اصلی و تبعی یک مقاله را بیابید

گزاره ششم - بدنه اصلی یک مقاله از تعدادی اجزای نامرئی به نام مقاله کوتاه اصطلاحاً پنج پاراگرافی تشکیل می - شود. می توان پاسخ هر یک سوال فرعی را در یک یا چند مقاله کوتاه ارائه کرد. خود یک مقاله کوتاه از سه نوع پاراگراف به شرح زیر تشکیل شده است:



ساختمان یک مقاله کوتاه - شما می توانید سه نوع پاراگراف را در آن بیابید.

گزاره هفتم - برای تسلط به نوشتن یک مقاله کوتاه لازم است شما با شیوه نگارش یک پاراگراف آشنا شوید. عناصر یک پاراگراف به صورت ساده به شرح زیر است:



ساختمان یک پاراگراف - لازم است با هر کدام از این عناصر بیشتر آشنا شوید.

گزاره هشتم - بگذارید یک بار دیگر مراحل نوشتن یک مقاله را با هم مرور کنیم. این دفعه از واحد کوچک

شروع می کنیم:

۱. نگارش یک پاراگراف

۲. نگارش مقاله پنج پاراگرافی (مقاله کوتاه)

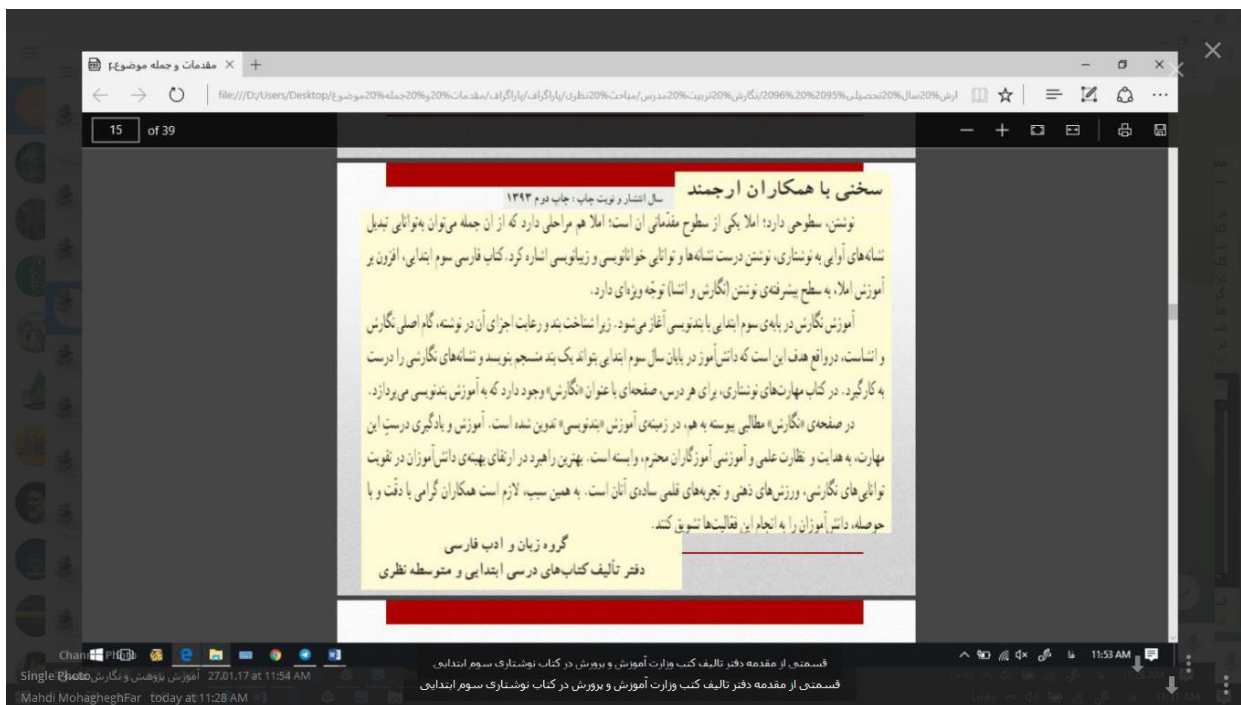
۳. مهارت ترکیب مقالات کوتاه (بدنه مقاله)

۴. افزودن عناصر تکمیلی مقاله به بدنه مقاله

در ادامه با نوشتن یک پاراگراف بیشتر آشنا خواهیم شد و سپس به امید خدا مراحل بعدی را باید پی بگیریم.

شایان ذکر است که نگارش علمی مبتنی بر پاراگراف را چند سالی است که آموزش و پرورش ایران در دستور کار

درس نوشتاری خود قرار داده است:



معرفی منابع:

۱. می خواهم بنویسم، از جمله به پاراگراف، رحیمی نژاد و نجفی پازوکی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و

پرورش

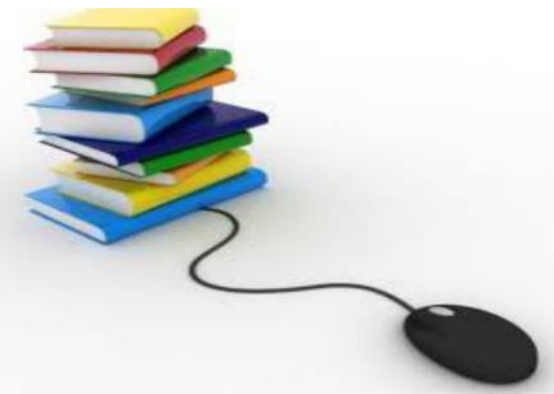
از آنجایی که در بیشتر کتابهای فارسی پس از آموزش جمله نویسی، جهت نوشتن مقاله یا انشاء، جز چند سفارش در خصوص ساده نویسی و رعایت نظم منطقی جمله به نکته دیگری اشاره نمی شود، کتاب حاضر در نظر دارد با استفاده از الگویی برگرفته از دو کتاب Paragraph Development patterns و دانش آموزان و دانشجویان عزیز را در ابتدا با اجزاء مختلف یک پاراگراف آشنا نموده و سپس نحوه نگارش انواع پاراگراف و چگونگی بسط پاراگراف به یک انشاء یا مقاله طولانی را آموزش دهد. دکتر ویدا رحیمی نژاد و دکتر معصومه نجفی پازوکی از کارشناسان پژوهشی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و از مدرسان دانشگاه می باشند، که با توجه به نیاز جامعه به آشنایی با نحوه پاراگراف نویسی اقدام به تالیف این کتاب نموده اند.

۲. اصول و روش نگارش دانشگاهی، سید علی اصغر سلطانی، انتشارات دانشگاه مفید

۳. نگارش دانشگاهی، پاراگراف نویسی، سید علی اصغر سلطانی، انتشارات لوگوس

۴. کانال آموزشی آموزش پژوهش و نگارش علمی، مهدی محقق فر،

<https://telegram.me/mmf55>



اصول و روش نگارش دانشگاهی

• مؤلف: سید علی اصغر سلطانی
• صفحه‌ار: مهدی پاشازاده

• ناشر: انتشارات دانشگاه مفید • تاریخ نشر: اسفند ۱۳۹۲
• نوبت چاپ: دوم • چاپ: گلودی • شمارگان: ۵۰۰ جلد
• شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۹۲-۴۳-۱
• قیمت: ۸۵۰۰۰ ریال

قم - انتهای بلوار شهید صدوقی - دانشگاه مفید
تلفن: ۳۲۱۳۰۲۲۶ / تلفکس: ۳۲۹۰۵۲۸۸ / شماره: ۳۲۹۳۵۱۷۷ / صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۳۶۱۱
entesharat@mofidu.ac.ir

سلطانی، سید علی اصغر، ۱۳۴۷-
اصول و روش نگارش دانشگاهی / سید علی اصغر سلطانی
قم: دانشگاه مفید، ۱۳۹۲
۲۴۴ ص. جدول

ISBN: 978 - 964 - 8092 - 43 - 1
(فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار)

کتابنامه
چاپ دوم

۱. نگارش علمی و فنی - روش شناسی. ۲. فن نگارش - آثار علمی و فنی. ۳. تحقیق - روش شناسی. الف. دانشگاه مفید
رده‌بندی کنگره
دیوین
کتابخانه ملی ایران

LB ۲۳۶۹/س ۸ ۱۳۹۲
۸۰۸/۰۶۶۶
ن-۹۲-۲۸۰۸

آموزش پژوهش و نگارش علمی

نویسنده: مهدی محقق فر

موضوع: آموزش پژوهش و نگارش علمی با تاکید بر علوم حوزوی

<https://telegram.me/mmf55>

علاقه مندان به تهیه این کتاب در قم می توانند به خانه کتاب در چهارراه شهدا (بیمارستان) مراجعه بفرمایند.

دوستان ساکن تهران
برای تهیه کتاب
نگارش دانشگاهی
می توانند به
کتابفروشی خانه کتاب
در دانشکده علوم
اجتماعی دانشگاه
تهران مراجعه کنند

آدرس: پل گیشا، جنب
دانشگاه تربیت مدرس،
ورودی دانشکده علوم
اجتماعی دانشگاه
تهران
تلفن:
۰۲۱۶۱۱۱۷۹۵۲
موبایل
۰۹۳۸۴۴۳۹۵۷۷

نگارش دانشگاهی
پاراگراف نویسی
سید علی اسمر سلطانی

مجموعه آثار نگارش و اسناد
۱۴۰۳
www.logos.com

امکان ارسال پستی به تهران و شهرستان هم در این فروشگاه وجود دارد

Channel Photo
Logos Publications نشر لوگوس ۱۷۰۷۱۷ at ۰۷۰۸۵۵۵
@idlogos

درس نامه بارگذاری شده در کانال «آموزش پژوهش و نگارش علمی»

#نگارش علمی

#اصول پاراگراف نویسی

قسمت اول - کلیات

نکته اول - هر مقاله علمی، از تعدادی مقاله کوتاه یا به اصطلاح پنج پاراگرافی تشکیل شده است.

نکته دوم - هر سوال فرعی در قالب یک یا چند مقاله پنج پاراگرافی پاسخ می یابد.

نکته سوم - در شیوه جدید آموزشی آموزش و پرورش کشور حدود سال های ۱۳۹۲، از کلاس سوم ابتدایی، آموزش نگارش فارسی بر نوشتن پاراگراف یا بند متمرکز شده است. بر خلاف شیوه قبل که نگارش فارسی از یاد دادن حروف، تشکیل کلمه شروع می شد و بعد به جمله نویسی و بعد هم به نوشتن انشاء و نهایتا در حالتی خوش بینانه به مقاله نویسی ختم می شد.

نکته چهارم - گرچه شاید آموزش حرفه ای نگارش علمی بر خلاف عادت مألوف برای نسل های ما کمی دیر و به تبع سخت باشد اما به هر حال این تلاش به ما در نگارش مستحکم متون علمی کمک شایان توجهی می کند.

بقیه مقدمات را در فرصت های بعدی تکمیل خواهیم کرد. فعلا سراغ پاراگراف و پاراگراف نویسی می روم.



باز نشر - قسمتی از متن مقدمه کتاب نوشتاری سوم ابتدایی: تمرکز آموزش نوشتن بر پاراگراف نویسی

قسمت دوم - معرفی پاراگراف به عنوان واحد تولید و ارزیابی یک متن علمی

۱. یک پاراگراف، مقداری از متن است که فقط یک ایده ساده را بیان می کند. ما به این خصوصیت وحدت موضوعی می گوئیم؛

۲. سطر اول پاراگراف یک تو رفتگی در متن دارد؛

۳. معمولاً با یک جمله اصلی شروع می شود که ما به آن جمله موضوع می گوئیم؛

۴. تعداد کلمات یک پاراگراف بهتر است بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ کلمه باشد؛

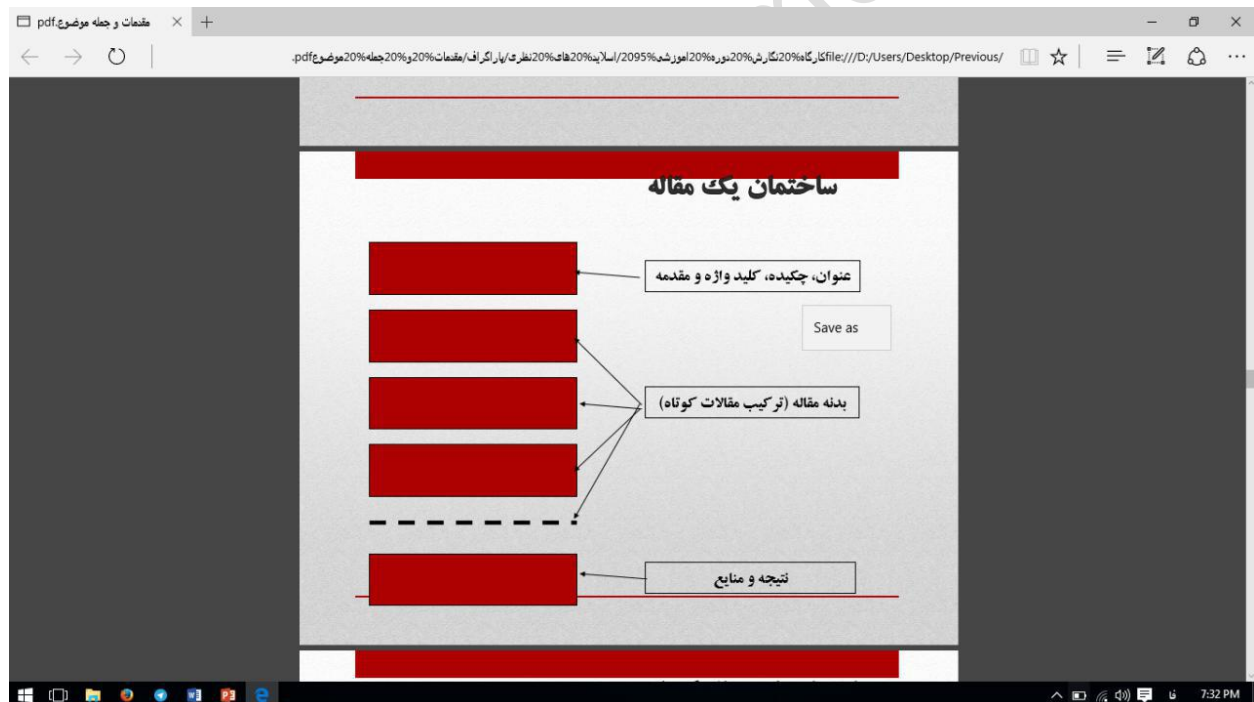
۵. یک پاراگراف دارای تعدادی جملات توضیحی است که ما به آن جملات پشتیبان می گوئیم؛

۶. بین هر جمله در یک پاراگراف ارتباط و انسجام وجود دارد که ما بدان انسجام خطی می گوئیم؛

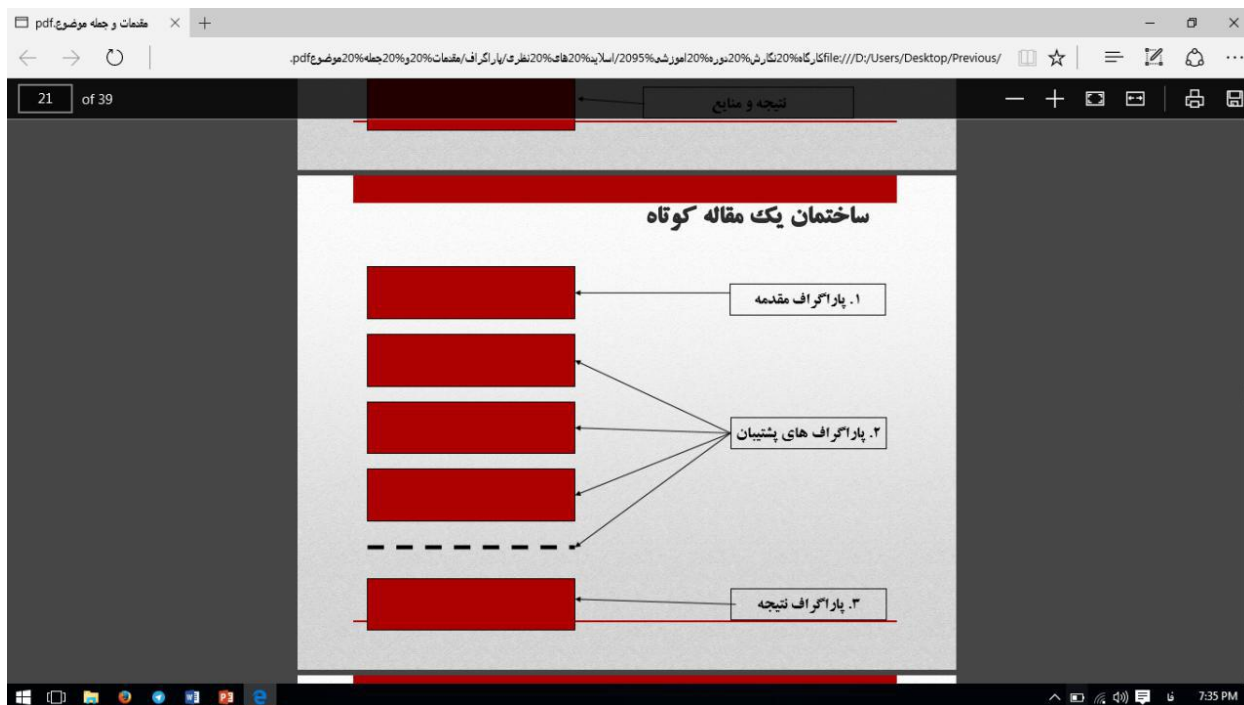
۷. یک پاراگراف در حد خود استقلال معنایی دارد و به خودی خود کامل است؛

۸. بسط جمله اصلی از مطابق قاعده (شیوه های بسط) است.

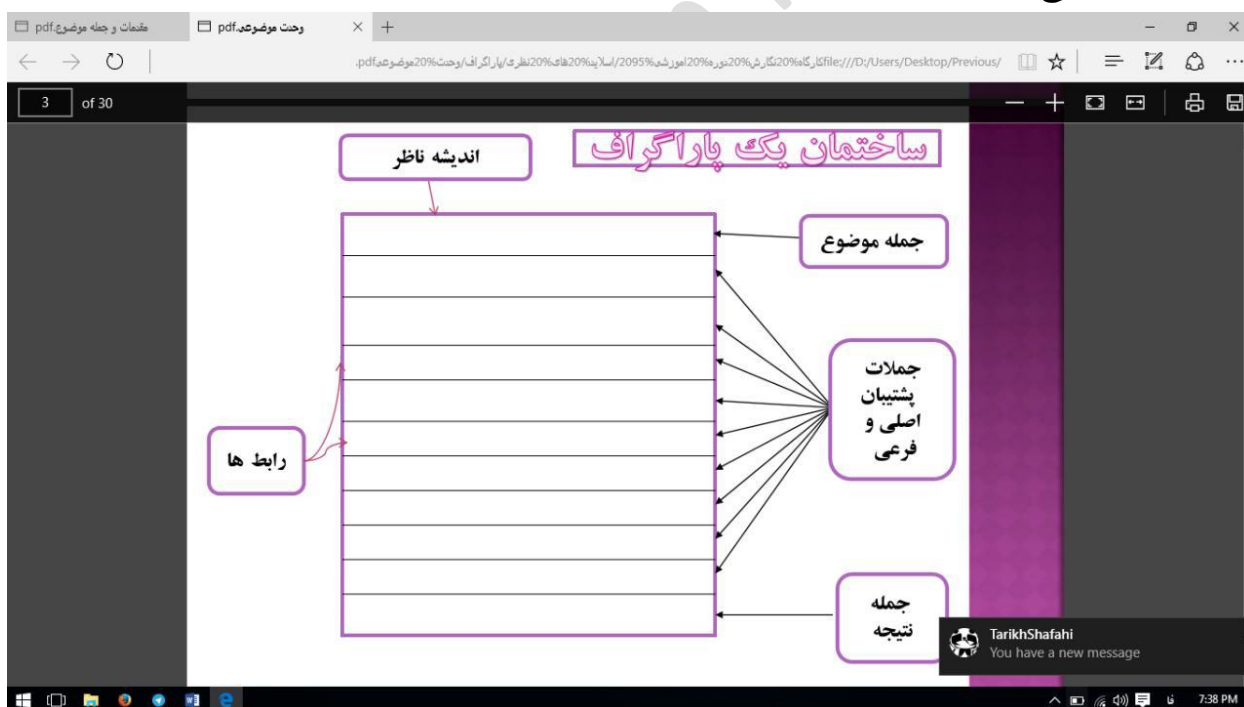
خصوصیات دیگری هم یک پاراگراف حرفه ای دارد که فعلاً از آنها چشم پوشی می کنم.



یک مقاله شامل چند مقاله کوتاه (مقاله پنج پاراگرافی)



یک مقاله کوتاه پنج پاراگرافی شامل چند پاراگراف است.



ساختمان یک پاراگراف شامل شش عنصر است.

قسمت سوم - معرفی ساختار پاراگراف

یک پاراگراف حرفه ای شش عنصر دارد:

۱. جمله موضوع؛

۲. اندیشه ناظر؛

۳. جمله های پشتیبان اصلی؛

۴. جمله های پشتیبان فرعی؛

۵. جمله نتیجه؛

۶. عبارات رابط.

* به امید خدا فردا در مورد هر یک از این عناصر بیشتر صحبت خواهیم کرد.

شما در طول این دوره کوتاه فشرده با آشنایی با این عناصر می توانید یک پاراگراف حرفه ای را تنظیم کنید و یا یک پاراگراف را ارزیابی کنید.

نوشتن یک پاراگراف حرفه ای گام اول و بسیار مهم در نوشتن یک متن مستحکم علمی است.

پیشاپیش از حوصله و همراهی شما در این دوره آموزشی غیر حضوری سپاسگزارم.

مهارت نوشتن پاراگراف استاندارد را در نوبت بعد، از جمله موضوع شروع خواهیم کرد.

قسمت چهارم - معرفی ساختار پاراگراف

گفته شد که یک پاراگراف استاندارد شش عنصر دارد.

۱. جمله موضوع - (Topic Sentence)

* معمولاً جمله اول پاراگراف است.

* حاوی وعده ای است که نویسنده به خواننده پاراگراف می دهد.

* نویسنده در پاراگراف از ادعایی که در جمله موضوع کرده است پشتیبانی می کند و به قولی که به مخاطب برای توضیح مطلبی داده است، وفا می کند.

در ادامه درباره این جمله بسیار مهم در پاراگراف توضیح بیشتری خواهیم داد و همچنین نوشتن آن را عملاً تمرین خواهیم کرد.

۲. فکر مرکزی - (Main idea)

* فکر مرکزی همان وعده ای است که پاراگراف حول این مرکزیت و تنظیم می شود و پاراگراف وظیفه دارد این مطلب را توضیح دهد.

* نویسنده در هر پاراگراف نباید غیر از توضیح فکر مرکزی آن پاراگراف، جمله ای بیاورد.

* فکر مرکزی را اندیشه ناظر هم می نامیم زیرا بر جملات پاراگراف نظارت می کند و مهمان ناخوانده را از پاراگراف اخراج می کند!

۳ و ۴. جملات پشتیبان (Supporting Sentence) (جملات پشتیبان اصلی و فرعی) -

* جملات پشتیبان، جملاتی هستند که فکر مرکزی پاراگراف را توضیح می دهند و به اصطلاح آن را بسط می دهند.

* با بسط جمله موضوع پاراگراف ساخته می شود.

* جملات پشتیبان گاهی مستقیم فکر مرکزی را پشتیبانی می کند که به آنها، جملات پشتیبان اصلی می گوئیم و

گاهی یکی از جملات پشتیبان را تقویت می کند که به آنها جملات پشتیبان فرعی می گوئیم.

* نوشتن جملات پشتیبان را بسط پاراگراف (Paragraph Development) می گوئیم

۵. جمله نتیجه (Closing Sentence)

به جمله ای که پاراگراف را تمام می کند و نتیجه آن را بیان می کند، جمله نتیجه می گوئیم.

۶. عبارت های رابط

* لازم است ارتباط منطقی بین جملات یک پاراگراف با عبارت های لفظی مناسب برقرار شود.

* مثلاً همچنین، علاوه بر این، در نتیجه و ...

قسمت پنجم - مثال برای عناصر پاراگراف

عناصر یک پاراگراف را در قالب مثال زیر معرفی می کنم:

تعداد قابل توجهی از اندیشمندان مسلمان، به جز چند استثنا، چه در علوم دینی و چه در علوم عقلی ایرانی بودند. بنیان گذاران علم نحو در زبان عربی سیبویه، الفارسی و الزجاجی بودند که همگی اصالتی ایرانی داشتند. آنها چون در محیطی زندگی می کردند که زبان رایج در آن عربی بود این زبان را آموختند و قواعد دستور زبان آن را مدون ساخته و به یک رشته علمی مبدل کردند. اکثر محدثانی که در حفظ روایات و احادیث پیامبر اکرم و ائمه معصومین کوشیدند

نیز یا ایرانی بودند و یا در محیط ایران پرورش یافتند. شیخ طوسی، شیخ صدوق، علامه مجلسی و آیت الله مرعشی نجفی از جمله برجسته ترین این محدثان می باشند. همچنین، بیشتر متکلمان بزرگ، فقهای برجسته و مفسران قرآن نسبی ایرانی داشتند. از این گروه شاید بتوان متکلم بزرگ خواجه نصیر الدین طوسی، فقهای چون شیخ انصاری، صاحب جواهر، میرزای قمی، و آخوند خراسانی و مفسرانی چون محمد جریر طبری، فیض کاشانی، علامه طبرسی و علامه طباطبایی را نام برد. در نتیجه می بینیم که ایرانیان سهم بسزایی در پشبرد علم و تمدن اسلامی داشتند.

* جمله موضوع - تعداد قابل توجهی از اندیشمندان مسلمان، به جز چند استثنا، چه در علوم دینی و چه در علوم عقلی ایرانی بودند.

* فکر مرکزی - ایرانی بودن

* جملات پشتیبان اصلی - بنیان گذاران علم نحو در زبان عربی سیبویه، الفارسی و الزجاجی بودند که همگی اصالتی ایرانی داشتند. / اکثر محدثانی که در حفظ روایات و احادیث پیامبر اکرم و ائمه معصومین کوشیدند نیز یا ایرانی بودند و یا در محیط ایران پرورش یافتند. / بیشتر متکلمان بزرگ، فقهای برجسته و مفسران قرآن نسبی ایرانی داشتند.

* جملات پشتیبان فرعی - آنها چون در محیطی زندگی می کردند که زبان رایج در آن عربی بود این زبان را آموختند و قواعد دستور زبان آن را مدون ساخته و به یک رشته علمی مبدل کردند. / شیخ طوسی، شیخ صدوق، علامه مجلسی و آیت الله مرعشی نجفی از جمله برجسته ترین این محدثان می باشند. / این گروه شاید بتوان متکلم بزرگ خواجه نصیر الدین طوسی، فقهای چون شیخ انصاری، صاحب جواهر، میرزای قمی، و آخوند خراسانی و مفسرانی چون محمد جریر طبری، فیض کاشانی، علامه طبرسی و علامه طباطبایی را نام برد.

* جمله نتیجه - ایرانیان سهم بسزایی در پشبرد علم و تمدن اسلامی داشتند.

* عبارت های رابط - نیز / همچنین / در نتیجه می بینیم که

توجه بفرمایید از بین شش عنصر یک پاراگراف، جمله موضوع، فکر مرکزی، جملات پشتیبان اصلی غیر قابل حذف است و جملات پشتیبان فرعی، عبارت های رابط و جمله نتیجه قابل حذف است. به امید خدا نوبت بعدی نگارش جمله موضوع و فکر مرکزی را تمرین خواهیم کرد.

قسمت ششم - جمله موضوع

لازم است برای نوشتن جمله موضوع، با این جمله بیشتر آشنا بشویم.

* جمله موضوع چیست؟

جمله موضوع معمولاً اولین جمله پاراگراف است (البته در نگاه بعدی فرا می گیریم که می تواند جمله موضوع در واسطه و یا در آخر پاراگراف هم قرار بگیرد)؛

* جمله موضوع چه نقشی در پاراگراف ایفاء می کند؟

جمله موضوع فکر مرکزی یک پاراگراف را ابراز می کند؛

* چگونه می توان یک جمله موضوع نوشت؟

حرف اصلی پاراگراف خود را به صورت یک جمله ساده ولی صریح بیان کنید. این جمله باید به راحتی به خواننده بفهماند که پاراگراف شما درباره چه چیزی خواهد بود.

یادمان باشد که یک جمله موضوع خوب باید برای ما دو کار بسیار مهم را انجام دهد:

۱- به ما کمک کند تا روی فکر مرکزی پاراگراف متمرکز شویم؛

۲- به خواننده کمک کند تا بتواند بفهمد پاراگراف درباره چه چیزی است.

قسمت هفتم - جمله موضوع با مثال

آشنایی با جمله موضوع را با چند مثال ادامه می دهیم.

مثال یک - تعداد قابل توجهی از اندیشمندان مسلمان، به جز چند استثنا، چه در علوم دینی و چه در علوم عقلی ایرانی بودند.

فکر مرکزی در این جمله موضوع، ایرانی بودن است.

مثال دو - آیت الله بروجردی علی رغم ملاحظات که برخی از روشنفکران دینی مطرح می کنند، در تاریخ حوزه های علمیه شیعه عالمی نوگرا و متجدد بوده است.

فکر مرکزی این جمله موضوع نوگرایی و متجدد بودن است.

اجازه بدهید مثال دوم را بیشتر توضیح دهیم. این جمله موضوع نشان می دهد که نویسنده پاراگراف درباره نوگرایی آیت الله بروجردی توضیح خواهد داد. به عبارت دیگر وعده نویسنده اثبات و توضیح این ادعاست که مرحوم بروجردی متجدد است. نویسنده به ما قول داده است در این پاراگراف در این باره به ما توضیح بدهد. بدین ترتیب نویسنده فرصت دارد با استفاده از حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ کلمه و نهایت ۲۰۰ کلمه به قولی که به خواننده داده است وفا کند.

حال برای روشن تر شدن مطلب پاراگراف کاملی که می تواند با این جمله موضوع نوشته شود را می آورم. دقت بفرمایید جملات پشتیبان اصلی و فرعی و جمله نتیجه و عبارت های رابط چگونه به ما در شکل دهی این پاراگراف

کمک کرده اند. همه این ابزارها در خدمت ما قرار می گیرند تا به قولی که به خواننده دادیم و می خواهیم نوگرایی مرحوم بروجردی را ثابت کنیم وفا کنیم. در این مرحله فقط قصد ما روشن شدن نقش جمله موضوع و فکر مرکزی است. به امید خدا در مراحل بعدی به سراغ مهارت نوشتن جملات پشتیبان و نتیجه و استفاده از عبارات رابط هم خواهیم رفت. پس با آرامش تنها نقش جمله موضوع را خودتان در پاراگراف زیر تحلیل بفرمایید:

آیت الله بروجردی علی رغم ملاحظاتی که برخی از روشنفکران دینی مطرح می کنند، در تاریخ حوزه های علمیه شیعه عالمی نوگرا و متجدد بوده است. ایشان رسالت حوزه های علمیه تشیع را در ابعاد بین المللی تعریف می کردند. اعزام نمایندگان به برخی از کشورهای غربی از جمله محمد محقق به آلمان و آقای مهدی حائری به آمریکا و تاسیس مراکزی در آنجا برای اشاعه فرهنگ اسلامی شاهی بر این مدعاست. حمایت از راه اندازی و اشاعه مطبوعات اطلاع رسانی دینی و حوزوی در سطح کشور از جمله تلاش های این مرد بزرگ بوده است. تاسیس مجله حکمت، مکتب اسلام و مکتب تشیع در زمان ایشان، نقش قابل توجهی در به راه انداختن فعالیت های مطبوعاتی حوزه در حیطه فرهنگ دینی داشته است. کادر سازی و تربیت نیروی انسانی کارآمد و قوی در حوزه علمیه قم نشان دهنده درک تشکیلاتی فوق العاده این فقیه ژرف اندیش بوده است. استاد مطهری، امام موسی صدر تنها دو دست پرورده همین حوزه علمیه هستند که مشابهان فراوانی دارند. این موارد نشان می دهد که این مرجع تقلید از ضرورت ها و اقتضائات دنیای متجدد نو به خوبی مطلع بودند و سعی می کردند از آنها به نفع اهداف دینی استفاده کنند.

به نظرم برای شما جالب خواهد بود که ارکان این پاراگراف را زودتر از توضیحات بنده بیابید و تحلیل کنید. امتحان بفرمایید و از لذت کشف کردن خود را محروم نکنید!

مثال سه - انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب دینی بود.

فکر مرکزی در این جمله موضوع دینی بودن است.

دقت بفرمایید ادعا دینی بودن انقلاب اسلامی ایران است نه هر انقلابی اما اصلی ترین ایده دینی بودن است که می توان برای سهولت کنترل پاراگراف آن را به عنوان فکر مرکزی برجسته کرد و بقیه را «زمینه» و «بافت» فکر مرکزی دانست.

قسمت هشتم - تمرین

تمرین:

در هر یک از جملات زیر فکر مرکزی را پیدا کنید. یعنی از روی این جملات حدس بزنید نویسنده در پاراگراف مربوط از چه چیزی می خواهد پشتیبانی کند:

- ۱: انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب دینی بود.
- ۲: فعالیتهای هسته ای ایران صلح جویانه است.
- ۳: انسان مدرن، انسانی ناآرام و همواره در جنب و جوش است.
- ۴: موضوع نشانه شناسی بررسی انتقال پیام از هر نوع است.
- ۵: اعضای خانواده باید جهت بقای کل خانواده بکوشند.
- ۶: یادگیری زبان خارجی در سنین پایین تر آسانتر است.
- ۷: جهانی شدن مانعی برای کشورهای در حال توسعه است.
- ۸: ظهور تفکر اخباری گری و استحکام آن در دوره ای نقش قابل توجهی در تطوّر فقه و اصول داشته است.
- ۹: بعد معنوی انسان با دنیای مدرن امروز سازگار نیست.
- ۱۰: تأثیر اندیشه های فلسفی ابن سینا بر فیلسوفان غرب و نگاشته هایشان، مورد اتفاق ایشان است.
- ۱۱: امروزه طلاب فراوانی در انتخاب مسیر درسی خود سرگردانند.
- ۱۲: در دوره ی «اخباریان»، با برخورد شدیدی که میان اخباریان و اصولیان وجود داشت کتب مهمی در علم اصول تألیف شد.
- ۱۳: هیچ کتاب شاهکاری در مدت کوتاهی نوشته نشده است.
- ۱۴: مهمترین عامل در حرکت تکاملی انسان اراده است
- ۱۵: اعتقاد به خوش یمنی یا نحسی و شوم بودن بعضی از پرندگان، امری است که واقعیت خارجی ندارد.

* لطفاً، ابتدا روی این ۱۵ تمرین فکر کنید و سپس به فایل پاسخ ها مراجعه بفرمایید. ممکن است در برخی از موارد با بنده اختلاف نظر داشته باشید. مهم نیست حتی خوب است. مهم این است که ایده جمله موضوع و فکر مرکزی به عنوان مهم ترین مهارت پاراگراف نویسی را فهمیده باشید. در نوبت های بعدی مهارت پاراگراف نویسی را دنبال خواهیم کرد.

[File : پاسخ_ کارورزی_ یافتن_ فکر_ مرکزی_ در_ جم.pdf]

قسمت نهم - تمرین بیشتر

از آنجایی که جمله موضوع اساسی ترین رکن نگارش پاراگراف است، اجازه دهید بیشتر روی آن متمرکز شوم. کار را با تحلیل چند پاراگراف شروع می کنم تا با نقش جمله موضوع و فکر مرکزی در پاراگراف آشنایی بهتری صورت گیرد. مثال مطرح در قسمت هفتم را دوباره ارزیابی می کنم. سپس دو پاراگراف دیگر را نیز تحلیل می کنم. در فایل های زیر این ارزیابی ها صورت گرفته است.

تحلیل پاراگراف

راهنما:

رنگ زرد - جمله موضوع

رنگ بنفش - فکر مرکزی

رنگ قرمز - جمله پشتیبان اصلی

رنگ آبی - جمله پشتیبان فرعی

رنگ سبز - جمله نتیجه

آیت الله بروجردی علی رغم ملاحظات که برخی از روشنفکران دینی مطرح می کنند، در تاریخ حوزه های علمیه شیعه عالمی نوگرا و متجدد بوده است. ایشان رسالت حوزه های علمیه تشیع را در ابعاد بین المللی تعریف می کردند. اعزام نمایندگان به برخی از کشورهای غربی از جمله محمد محقق به آلمان و آقای مهدی حائری به آمریکا و تاسیس مراکزی در آنجا برای اشاعه فرهنگ اسلامی شاهی بر این مدعاست. حمایت از راه اندازی و اشاعه مطبوعات اطلاع رسانی دینی و حوزوی در سطح کشور از جمله تلاش های این مرد بزرگ بوده است. تاسیس مجله حکمت، مکتب اسلام و مکتب تشیع در زمان ایشان، نقش قابل توجهی در به راه انداختن فعالیت های مطبوعاتی حوزه در حیطه فرهنگ دینی داشته است. کادر سازی و تربیت نیروی انسانی کارآمد و قوی در حوزه علمیه قم نشان دهنده درک تشکیلاتی فوق العاده این فقیه ژرف اندیش بوده است. استاد مطهری، امام موسی صدر تنها دو دست پرورده همین حوزه علمیه هستند که مشابهان فراوانی دارند. این موارد نشان می دهد که این مرجع تقلید از ضرورت ها و اقتضائات دنیای متجدد نو به خوبی مطلع بودند و سعی می کردند از آنها به نفع اهداف دینی استفاده کنند.

تحلیل پاراگراف

راهنما:

رنگ زرد - جمله موضوع

رنگ بنفش - فکر مرکزی

رنگ قرمز - جمله پشتیبان اصلی

رنگ آبی - جمله پشتیبان فرعی

رنگ سبز - جمله نتیجه

رنگ سیاه - عبارات رابط

در دوره‌ی «اخباریان»، با برخورد شدیدی که میان اخباریان و اصولیان وجود داشت کتب مهمی در علم اصول تألیف شد. به عنوان مثال جواد بن سعد الله بن جواد کاظمی، معروف به فاضل جواد «غایه المأمول فی شرح زبدۃ الاصول» را تألیف کرد. نمونه‌ی دیگر «حاشیه معالم» و «حاشیه زبدۃ الاصول»، تألیف سید حسین بن میرزا رفیع الدین آملی اصفهانی، معروف به «سلطان العلماء» می‌باشد. علاوه بر این «وافیه» تألیف مولی عبد الله بن محمد تونی، معروف به فاضل تونی، «شرح زبدۃ الاصول شیخ بهائی»، و «حاشیه معالم الاصول» تألیف مولی محمد صالح بن مولی احمد سروی، معروف به مولی صالح مازندرانی، «شرح عدۃ الاصول»، تألیف مولی خلیل بن الغازی، معروف به مولی خلیل قزوینی، «حاشیه معالم الاصول»، تألیف محمد بن الحسن شیروانی، «حاشیه شرح مختصر عضدی»، تألیف آقا جمال خوانساری، و «شرح وافیه» تألیف سید صدر الدین بن محمد باقر رضوی قمی، از دیگر نمونه‌های تألیفات اصولی این عصر است. تألیف این مقدار تألیفات مهم و قابل توجه، محصول مواجهه میان اخباریان و اصولیان برآورد شده است.

تحلیل پاراگراف

راهنما:

رنگ زرد - جمله موضوع

رنگ بنفش - فکر مرکزی

رنگ قرمز - جمله پشتیبان اصلی

رنگ آبی - جمله پشتیبان فرعی

رنگ سبز - جمله نتیجه

رنگ سیاه - عبارات رابط

هیچ کتاب شاهکاری در مدت کوتاهی نوشته نشده است. مثلاً سروانتس، رمان معروف و شاهکار جهانی **دون کیشوت را نزدیک به بیست سال نوشت**. او در این اثر زندگانی شهسواران را به شیوه تحسین انگیزی به طنز آورده است. این کتاب به اندازه ای شیرین و خنده آور و در عین حال تراژیک است که پس از مطالعه، فراموش نخواهد شد. همچنین **منتسکیو، کتاب روح القوانين را در بیست سال تالیف کرد**. این کتاب شاهکاری در فلسفه سیاسی و کالبد شکافی انواع حکومت هاست و به بسیاری از زبان ها ترجمه شده است. به علاوه **ابوالقاسم فردوسی، بزرگترین حماسه سرای ایران و از جمله حماسه سرایان نامدار جهان، نظم شاهنامه را در بیش از سی سال به انجام رسانیده است**. محمد رضا حکیمی با همکاری محمد حکیمی و علی حکیمی نیز شش سال را وقف **تالیف جلد اول و دوم کتاب الحیاء کرد**. بنابراین پژوهشگران نویسنده و یا نویسندگان پژوهشگر، هرگز سرسری نویس نیستند.

برداشتی آزاد از کتاب کتاب پژوهی ص ۷۴ الی ص ۸۳، اسفندیاری محمد، قم: صحیفه خرد، دوم ۱۳۸۵

قسمت دهم - نکاتی درباره جمله موضوع

چند نکته درباره جمله موضوع:

نکته اول - جمله موضوع نباید عام و کلی باشد و همچنین جمله موضوع باید به قدری محدود باشد که بتوان آن را در یک پاراگراف بسط داد؛

نکته دوم - جمله موضوع، بیان بدیهیاتی که نیازی به اثبات ندارند، نیست بلکه ادعایی چالش برانگیز است البته در حد یک پاراگراف!

نکته سوم - فکر مرکزی در بافت دیگر اجزاء جمله موضوع معنا می شود. اما برای تمرکز بر ایده اصلی پاراگراف نقطه کانونی و مرکزی ترین مفهوم برجسته می شود تا به سهولت بتوان خط محتوایی آن را در جملات دیگر پاراگراف تعقیب کرد. مثلاً در جمله زیر دقت بفرمایید:

آیت الله بروجردی علی رغم ملاحظات که برخی از روشنفکران دینی مطرح می کنند، در تاریخ حوزه های علمیه شیعه عالمی نوگرا و متجدد بوده است.

فکر مرکزی گرچه «نوگرا بودن» و «متجدد بودن» است اما سوال بعدی بدین صورت قابل طرح است: نوگرایی چه کسی؟ در چه مقطع زمانی؟ در چه شرایطی؟ ...

بافت و زمینه جمله به ما القا می کند که باید از نوگرایی آیت الله بروجردی، در تاریخ حوزه های علمیه شیعه، علی رغم نظر برخی روشنفکران پشتیبانی کنیم. نه از نوگرایی هر فردی، نه از نوگرایی در هر زمانی و نه تحت هر شرایطی. اما ما نوگرایی را برجسته می کنیم تا یادمان باشد در این بافت از نوگرایی به عنوان نکته اصلی و ایده اساسی پاراگراف پشتیبانی کنیم ولی همان طور که گفتم نه از هر نوگرایی ای بلکه از نوع گرایی خاصی که بافت جمله آن را مشخص کرده است.

نکته چهارم - عطف در جمله موضوع ممکن است مشکل ساز باشد به ویژه اگر عطف در فکر مرکزی واقع شود. به جمله موضوع زیر دقت بفرمایید:

کلمات اهل لغت و فقهای امامیه در بیان حقیقت و آثار رشوه مضطرب و مختلف است.

در این جمله موضوع، سه عطف استفاده شده است:

- اهل لغت و فقهای امامیه

- حقیقت و آثار

- مضطرب و مختلف

شما باید در این پاراگراف با این جمله موضوع از کلمات اهل لغت و همچنین کلمات فقهای امامیه درباره حقیقت و همچنین آثار رشوه شاهدی بیاورید و دفاع کنید که هم مضطرب (نامعین و آشفته) و هم مختلف است. به نظر می رسد که دفاعیات ما از حد یک پاراگراف فراتر برود.

در جمله موضوع زیر نیز دقت بفرمایید:

آیت الله بروجردی علی رغم ملاحظاتی که برخی از روشنفکران دینی مطرح می کنند، در تاریخ حوزه های علمیه شیعه عالمی نوگرا و متجدد بوده است.

اینجا هم می توان چنین انتقادی کرد که اگر مولفه نوگرایی و تجدد از هم جداست زحمت بیشتری در حد یک پاراگراف باید متحمل شویم ولی اگر منظور از این دو واژه یک مفهوم است برای اینکه خودمان به عنوان نویسنده و خوانندگان به صورت روشن تر جملات پاراگراف را پیگیری کنند یکی از این دو را که صلاح می دانید و اولویت دارد، انتخاب کنید و دیگری را حذف کنید تا دچار مشکل نشوید.

لذا تا می توانید از عطف در جمله موضوع و به خصوص در فکر مرکزی پرهیز شود.

نکته پنجم - قید ها و به اصطلاح سورهای منطقی در جمله موضوع مهم است و باید بدان توجه کرد. به مثال های زیر دقت فرمایید:

هیچ کتاب شاهکاری در مدت کوتاهی نوشته نشده است.

کتاب های شاهکار در مدت کوتاهی نوشته نشده است.

بعضی از کتاب های شاهکار در مدت کوتاهی نوشته نشده است.

این سه جمله موضوع فکر مرکزی اش می تواند یکی در نظر گرفته شود ولی بافت جمله موضوع با هم فرق می کند. اولی به اصطلاح منطقیون سالبه کلیه است و از قید هیچ استفاده شده است. در جمله دوم سور ندارد و در خود هیچ را به عنوان قید ندارد. در جمله سوم سالبه جزیه است و از قید بعضی استفاده شده است. این قیود در چگونگی پشتیبانی ها از جمله موضوع و فکر مرکزی تاثیر دارد. در جمله اول باید استدلال شود که هیچ موردی نیست ولی در جمله سوم کافی است چند مثال بزنید که نوشتن شاهکار ها طولانی شده است. لذا در مقام نگارش علمی نمی توانید پشتیبانی ها را جابجا استفاده کنید و ارزیابان حرفه ای از شما ایراد خواهند گرفت. لذا با مرور قسمت سورهای منطقی و توجه به مفهوم آنها در نوشتن جملات موضوع، این نکته را رعایت کنید.

نکات دیگری نیز در نگارش حرفه ای جمله موضوع به نظر می رسد که ترجیح می دهیم هنگامی که با جملات پشتیبان بیشتر آشنا شدید تقدیم کنم.

حال من انتظار دارم شما بتوانید جملات موضوع درستی را برای بیان ایده های علمی که در ذهن تان است، بنویسید.

قسمت یازدهم - جملات پشتیبان

در این نوبت برخی از مباحث نظری جمله های پشتیبان تقدیم می شود تا بتوانیم به مباحث عملی و مهارتی نیز متعاقباً پردازیم.

۱- جمله پشتیبان اصلی، جمله ای است که مستقیماً به اندیشه ناظر مطرح شده در جمله موضوع مربوط است و به بسط آن می پردازد.

۲- جمله پشتیبان فرعی، جمله ای است که به طور غیرمستقیم و به واسطه جمله پشتیبان اصلی به جمله موضوع می پردازد.

۳- یک پاراگراف خوب دو ویژگی دارد؛ وحدت موضوعی و انسجام خطی.

۴- وحدت موضوعی: وحدت موضوعی رابطه ای عمودی است که میان جمله های پشتیبان و اندیشه ناظر بر پاراگراف برقرار است. هر کدام از جمله های پشتیبان فقط باید به بسط آنچه که در جمله موضوع و اندیشه ناظر بر پاراگراف بیان شده است پردازد.

۵- انسجام خطی: انسجام خطی نشان دهنده چینش افقی و منظم جمله های پشتیبان است. رابطه بین جملات یک پاراگراف و حرکت روان و بدون سکت جمله اول تا آخر پاراگراف را انسجام خطی حفظ می کند.

*در ادامه شیوه های حفظ وحدت موضوعی را بیان خواهیم کرد؛ به عبارتی دیگر شیوه های بسط پاراگراف (Paragraph Development) را توضیح خواهیم داد.

قسمت دوازدهم - ادامه جملات پشتیبان

طبق وعده قبلی نوبت به مهارت نگارش جملات پشتیبان یا به تعبیر دقیق تر جملات بسط دهنده پاراگراف می رسد.

۱- جمله موضوع را مثل یک آکاردیون، را از هم باز می کنید، آن را بسط و توسعه می دهید تا پاراگراف شما حول فکر مرکزی تعیین شده، خلق شود.

۲- دقت کنید هیچ مهمان ناخوانده ای در بین جملات بعد از جمله موضوع تا آخر پاراگراف نباید باشد. این مراقبت با تمرکز بر جمله موضوع و فکر مرکزی قابل دستیابی است.

۳- رابطه منطقی بین جملات پشتیبان و جمله موضوع باید از انضباط معینی پیروی کند. مثلاً همه جملات پشتیبان (اصلی) شما مثالی برای ادعایی است که در جمله موضوع طرح کردید. یا مثلاً جملات موضوع برای این ادعا استدلال است و ما این رابطه و نظم را شیوه بسط نام می نهیم و عملاً به دنبال فراگرفتن مهارت بسط جمله موضوع مطابق هر شیوه بسط خواهیم بود.

۴- هر پاراگراف ممکن است از یک یا چند شیوه و منطق بسط استفاده کرده باشد ولی در مقام تعلیم ابتدا با حالت های ساده تر شروع می کنم. تجربه به من نشان داده است که پس از فراگرفتن و تسلط بر شیوه های بسط ساده تر فراگیران می توانند با ترکیب شیوه های ساده و خلاقیت خودشان به روش های واقعی تر و کارآمدتری در شکل دادن پاراگراف برسند. ولی فعلاً با شیوه های ساده تر شروع خواهیم کرد.

۵- روشهای اصلی بسط پاراگراف (حفظ وحدت موضوعی)؛ تمثیل (کوتاه یا روایی)؛ توصیف (عینی یا ذهنی)؛ استدلال (لمی یا انی) است. من با توجه به میزان کاربرد در متون علمی شیوه تمثیل کوتاه، توصیف عینی و استدلال را توضیح خواهم داد. و ما بقی را به منابع ارجاع خواهم داد تا خودتان در صورت حوصله و نیاز به صورت خود آموز آنها را فراگیرید.

قسمت سیزدهم - عبارات رابط

در هر روش بسط شما می توانید از یک قالب برای ازمودن درستی نوشتن پاراگراف استفاده کنید. شما باید با قرار دادن کلمه کلیدی مناسب در هر روش، بین جمله موضوع و جملات پشتیبان، هر بار مستقلاً دو جمله موضوع و جمله

پشتیبان را بخوانید و در هر بار باید رابطه معنا داری در زمینه دانشی نوشتن پاراگراف تان به دست آید. به عکس زیر دقت کنید:

آزمون وحدت موضوعی در پاراگراف

جمله پشتیبان اصلی ۱

کلمه
کلیدی

جمله موضوع

جمله پشتیبان اصلی ۲

جمله پشتیبان اصلی ۳

جمله پشتیبان اصلی ۴ ...

جمله موضوع به واسطه کلمه کلیدی مناسب هر شیوه بسط به هر یک از جملات پشتیبان مربوط می شود. مثلا شیوه بسط شما مثال کوتاه باشد. البته توجه داشته باشید که در نوبت بعدی هر یک از شیوه های بسط را مستقلا توضیح خواهم داد ولی فعلا برای آشنایی شما با ارتباط بین جملات پشتیبان و جمله موضوع در هر شیوه بسط به صورت کلی مثال می زنم. در شیوه بسط مثال کوتاه شما برای درستی ادعای خود در جمله موضوع به مثال های مناسبی تمسک می کنید. کلمه کلیدی در این شیوه «مثلا»، «به عنوان نمونه» و کلماتی از این دست است. جمله موضوع را با «مثلا» به عنوان کلمه کلیدی در این شیوه بسط و هر یک از جمله های پشتیبان می خوانید باید این جمله ها معنا دار باشد. به اسلاید زیر دقت بفرمایید:

آزمون وحدت موضوعی پاراگرافهای مبتنی بر مثال کوتاه

جمله پشتیبان اصلی ۱

مثلاً

جمله موضوع

جمله پشتیبان اصلی ۲

جمله پشتیبان اصلی ۳

جمله پشتیبان اصلی ۴ ...



کتاب شاهکار در مدت کوتاهی نوشته نشده است. «مثلاً» المیزان را علامه طباطبایی در مدت بیست سال نوشت.

قسمت چهاردهم - تمرین های عملی

پاراگراف کتاب های شاهکار را به یاد بیاورید. هر یک از جملات پشتیبان باید با کلمه کلیدی مثلاً ما را به معنای قابل قبولی برساند. بگذارید یکی از جملات پشتیبان را با قید اختصار در تعابیر امتحان کنیم:

کتاب شاهکار در مدت کوتاهی نوشته نشده است. مثلاً المیزان را علامه طباطبایی در مدت بیست سال نوشت.

به جای مثلاً عبارت هایی به همین معنا را نیز می توانید استفاده کنید از جمله اینکه، به عنوان نمونه و ...

حال سعی کنید پاراگراف های زیر را خودتان به عنوان تمرین با این شیوه بسط بسنجید. البته فعلاً ما اکثر و یا همه پاراگراف هایی که تقدیم کرده بودم به همین شیوه بوده است:

*پاراگراف اول:

حوزه های علمیه شیعه عالمی نوگرا و متجدد بوده است. ایشان رسالت حوزه های علمیه تشیع را در ابعاد بین المللی تعریف می کردند. اعزام نمایندگان به برخی از کشورهای غربی از جمله محمد محقق به آلمان و آقای مهدی حائری به آمریکا و تاسیس مراکزی در آنجا برای اشاعه فرهنگ اسلامی شاهی بر این مدعاست. حمایت از راه اندازی و

اشاعه مطبوعات اطلاع رسانی دینی و حوزوی در سطح کشور از جمله تلاش های این مرد بزرگ بوده است. تاسیس مجله حکمت، مکتب اسلام و مکتب تشیع در زمان ایشان، نقش قابل توجهی در به راه انداختن فعالیت های مطبوعاتی حوزه در حیطه فرهنگ دینی داشته است. کادر سازی و تربیت نیروی انسانی کارآمد و قوی در حوزه علمیه قم نشان دهنده درک تشکیلاتی فوق العاده این فقیه ژرف اندیش بوده است. استاد مطهری، امام موسی صدر تنها دو دست پرورده همین حوزه علمیه هستند که مشابهان فراوانی دارند. این موارد نشان می دهد که این مرجع تقلید از ضرورت ها و اقتضائات دنیای متجدد نو به خوبی مطلع بودند و سعی می کردند از آنها به نفع اهداف دینی استفاده کنند.

*پاراگراف دوم

در دوره ی «اخباریان»، با برخورد شدیدی که میان اخباریان و اصولیان وجود داشت کتب مهمی در علم اصول تألیف شد. به عنوان مثال جواد بن سعد الله بن جواد کاظمی، معروف به فاضل جواد «غایه المأمول فی شرح زبده الاصول» را تألیف کرد. نمونه ی دیگر «حاشیه معالم» و «حاشیه زبده الاصول»، تألیف سید حسین بن میرزا رفیع الدین آملی اصفهانی، معروف به «سلطان العلماء» می باشد. علاوه بر این «وافیه» تألیف مولی عبد الله بن محمد تونی، معروف به فاضل تونی، «شرح زبده الاصول شیخ بهائی»، و «حاشیه معالم الاصول» تألیف مولی محمد صالح بن مولی احمد سروی، معروف به مولی صالح مازندرانی، «شرح عدّه الاصول»، تألیف مولی خلیل بن الغازی، معروف به مولی خلیل قزوینی، «حاشیه معالم الاصول»، تألیف محمد بن الحسن شیروانی، «حاشیه شرح مختصر عضدی»، تألیف آقا جمال خوانساری، و «شرح وافیه» تألیف سید صدر الدین بن محمد باقر رضوی قمی، از دیگر نمونه های تألیفات اصولی این عصر است. تألیف این مقدار تألیفات مهم و قابل توجه، محصول مواجهه میان اخباریان و اصولیان برآورد شده است.

*پاراگراف سوم

هیچ کتاب شاهکاری در مدت کوتاهی نوشته نشده است. مثلاً سروانتس، رمان معروف و شاهکار جهانی دون کیشوت را نزدیک به بیست سال نوشت. او در این اثر زندگانی شهسواران را به شیوه تحسین انگیزی به طنز آورده است. این کتاب به اندازه ای شیرین و خنده آور و در عین حال تراژیک است که پس از مطالعه، فراموش نخواهد شد. همچنین منتسکیو، کتاب روح القوانين را در بیست سال تألیف کرد. این کتاب شاهکاری در فلسفه سیاسی و کالبد شکافی انواع حکومت هاست و به بسیاری از زبان ها ترجمه شده است. به علاوه ابوالقاسم فردوسی، بزرگترین حماسه سرای ایران و از جمله حماسه سرایان نامدار جهان، نظم شاهنامه را در بیش از سی سال به انجام رسانیده است. محمد رضا

حکیمی با همکاری محمد حکیمی و علی حکیمی نیز شش سال را وقف تالیف جلد اول و دوم کتاب الحیاء کرد. بنابراین پژوهشگران نویسنده و یا نویسندگان پژوهشگر، هرگز سرسری نویس نیستند.

چند توضیح

- ۱ - جملات پشتیبان فرعی را فعلا در نظر نگیرید و این آزمون را در مورد جملات پشتیبان اصلی امتحان بفرمایید.
 - ۲ - در بعضی موارد کلمه کلیدی مناسب به عنوان عبارت رابط در پاراگراف ذکر شده است. این امر شما را در بازخوانی منطقی ساختار پاراگراف دچار مشکل نمی کند.
 - ۳ - چنانچه هنوز در تشخیص ساختار پاراگراف دچار تردید هستید به سه فایل word بعد از یادداشت قسمت نهم مراجعه بفرمایید.
- * در نوبت بعدی رابطه بین جملات پشتیبان فرعی را نیز تست خواهیم کرد. همچنین شیوه مثال کوتاه را به صورت مستقل و کامل توضیح خواهم داد.
- * توصیه اکید می کنم حتما و حتما تا نوبت بعدی تمرین تقدیم شده را انجام دهید تا بتوانید به صورت عملی و بهتر با مباحث بعدی دوره همراه باشید. فراموش نکنید شما در واقع در یک دوره کارگاهی مجازی شرکت کرده اید حال که امکان تمرین حضوری در کارگاه آموزشی فراهم نیست تمرین های علمی را از دست ندهید.

قسمت پانزدهم - شیوه های بسط پاراگراف - بسط مثال کوتاه

* نکاتی درباره روش بسط تمثیل (مثال کوتاه)

۱. رایج ترین شیوه بسط پاراگراف است؛
۲. به جای استدلال یا توضیح، خواننده با واقعیت روبرو می شود؛
۳. مثال باید در حد امکان خاص، جزئی و جذاب باشد؛
۴. مثال نباید کلی و چند پهلو باشد طوری که به ذهن همه برسد؛
۵. اگر مثال شما کلیشه باشد ممکن است تأثیر عکس بگذارد؛
۶. در وحدت موضوعی رابطه بین تک تک جمله های پشتیبان را با جمله موضوع می سنجند، کلید آزمون در این بسط « مثلاً»، « به عنوان نمونه» و کلماتی از این دست است؛
۷. کلید آزمون را پیش از هر جمله پشتیبان بگذارید و آن را بخوانید چنانچه آن جمله با معنا بود نشان می دهد که جمله مورد نظر از جمله موضوع پشتیبانی می کند. اگر معنا دار نبود باید مثال را عوض کرد.

۸. مثال دو نوع است: مثال کوتاه و مثال بلند یا روایی، در مثال روایی از یک داستان کوتاه استفاده می شود و از کل ماجرا برداشتی می شود که آن برداشت از جمله موضوع پشتیبانی می کند. از این شیوه در نگارش های علمی کمتر استفاده می شود به جز مثلاً در شروع برخی از مقدمه ها که این روش به همه توصیه نمی شود. در این مثال ها لازم نیست هر جمله ای مستقلاً از جمله موضوع پشتیبانی کند بلکه در مجموع از جمله موضوع پشتیبانی می کند. من در این جا به شیوه مثال بلند تکیه نمی کنم ولی برای اشنایی یک مثال تقدیم می کنم و بعد از آن به همان مثال تک جمله ای یعنی مثال کوتاه بر می گردم:

به دست آوردن شادی و امید، تنها به نوع نگاه انسان به خود و جهان بستگی دارد. مادر بزرگی داشتم اهل یزد که برای دیدار فرشته ی شادی، برنامه ای روزانه داشت. هر روز، بعد از عبادت و تلاوت قرآن، هنگام طلوع آفتاب، اتاق را مرتب می کرد؛ حیاط و جلوی خانه را آب و جارو می زد؛ قدری اسپند دود می کرد و در آخر مثنی دانه در حیاط می پاشید. آن گاه در گوشه ی حیاط به انتظار می نشست. اولین گنجشک یا کبوتری که روی زمین می نشست، برای او فرشته ی شادی بود. مادر بزرگ از وضع زندگی و زمانه با او به شکایت سخن نمی گفت، فقط، زیر لب می گفت: ای فرشته ی شادی! شادی و امید را در فضای خانه ی ما پخش کن. من امروز به یاد می آورم که مادر بزرگ چگونه امری غیر ممکن را با سادگی و مهربانی اش، ممکن می ساخت و چقدر خوب می توانست با کمک فرشته ی شادی، شادی و امید را به خانه ی ما بیاورد. (محمود فلاح / کارگاه نگارش علمی دکتر علی اصغر سلطانی)

۹. محدودیت های کاربردهای بسط تمثیل: در اثبات یک امر کلی باید با احتیاط از این روش استفاده کرد؛ در قضایای سالبه جزئی و نفی موجه کلیه و موجه جزئی کاربرد دارد؛ در برخی ادعاهایی با بیان چند مثال اقناع صورت می گیرد.

۱۰. یک تمرین - پاراگراف نوشته جناب آقای صنیعی در یکی از کارگاه های نگارش:

در این نمونه جمله موضوع، فکر مرکزی، جملات پشتیبان اصلی و جمله پشتیبان فرعی و عبارات رابط و جمله نتیجه را بیابید.

در فرهنگ اسلام، عبادت فراتر از نمونه هایی چون نماز و روزه است. مثلاً تفکر در کار خدا نوعی عبادت است. تفکری که انسان را به خدا نزدیک و آشنا سازد، عبادت محسوب می شود. همچنین خدمت به مردم هم عبادت محسوب می شود. روایات بسیاری این مطلب را تایید کرده و رسیدگی به مشکلات آنان را از بسیاری از عبادت ها و حج مستحب، به مراتب برتر به حساب آورده است. نیز انتظار فرج هم نوعی عبادت است. به طوری که در روایات از آن به عنوان برترین عبادت یاد شده است. در اسلام حتی نگاه پر مهر به پدر و مادر، نگاه به چهره علماء هم عبادت است. پس با این حساب، می توان گفت ابعاد و نمونه های عبادت، قابل شمارش نیست.

[File : پاسخ تمرین مطرح در یادداشت pdf.۱۵]

توصیه اکید می شود اول خودتان برای حل تمرین اقدام بفرمایید و بعد پاسخ بنده را مطالعه کنید.

همچنین حتماً با دیدی انتقادی تحلیل پاراگراف را که تقدیم شده، مرور کنید. نوبت بعدی نکاتی درباره جمله نتیجه تقدیم می شود و یکی دیگر از بسط های رایج پاراگراف با عنوان بسط استدلالی توضیح داده خواهد شد.

قسمت شانزدهم - جمله نتیجه

۱. جمله نتیجه جمله پایان دهنده پاراگراف است. در حقیقت آخرین فرصتی است که شما می توانید مطمئن شوید که خواننده دقیقاً منظور شما را درک کرده است؛
۲. نوشتن جمله نتیجه در پاراگراف های طولانی و پیچیده ضروری است اما وقتی که پاراگراف تان نسبتاً کوتاه باشد، می توان از آن چشم پوشی کرد؛
۳. در جمله نتیجه همان مضمون مطرح در جمله موضوع بازنوشته می شود.
۴. باید توجه داشت هنگام بازگویی محتوای جمله موضوع در نتیجه، نکته جدیدی بیان نشود که در جملات قبلی پاراگراف از آن پشتیبانی نکرده اید.
۵. از کلمات تکراری و عین عبارات استفاده شده در جمله موضوع، در جمله نتیجه به کار گرفته نشود سعی کنید با خلاقیت خودتان همان ایده را در لباسی از واژه های نو طرح کنید؛
۶. می توانید برای بهتر مشخص شدن جمله نتیجه قبل از آن، از عبارات رابط مناسب مانند «در نتیجه»، «بنابر آنچه گفته شد» و «بنابر این» استفاده کرد؛
۷. چند مثال:
*مثال اول -

تأثیر اندیشه های فلسفی ابن سینا بر فیلسوفان غرب و نگارشته هایشان، مورد اتفاق ایشان است. (جملات پشتیبان) پس با توجه به مطالب نقل شده، به راحتی می توان بر تأثیرات نظریات اندیشه های ابن سینا بر فلسفه مغرب زمین استدلال کرد و بر آن پای فشرد. (نویسنده جمال الدین حیدری فطرت - نقل از کتاب اصول و روش نگارش دانشگاهی دکتر سید علی اصغر سلطانی، ص ۵۹)

* مثال دوم -

ایت الله بروجردی علی رغم ملاحظاتی که برخی از روشنفکران دینی مطرح می کنند، در تاریخ حوزه های علمیه شیعه عالمی نوگرا و متجدد بوده است. (جملات پشتیبان) این موارد نشان می دهد که این مرجع تقلید از ضرورت ها و اقتضائات دنیای متجدد نو به خوبی مطلع بودند و سعی می کردند از آنها به نفع اهداف دینی استفاده کنند.

* مثال سوم -

هیچ کتاب شاهکاری در مدت کوتاهی نوشته نشده است. (جملات پشتیبان) بنابراین پژوهشگران نویسنده و یا نویسندگان پژوهشگر، هرگز سرسری نویس نیستند.

* مثال چهارم -

در دوره ی «اخباریان»، با برخورد شدیدی که میان اخباریان و اصولیان وجود داشت کتب مهمی در علم اصول تألیف شد. (جملات پشتیبان) تألیف این مقدار تألیفات مهم و قابل توجه، محصول مواجهه میان اخباریان و اصولیان برآورد شده است.

۸ البته در میزان توفیق نویسنده در بازنویسی ایده اصلی پاراگراف در جمله نتیجه به صورتی که حرف جدیدی نشود، نیازمند تامل هستیم. شاید شما جمله های نتیجه بهتری برای مثال های بالا به ذهنتان برسد. لطفا خودتان دست به قلم شده، با توجه به نکات گفته شده جمله نتیجه این پاراگراف ها را ارزیابی کنید و اگر حوصله داشتید جمله نتیجه بهتری بنویسید.

قسمت هفدهم - شیوه های بسط پاراگراف - بسط های استدلالی

گفته شد که از دیگر الگوهای ساده بسط پاراگراف استدلال (لمی بیان علت - انی بیان معلول و پیامد) است. در این نوبت ابتدا لازم است با توجه به اسلایدهای زیر، بالگوهای کلی این دو شیوه آشنا می شوید:

آزمون وحدت موضوعی پاراگرافهای مبتنی بر استدلال لمی

جمله موضوع	زیرا	جمله پشتیبان اصلی ۱
		جمله پشتیبان اصلی ۲
		جمله پشتیبان اصلی ۳
		جمله پشتیبان اصلی ۴ و غیره

برای پشتیبانی از جمله موضوع در این روش دلیل های خود را در قالب جملات پشتیبان می آوریم

آزمون وحدت موضوعی پاراگرافهای مبتنی بر استدلال لمی

جمله موضوع	زیرا	جمله پشتیبان اصلی ۱
		جمله پشتیبان اصلی ۲
		جمله پشتیبان اصلی ۳
		جمله پشتیبان اصلی ۴ و غیره

در این روش نتیجه و پیامدهای جمله موضوع را در قالب جملات پشتیبان می آورید و بدین ترتیب جمله موضوع را بسط می دهیم تا پاراگراف حاصل شود.

*مثال و تمرین برای استدلال لمی (دلیل آوردن - جملات پشتیبان علت درستی جمله موضوع است):

نخستین و مؤثرترین محیط آموزشی و تربیتی انسان، محیط خانواده می باشد. خانواده، هسته ی اصلی و اولیه جامعه بوده و حالات فکری و روانی انسان را شکل می دهد. خانواده با کودک از تولد تا سالیانی چند در تماسی مستقیم و انحصاری است. کودک در محیط خانواده طریقه ی خوردن، نحوه سخن گفتن، لباس پوشیدن، راه رفتن و ... را می آموزد. ذهن حساس و ظریف کودک از همان آغاز ولادت مانند دستگاهی دقیق از صحنه ها، حوادث، رفتار و اعمال و حالات پدر و مادر فیلم برداری نموده و افکار و رفتار و عقاید خود را شکل می دهد.

(جناب آقای محمد حسین صنیعی، یکی از طلاب شرکت کننده در کارگاه آموزشی)

* مثال برای استدلال انی (پیامد گویی - جملات پشتیبان پیامد درستی جمله موضوع است):

یک استاد نسبت به وقتی که فراگیر در کلاس درسش صرف می کند تعهد سنگینی دارد. او می داند باید پیش از هر جلسه تدریس درباره موضوع آن جلسه خوب مطالعه کند تا با آمادگی کامل و بدون شک و تردید وارد کلاس شود. اما این فقط بخشی از تعهد اوست. اطلاع کامل از موضوع داشتن خوب است ولی در عین حال باید با برنامه ریزی دقیق به این اطلاعات نظم بدهد تا از حد اقل زمان حداکثر استفاده را بکند. مهمتر از همه این که نباید تصور کند فراگیر ظرف خالی ای است که باید با اطلاعات جدید پر شود. یک استاد خوب طوری برنامه ریزی می کند تا کلاس درسش به فضایی برای تعامل علمی میان او و فراگیران بدل شده، به هر دو فرصت اندیشیدن و آموختن بدهد. (اصول و روش نگارش دانشگاهی، با اندکی تصرف)

از شما انتظار دارم که سعی نمایید پیش از اینکه توضیحات بنده در خصوص این دو شیوه کامل شود با ابتکار و خلاقیت خود:

۱ - مانند شیوه حل تمرین در قسمت شماره ۱۵، این دو پاراگراف را تحلیل کنید؛

۲ - برای هر کدام از پاراگراف های فوق جمله نتیجه مناسبی بنویسید.

در نوبت بعدی به امید خدا توضیحات بیشتری برای درک بهتر این دو شیوه بسط (علت اوری و پیامد گویی) تقدیم خواهم کرد. امروز کمی کارتان در تمرین ها سخت تر می نماید زیرا قصد دارم قبل از اینکه بنده عرایض را ارائه کنم ذهن خلاق شما کمی با این دو شیوه پر کاربرد در متون علمی درگیر شود. بنابر تجربه اینگونه نتیجه بهتری حاصل خواهد شد.

قسمت ۱۸ - تحلیل مثال های موجود در قسمت ۱۷ در فایل زیر تقدیم می شود. به خاطر داشته باشید همیشه ابتکار و نظر خودتان را در ارزیابی و نگارش پاراگراف حفظ کنید. تحلیل بنده را به عنوان یک پیشنهاد در نظر بگیرید.

[File : تحلیل_پاراگراف_به_شیوه_بسط_لمی_ب.pdf]

قسمت نوزدهم - توضیحات تکمیلی

۱. استدلال یکی از موثرترین روش ها برای اثبات اندیشه ناظر بر پاراگراف است. به عبارت دیگر بهترین شیوه بسط یک مبحث علمی، استدلال است؛
۲. قوت استدلال نشان دهنده منطق نهفته در اندیشه های نویسنده است و بنا بر این باید بسیار با دقت به آن پرداخت.
۳. هنگام نگارش به دو گونه می توان از استدلال بهره گرفت. به اصطلاح منطقیون استدلال لمّی (علت اوری) و پیامدگویی (اّنی).
۴. باید دلایل منطقی باشد تا برای مخاطب پذیرفتنی و قابل قبول باشد؛
۵. اگر دلایل منطقی برای ادعایان ندارید بهتر است اصلاً آن را مطرح نکنید؛
۷. بعضی از تازه کارها ممکن است اصرار داشته باشند که در ابتدای جملات پشتیبان در پاراگراف های لمّی و انی زیرا و در نتیجه و ... بگذارند. گرچه استفاده از این کلمات لطمه ای جدی به پاراگراف نمی زند ولی سطح کیفی نوشتار را کاهش می دهد.
۸. به عبارت دیگر نباید مستقیم به خواننده بفهمانید که قصد دارید از لم و یا ان استفاده کنید. گرچه استفاده حساب شده از این کلمات بد نیست ولی بهتر است اجازه دهید خواننده بدون توجه به راهکارهایی که استفاده کرده اید فقط به محتوا توجه کند؛
۹. آزمون وحدت موضوعی به کمک این کلمات چیزی است که فقط در ذهنتان صورت می گیرد؛
۱۰. هیچ نویسنده ای نیست که تمام برداشت خواننده را بتواند تحت کنترل در آورد ولی باید ذهن شما منسجم باشد و مطمئن باشید که روش شما لم است یا ان. خواننده در برداشتش آزاد است.

قسمت بیستم - چند مثال برای تمرین بیشتر

*مثال بسط لمّی (علت اوری) - محمد رضا حسینی نژاد - مرکز آموزش های تخصصی فقه - ۹۴

از نظر مرحوم شیخ خرید و فروش مردار حیوان فاقد خون جهنده جایز است. زیرا به نظر ایشان مقتضی برای خرید و فروش موجود و مانع مفقود است. از یک طرف مردار چنین حیوانی دارای منفعت است و از طرفی دیگر مراد روایاتی که از خرید و فروش مردار منع کرده است جنازه حیوان نجس است. مضاف بر این که به فرموده شیخ برای جواز خرید و فروش مردار میته کذایی، اجماع فقها قائم شده است. بعضی از افرادی که قائل بر جوازند عبارتند از، محدث

بحرانی و سید عاملی و صاحب جواهر. با توجه به این دو دلیل، شیخ انصاری معتقد است بیع مردار حیوانی که خون جهنده ندارد جایز است.

*مثال بسط انی (پیامد گویی) - کارگاه نگارش

در طول تاریخ حیات حوزه‌های علمی، تبلیغ یکی از عناصر هویت بخش روحانیت شیعه بوده است. از این رو طلاب جوان از همان سال‌های نخست طلبگی خود دغدغه تبلیغ داشته‌اند و سعی می‌کردند با روش‌ها و فنون آن آشنا شوند. زعمای حوزه‌های علمی نیز همیشه طلاب و فضلا را به تبلیغ دین و اشاعه علوم اهل بیت در بین مردم تشویق و ترغیب می‌کردند. بنابراین بوده است که از سالیان قدیم تاکنون، درس‌های حوزه‌ها در ایام تبلیغی تعطیل می‌شده است. به این خاطر مردم نیز همواره از حوزه‌های علمی انتظار داشتند که آنها را با دین و معارف الهی آشنا کنند.

*مثال بسط لمی (علت آوری) - کارگاه نگارش - جناب آقای حیدری فطرت

مرحوم نجاشی را به حق می‌توان خبره‌ترین عالم رجال شیعه دانست. نظرات علمی وی را می‌توان در تمام کتب رجال شیعه یافت که این امر نشان از احترام دیگر اندیشمندان به سخنان و نظریات وی و اعتراف به صحت آنهاست. مرحوم خویی که به تألیف بزرگترین معجم رجال شیعه همت گمارد، در مواضع گوناگون پس از ذکر نظر نجاشی، آن را حرف حق و فصل الخطاب دانسته است. و پر واضح است که شخصی چون علامه خویی سخنانش را بدون استدلال‌های مستحکم بیان نمی‌دارد. همچنین می‌توان به اعتماد فقها و اصولیون به آرای وی اشاره کرد؛ اعتمادی که بیانگر خبرویت وی در عرصه نقد و بررسی احوال راویان شیعه است. به خاطر همین تخصص است که در تعارض اقوال رجالیون، این قول نجاشی است که بر همه نظرات فائق آمده و برتری می‌یابد.

*مثال بسط لمی (علت آوری) - کارگاه نگارش - جناب آقای حیدری فطرت

تأثیر اندیشه‌های فلسفی ابن سینا بر فیلسوفان غرب و نگاشته‌هایشان، مورد اتفاق ایشان است. توماس آکویناس که از سردمداران فلسفه مغرب زمین است، یکی از آخرین تألیفات خویش را به تلخیص کتاب شفای بوعلی اختصاص داده است. ناگفته پیداست که تلخیص یک کتاب از سوی اندیشمندی بزرگ، آن هم در اواخر عمر و زمان پختگی علمی، نشان از اهمیت بسزای آن اثر است. همچنین آگوستین، پدر و بنیانگذار فلسفه جدید اروپا، در کتابهای خویش به کرات اقوال ابن سینا را ذکر کرده و بر آنها استدلال‌های طولانی آورده است. جالب اینجاست که فلاسفه بعدی نیز هنگام نقل نظریات آگوستین، استدلال‌های وی بر مبانی ابن سینا را نیز مد نظر قرار داده‌اند. راسل، کانت، هگل و دیگر فلاسفه معاصر نیز علیرغم قبول نداشتن برخی مبانی ابن سینا، به نقد آنها همت گمارده‌اند. این رد و عدم قبول اگر چه

در ابتدای امر نشان از سبکی این مبانی است، ولی این مطلب را می‌رساند که پذیرش این مبانی از سوی طرفدارانشان، ادعاهایشان را زیر سؤال می‌برد. پس با توجه به مطالب نقل شده، به راحتی می‌توان بر تأثیر نظریات و اندیشه‌های ابن سینا بر فلسفه مغرب زمین استدلال کرد و بر آن پای فشرده.

* مثال برای بسط لمی (دلیل اوری) - کارگاه نگارش -

علیرغم اینکه واژه «حدیث صحیح» از زمان علامه حلی (ف ۷۲۶) و از زبان ایشان در معنای جدید خود رواج پیدا کرد، ولی با این حال، می‌توان ادعا کرد که علامه در نگاشته‌هایش، از این قاعده عدول کرده و «صحیح» را در معنای قدیمی‌اش به کار برده است. بزرگان علم رجال که بعد از علامه حلی آمده‌اند، همه به مطلب فوق اذعان دارند. از دیگر سوی، اگر بخواهیم «صحیح» در کتب علامه را بر معنای جدیدش حمل کنیم، تعارض‌هایی با مبانی مسلم وی پدیدار می‌گردد که در این تعارض مجبوریم از ادعایمان صرف نظر کنیم. در نهایت، مهمترین دلیل بر این ادعا، کاربردهای علامه نسبت به این واژه است. چرا که طوری از این اصطلاح استفاده کرده و در جایی به کار برده که جز با معنای قدیمی آن، سازگار نیست.

*لطفاً سروران گرامی مطابق توضیحات دو نوبت قبلی در خصوص شیوه بسط لمی (دلیل اوری) و انی (پیامدگویی) این پاراگراف‌ها را به شیوه ای که در پست بعد از قسمت ۱۵ ام با عنوان (پاسخ تمرین مطرح در یادداشت ۱۵) گفته شد، تحلیل بفرمایید. لطفاً با حوصله این تمرین را انجام دهید زیرا این بسط در نگارش علمی بسیار پرکاربرد است.

قسمت بیست و یکم - شیوه بسط توصیف

۱. نگارش توصیفی به کارگیری کلمات به منظور بازنمایی ظاهر و ماهیت یک پدیده است؛
۲. ابزار لازم برای توصیف، استفاده از حواس پنجگانه برای مشاهده دقیق واقعیت‌ها است؛
۳. توصیف، مشاهده‌ی دقیق جزئیات به واسطه حواس و بازنمایی دقیق این جزئیات به واسطه کلماتی است که با وسواس انتخاب شده‌اند.
۴. توصیف همیشه شبیه یک دوربین بی‌احساس و بی‌اعتنا نیست بلکه گاهی با احساس در می‌آمیزد لذا توصیف یا عینی است و یا ذهنی؛
۵. توصیف ذهنی در نوشته‌های علمی کاربرد زیادی ندارد؛
۶. فقط در توصیف یک نکته را مورد تأکید قرار دهید (تأثیر واحد)؛
۷. در انتخاب کلمات دقت زیادی نمائید؛

۸. زاویه دید در توصیف مهم است. باید تصمیم بگیرید که در صحنه حضور داشته باشید و یا به عنوان ناظر خارجی صحنه را توصیف می کنید؛

۹. گرچه باید در توصیف جزئیات را ارائه کرد اما اگر با نظم و ترتیب نباشد، متنی نامنسجم و عمدتاً غیر قابل فهم خواهد شد؛

۱۰. برای انسجام بخشی، معیاری می خواهیم، ترتیب زمانی، مکانی می تواند دو نمونه از نظم و انسجام در توصیف باشد. درباره انسجام خطی در قسمت های بعدی توضیح داده خواهد شد.

قسمت بیست و دوم - بسط توصیف - چند مثال

توصیف شامل بیان فرآیند انجام یک کار یا برشمردن ویژگیهای یک چیز می شود. در این روش، غالباً با استفاده از یافته های مبتنی بر حواس پنجگانه ویژگیهای شاخص موضوع مورد نظر بیان می گردد. برای آشنایی بیشتر با این روش به چند مثال دقت بفرمایید:

مثال اول - تاثیر واحد توصیف: دارای ویژگی خاص بودن الماس
عده کمی از مردم ویژگیهای اصلی الماس را می دانند. الماس از کربن خالص ساخته می شود و به شکل بلور است. الماسها اشکال مختلفی دارند: بعضی هشت وجهی و بعضی چهل و هشت وجهی اند. به علاوه، الماس سخت ترین ماده ای است که تاکنون در جهان شناخته شده است و از این رو اسیدها تاثیری بر آن ندارند. اما در عین حال الماس شی ای درخشان و شکننده است. برای جلا دادن آن باید از نوعی روغن و پودر الماس استفاده کرد.

مثال دوم - تاثیر واحد توصیف: منحصر به فرد بودن کتاب در موضوع تنزیه انبیاء و ائمه
هنگام منبع-شناسی موضوع منزّه دانستن پیامبران از گناه و اشتباه، باید حتماً به بررسی کتاب «تنزیه-الانبیاء و الائمة» نوشته «شریف مرتضی علم الهدی» پرداخته شود. چرا که هم از لحاظ قدمت بر دیگر آثار این وادی برتری دارد و هم از جهت محتوا و قوّت استدلال نگاشته ای بی بدیل است. «تنزیه الانبیاء» کتابی است که از مقدمه ای نسبتاً طولانی ولی پر اهمیت و دو فصل تشکیل یافته است. مصنف کتاب در مقدمه، مباحثی چون: نظریات فرق مختلف کلامی مسلمان پیرامون موضوع مورد بحث، مبانی موافقان و مخالفان این نظریه را مورد بحث قرار می دهد. وی در فصل اول کتاب، ابتدا آیاتی از قرآن را ذکر می کند که در اولین نگاه، شبهه گناه یکی از پیامبران را به ذهن می اندازد. سپس با استفاده از شواهد گوناگون همچون: بررسی لغوی، اشعار عرب، مبانی عقلی و ... به بررسی آنها می پردازد و در نهایت، معنایی از آیه را بیان می دارد که با اصل عصمت پیامبران سازگار باشد. «شریف مرتضی» در دومین فصل کتاب، که به منزّه دانستن ائمه اطهار اختصاص یافته، به جای ذکر آیات، از نقل های تاریخی ای سخن به میان آورده که اشتباه امامان را

می‌رساند. لذا ایشان در ردّ این سخنان، از منابع معتبر تاریخی بهره برده و بدین گونه تنزیه ائمه از گناه و اشتباه را نیز به اثبات رسانده است.

*مثال سوم - تاثیر واحد توصیف: شگفت انگیز بودن

زنبور عسل موجود بی نظیر و شگفت انگیزی است که بسیاری از مردم از آن بی خبرند. زنبور عسل قسمتهای دهانی جونده و مکنده را، هر دو داراست. دگرسی ان کامل است و به طور جمعی زندگی می کند. زنبور عسل شامل سه دسته است؛ ملکه که تخم می گذارد؛ نرها که کارشان بارور کردن ملکه است؛ کارگرها که ماده های عقیم هستند و اغلب زیادتر از بقیه می باشند. کندوی ان یا به صورت جعبه های مکعب است که به ان مدرن می گویند یا به صورت سبدی است که بومی نام دارد. کلمه زنبور عسل در قران کریم ذکر شده که با ان با کلمه وحی سخن گفته است. عسل ان هم خاصیت غذایی دارد و هم دارویی که در صنعت پزشکی بسیار کاربرد دارد.



یک پاراگراف خوب دو ویژگی دارد:

وحدت موضوعی:

۱. وحدت موضوعی رابطه ای عمودی است که میان جمله های پشتیبان و اندیشه ناظر بر پاراگراف برقرار است.
۲. هر کدام از جمله های پشتیبان فقط باید به بسط آنچه که در جمله موضوع و اندیشه ناظر بر پاراگراف بیان شده است پردازد.

انسجام خطی: انسجام خطی نشان دهنده چینش افقی و منظم جمله های پشتیبان است.

دو ویژگی یک پاراگراف خوب

قسمت بیست و سوم - انسجام خطی

درباره ویژگی "ی اول یعنی وحدت موضوعی در قالب شیوه های بسط پاراگراف توضیح داده شد. حال نوبت انسجام خطی است. اسلاید های زیر نکاتی در این خصوص تقدیم می کند.

- ✓ تا به حال به آزمون اول پاراگراف استاندارد با عنوان وحدت موضوعی پرداختیم. این آزمون به ما می گوید که چگونه کلیه جملات هر پاراگراف فقط به یک فکر مرکزی مربوطند و به شرح و بسط یک نکته که در جمله موضوع مطرح شده است می پردازند.
- ✓ همه جملات پشتیبان باید موضوع واحدی را دنبال کنند:
- ✓ جملات یک پاراگراف علاوه بر داشتن وحدت موضوعی باید طوری پشت سر هم چیده شوند که متن یکدست و روان نیز باشد:
- ✓ اگر وحدت موضوعی رابطه ای عمودی بین جملات پشتیبان و جمله موضوع باشد، انسجام متنی رابطه ای افقی بین خود جملات پشتیبان است.

وحدت موضوعی

انسجام خطی (متنی)

انسجام متن

- انسجام متن نشان می دهد که نویسنده مطالبی را که در قالب مثال، توصیف و یا استدلال در جمله های پشتیبان ذکر کرده است چگونه به صورت منظم پشت سر هم آورده است.
- در یک پاراگراف خوب جمله های پشتیبان به گونه ای چیده می شوند که نظم منطقی در ذهن خواننده ایجاد کنند.
- اگر حرکت از جمله ای به جمله ای دیگر به شکلی روان و بدون سکنه صورت گرفته باشد پاراگراف دارای انسجام متنی است.

انسجام متن

عوامل انسجام متن:

- ❑ کلمات و عبارات انتقالی؛
- ❑ زاویه دید (شخص، زمان و لحن)؛
- ❑ توالی جملات:
- (نظم زمانی، نظم مکانی، کل به جزء، جزء به کل و ترتیب اهمیت)

❑ کلمات انتقالی، انتقال از جمله ای به جمله دیگر، از نکته ای به نکته دیگر، از مثالی به مثال دیگر، از دلیلی به دلیل دیگر و در کل از یک جمله پشتیبان به جمله پشتیبان دیگر را به سهولت امکان پذیر می سازد.

❑ کلمات و عباراتی که برای انتقال استفاده می شوند بسته به نوع متن متفاوتند.

کلمات انتقالی

برای تأکید: به ویژه، مهم تر از همه، در حقیقت، مهم تر اینکه ...
برای مثال آوردن: مثلاً، برای مثال، برای نمونه، مانند، همانند، از قبیل...
برای دلیل آوردن: زیرا، به علت، چون، به دلیل ...
برای خلاصه کردن: بنابر این، به عبارت دیگر، خلاصه اینکه، در پایان، در کل ...
برای مقابله: اگر چه ... اما، در حالی که، با وجود این، اپ سوی دیگر، علی رغم، در عوض ...
برای مقایسه: به همان ترتیب، به همین ترتیب، به همان نسبت، مشابه، مانند ...
برای افزودن: همچنین، به علاوه، علاوه بر آن، افزون بر آن ...
برای مناسبات زمانی: ابتدا، بعد، بعد از آن، سپس، قبل از، در این حین، در طی، فردا، دیروز، یک ماه پیش، یک سال پیش، شب گذشته، بلا فاصله، دوازدهم اردیبهشت، در سال ۱۳۸۸ ...
برای مناسبات مکانی: بالا، پایین، سمت راست، سمت چپ، زیر، آن طرف، نزدیک، دورتر، روی، خارج از، داخل ...
برای شمارش: یک، دو، سه ... اولاً، ثانیاً، ...؛ بعد، بعد از آن، در آخر، سرانجام ...

فهرست برخی از کلمات انتقالی:



پیروی از یک زاویه دید خاص نیز باعث انسجام متن می شود.
 زاویه دید نشان می دهد رابطه نویسنده با موضوع چگونه است و بدین ترتیب منظری خاص برای نگارش اتخاذ می شود.
 زاویه دید به ندرت در یک نوشته عوض می شود و استفاده نادرست از آن و مخلوط کردن زاویه های دید مختلف باعث می شود متن یک دستی خود را از دست بدهد.

زاویه دید



- به طور کلی عواملی که زاویه دید را می سازند عبارتند از :
- I. شخص : در متون علمی **سوم شخص** کاربرد بیشتری دارد؛
 - II. زمان: در نوشته های علمی جز در مواردی خاص مانند ارائه گزارش یا چکیده نویسی غالباً زمان متن **زمان حال** است علت این انتخاب این است که گویی نویسنده قصد دارد با مخاطبی که مستقیم به حرف هایش گوش می دهد سخن بگوید؛
 - III. لحن این مؤلفه به افعال بر نمی گردد و به شیوه نوشتار نویسنده بازگشت دارد . لحن نشانگر نگرش نویسنده است. لحن می تواند دوستانه، جدی، مستقیم، **رسمی** و غیر از این موارد باشد.
- نکته:** تغییر زاویه دید به تازه کاران هرگز توصیه نمی شود. بهتر است در ابتدا لحن معین و ثابت و متعارفی برای نوشته خود انتخاب کنید و سعی کنید نماینده این امر به طور کامل رعایت شود

زاویه دید

توالی جملات پشتیبان

اصل دیگری که در حفظ روانی متن تأثیر مناسبی دارد و باعث می شود حرکت از جمله ای به جمله دیگر آسان تر شود، توالی ارائه جملات پشتیبان است. الگوهای کلی به شرح زیر است:

- ✖ **نظم زمانی:** مثلاً در بیان وقایع تاریخی، بیان نکته ای در یک بازه زمانی ...؛
- ✖ **نظم مکانی:** مثلاً در توصیف یک مکان و یا چیزی ...؛
- ✖ **ترتیب کل به جزء:** رایج ترین شکل پاراگراف نویسی، کلی ترین پاراگراف جمله موضوع است و سپس به ترتیب جزئی تر می شود؛
- ✖ **ترتیب جزء به کل:** کلی ترین جمله به عنوان جمله نتیجه سر آخر پاراگراف می آید در حقیقت جمله موضوع و جمله نتیجه بر هم منطبق می شوند؛
- ✖ **ترتیب اهمیت:** در این روش معیار چینش جملات ترتیب اهمیت آنها است.

۱. پاراگراف های قبلی خود را تکمیل کنید؛
۲. معیارهای انسجام بخشی متن را در آنها تطبیق دهید.



اکنون دوره فشرده پاراگراف نویسی به اتمام رسید.

از همه مهارت ها که بگذرید فراموشتان نشود هر پاراگراف فقط یک حرف حساب، مثل اینکه می گویند مردی و کاری!

اگر توفیقی بود و حوصله ای #دوره - فشرده - پاراگراف - نویسی - تکمیلی - #دوره - فشرده - مقاله - پنج - پاراگرافی (مقاله کوتاه) - #دوره - فشرده - از - مقاله - پنج - پاراگرافی - تا - مقاله - استاندارد در خدمت سروران محترم خواهم بود.

از صبر و حوصله شما برای همراهی در این دوره فشرده ممنونم.

التماس دعا موفق باشید.

درس نامه بارگذاری شده مقاله کوتاه

کانال «آموزش پژوهش و نگارش علمی»

#دوره آموزشی فشرده

#نگارش علمی

#دوره آموزشی مقاله کوتاه

دوره نخست با عنوان اصول پاراگراف نویسی در ماه ... تقدیم شد. در دوره دوم #مقاله پنج پاراگرافی یا همان #مقاله کوتاه یا five paragraph essays تقدیم خواهد شد.

این #دوره آموزشی فشرده به امید خدا ... شروع و به مدت ده روز ادامه خواهد داشت. پیش بینی می کنم برای این دوره روزانه حدوداً دو تا سه یادداشت تقدیم شود.

لازم است یادآوری کنم که دوره پاراگراف نویسی پیش نیاز این دوره است. لذا برای همراهی بهتر توصیه می کنم مطالب قبلی را در مرور پاراگراف نویسی مرور کنید.

همچنین چند مطالب تکمیلی دوره پاراگراف نویسی باقی مانده است. این مطالب پس از تسلط نسبی شما سروران بر مباحث قبلی در فرصتی مقتضی تقدیم می شود. سرفصل این مطالب به شرح زیر است:

۱. سایر الگوهای ساختاری پاراگراف (گفتیم معمولاً جمله موضوع در ابتدای پاراگراف قرار می گیرد در سایر الگوی ها می آموزیم که جمله موضوع می تواند با کمی فاصله از ابتدای جپاراگراف و یا اصلاً در انتهای پاراگراف قرار گیرد).

۲. ترکیب روش های ساده بسط پاراگراف (پس از تسلط بر روش های ساده پاراگراف مانند مثال کوتاه، بسط لمی یعنی همان دلیل اوری و بسط انی یا همان پیامدگویی، می آموزیم که گاهی ممکن است از ترکیب این روش ها در بسط پاراگراف استفاده کنیم. دو شیوه معمول این ترکیب [توصیف، تمثیل و استدلال] و [تمثیل، توصیف و استدلال] است).

۳. روشهای پیچیده تر بسط پاراگراف (در ابتدا لازم است تنها با شیوه های ساده بسط آشنا باشیم پس از تسلط بر آنها روش های پیشرفته تری نیز معرفی می شوند. این روش ها برای تعریف کردن و مقایسه کردن و بیان تمثیل در قالب یک پاراگراف کاربرد دارد).

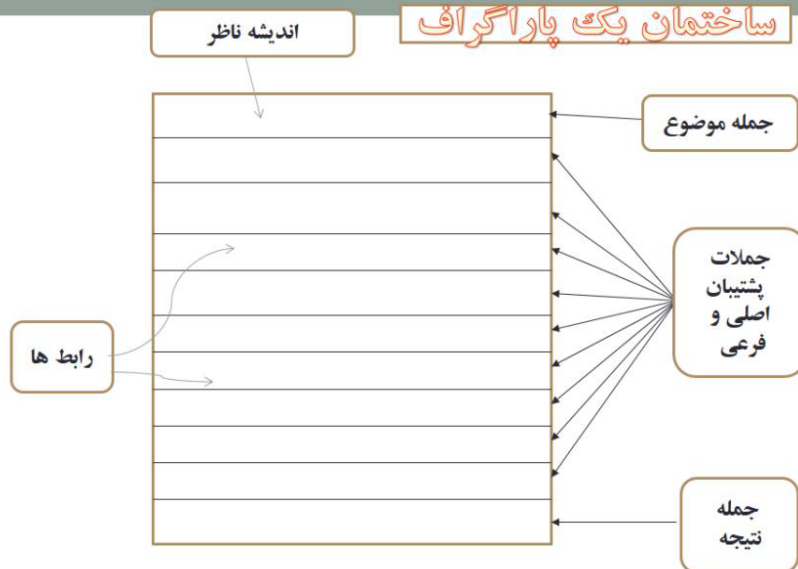
موفق باشید.

قسمت اول

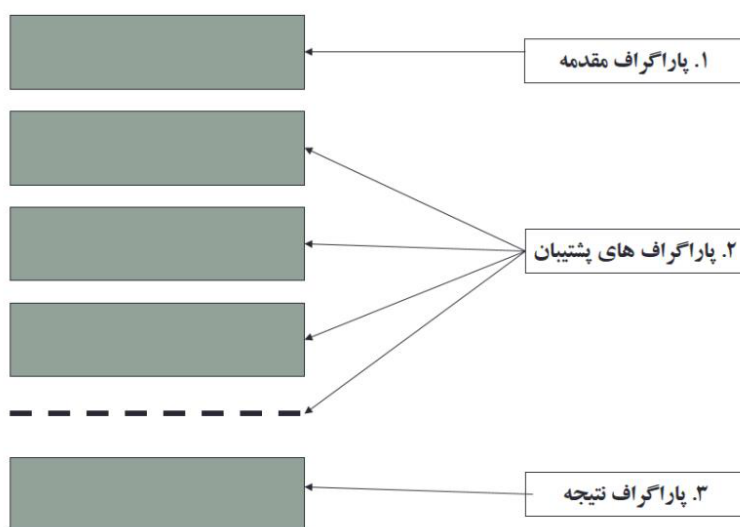
هر مقاله استاندارد از واحدهای نامرئی ای تشکیل شده اند که بدون تسلط بر مهارت نگارش آنها نمی توان یک مقاله بلند را به خوبی سامان داد. این واحدهای نامرئی مقالات کوتاه و یا اصطلاحاً مقالات پنج پاراگرافی (Five Paragraph essay) نامیده می شود.

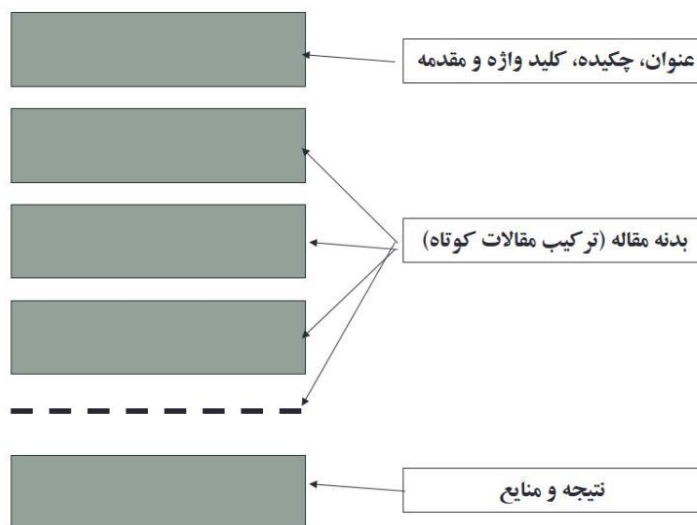
این مقالات معمولاً پنج پاراگراف هستند اما می توانند به طور طبیعی بین چهار تا حدود ده پاراگراف متغیر باشند. قبل از معرفی ساختار یک مقاله پنج پاراگرافی، باید بار دیگر به نسبت بین جمله، پاراگراف، مقاله کوتاه پنج پاراگرافی و مقاله استاندارد توجه کرد. اسلاید های زیر بدین منظور تقدیم می شود.

ساختمان یک پاراگراف



ساختمان یک مقاله کوتاه





قسمت اول - ادامه

بدنه اصلی مقاله از تعدادی مقاله کوتاه تشکیل شده است.

هر سوال فرعی در قالب یک یا چند مقاله کوتاه در بدنه مقاله جایابی می شود.

عناصر [عنوان، چکیده، کلید واژه، مقدمه، نتیجه و کتابنامه] از همین بنده اصلی به نحوی برداشت و استخراج می شود و در جای خودشان به مقاله استاندارد افزوده می شود.

قسمت اول - ادامه

همان طور که در اسلاید دیدید انواع پاراگراف های به کار رفته در یک مقاله کوتاه پنج پاراگرافی به شرح زیر است.

* انواع پاراگراف در مقاله کوتاه:

۱. پاراگراف مقدمه؛

۲. پاراگراف های پشتیبان؛

۳. پاراگراف نتیجه.

یادآور می شوم که آنچه تاکنون درباره وحدت موضوعی و انسجام خطی در پاراگراف ها ارائه شد به طور عمده مربوط به پاراگراف های پشتیبان است.

در یک نگاه مجدد با تغییرات جزئی از همان اسلوب در پاراگراف های پشتیبان مقاله کوتاه استفاده خواهد شد.

در نوبت بعدی به لطف خدا ابتدا ساختار هر یک از پاراگراف های مقاله کوتاه را توضیح می دهیم و با کمک مثال های عملی با مهارت های مربوط به هر یک آشنا خواهید شد. سپس چند نوع قالب کلی برای نگارش مقالات کوتاه را بررسی می کنیم. این قالب ها شما را در بیان پاسخ سؤالات فرعی در قالب مقاله کوتاه پنج پاراگرافی یاری می نماید. موفق باشید.

قسمت دوم - پاراگراف مقدمه

همان طور که گفته شد، در مقاله کوتاه سه نوع پاراگراف به کار می رود. پاراگراف مقدمه، پاراگراف های پشتیبان و پاراگراف نتیجه. در این نوبت به ساختار پاراگراف مقدمه خواهیم پرداخت.

۱. پاراگراف مقدمه آغاز کننده مقاله کوتاه و حساس ترین بخش آن است.
۲. خواننده به طور معمول حوصله خواندن یک پاراگراف را دارند و این بهترین فرصت برای نویسنده است که او را به خواند کل متن جلب کند.
۳. به خاطر داشته باشید که اگر این اتفاق در پاراگراف مقدمه نیفتد تلاش بعدی نویسنده چندان ثمری ندارد.

قسمت دوم - ادامه پاراگراف مقدمه

- عناصر یک پاراگراف مقدمه شامل مولفه های زیر است:

۱. محرک (زمینه)

۲. عبارت انتقالی

۳. مدعای مقاله کوتاه

۴. طرح بحث

- حال به معرفی مختصر هر یک از عناصر پاراگراف مقدمه می پردازیم:

* محرک یا زمینه:

همان طور که از نامش پیدا است بخشی است که در آن باید سعی کنید حس کنجکاوی خواننده را تحریک کنید تا به خواندن ادامه مطلب تشویق شود.

*عبارت انتقالی:

از نوشتن محرک به کمک یک عبارت انتقالی که می تواند به اندازه یک جمله نیز باشد تغییر جہتی به سمت آنچه که نکته اصلی و مدعای مقاله کوتاه است ایجاد شود.

گرچه کلیت مقدمه مقاله کوتاه شما باید یکدست باشد اما یعنی یک شیفت شدید و یک پیچش ناگهانی در عبارت انتقالی صورت می گیرد. این به جذابیت متن شما کمک زیادی می کند. لازم است در مثال ها از این بابت دقت بفرمایید.

*ادعای مقاله:

مدعای مقاله معمولاً به صورت یک جمله خبری است. خصوصیات جمله ی مدعا تقریباً مشابه خصوصیات جمله موضوع در پاراگراف های پشتیبان است.

خبری است و سوالی نیست؛

چالش برانگیز است؛

قابل رد یا اثبات است و ...

توجه کنید به هیچ وجه نمی توان و یا نباید پاراگراف مقدمه ای و یا مقاله کوتاهی نوشت که فاقد جمله ی مدعا باشد.

*طرح مقاله:

طرح مقاله به دنبال مدعا قرار می گیرد. طرح مقاله تقسیم بندی کلی مقاله است به اجزای کوچک تر که به مخاطب تصویری از آنچه قرار است گفته شود ارائه می دهد.

هر چند در بعضی موارد می توان آن را حذف کرد اما بودنش بسیار بهتر است و باعث می شود خواننده سازماندهی و ساختار اطلاعاتی مقاله را بهتر بفهمد.

قسمت دوم - ادامه پاراگراف مقدمه

در ادامه به یک مثال توجه کنید: این پاراگراف مقدمه یک مقاله کوتاه با عنوان «ناکارآمدی آموزش زبان انگلیسی در مدارس ایران» به قلم استاد ارجمند جناب آقای دکتر سلطانی مولف کتاب اصول و روش نگارش دانشگاهی است. ابتدا با دقت آن را بخوانید و سعی نمایید عناصر چهارگانه بالا را در آن بیابید:

ناکارآمدی آموزش زبان انگلیسی در مدارس ایران

سید علی اصغر سلطانی

وزرات آموزش و پرورش در ایران هزینه‌ی زیادی برای آموزش زبان انگلیسی صرف می‌کند. تامین حقوق تعداد بیشمار معلمان انگلیسی در مقاطع راهنمایی و دبیرستان و صرف هزینه‌های گزاف برای تدوین و چاپ کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی تنها بخش کوچکی از این هزینه‌هاست. مهم‌تر از همه زمانی است که هر دانش‌آموز در طی تحصیلاتش صرف یادگیری زبان انگلیسی می‌کند. اما این هزینه‌ها آن‌طور که باید نتیجه نمی‌دهد. دانش‌آموزی که دیپلم می‌گیرد در حد مطلوب قادر به تکلم به زبان انگلیسی نیست زیرا تدوین متون آموزشی انگلیسی بر اساس نظریه‌های جدید آموزش زبان نیست، زمان اختصاص یافته به این درس ناکافی است و بیشتر معلمان انگلیسی خود قادر به تکلم به این زبان نیستند.

ناکارآمدی آموزش زبان انگلیسی در مدارس ایران سید علی اصغر سلطانی

<p>وزارت آموزش و پرورش در ایران هزینه‌ی زیادی برای آموزش زبان انگلیسی صرف می‌کند. تامین حقوق تعداد بیشمار معلمان انگلیسی در مقاطع راهنمایی و دبیرستان و صرف هزینه‌های گزاف برای تدوین و چاپ کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی تنها بخش کوچکی از این هزینه هاست. مهم‌تر از همه، زمانی است که هر دانش آموز در طی تحصیلاتش صرف یادگیری زبان انگلیسی می‌کند. اما، این هزینه‌ها آن طور که باید نتیجه نمی‌دهد. دانش آموزی که دیپلم می‌گیرد در حد مطلوب قادر به تکلم به زبان انگلیسی نیست زیرا تدوین متون آموزشی انگلیسی براساس نظریه‌های جدید آموزش زبان نیست، زمان اختصاص یافته به این درس ناکافی است و بیشتر معلمان انگلیسی خود قادر به تکلم به این زبان نیستند.</p>	<p>← محرک</p> <p>← عبارت انتقالی</p> <p>← جمله‌ی مدعا</p> <p>← طرح مقاله</p>
--	--

همانطور که ملاحظه می‌کنید بخش محرک حول محور هزینه‌های مختلفی که صرف آموزش زبان در مدارس می‌شود تنظیم شده است. بعد از ذکر انواع هزینه‌ها با کمک یک جمله‌ی کوتاه «اما، این هزینه‌ها آن طور که باید نتیجه نمی‌دهد» تغییر جهتی در مسیر متن ایجاد می‌شود و فضا برای مطرح کردن مدعای اصلی مقاله آماده می‌شود. عبارت انتقالی چون معمولاً تغییر جهتی ایجاد می‌کنند لازم است با کلماتی مانند «اما»، «علی رغم» یا هر چیز دیگری به این معنا آغاز شود. بعد، مدعای اصلی مقاله که عبارت است از این که آموزش زبان کارآیی لازم را ندارد مطرح می‌شود. نویسنده برای این ناکارآمدی سه علت را می‌خواهد توضیح دهد که هر کدام بعداً به

شکل یک پاراگراف پشتیبان مستقل بسط داده خواهند شد. رئوس این سه علت به صورت طرح مقاله بعد از جمله‌ی مدعا باید آورده شود. لازم است توجه داشته باشید که ترتیب این سه علت به همان شکلی که در بخش طرح مقاله گفته شده است بعداً باید هنگام توضیح کامل دادن رعایت شود. به این ترتیب می‌بینید که پاراگراف مقدمه در واقع شمای کلی مقاله‌ی شما را نشان می‌دهد و مخاطب‌تان با خواندن آن می‌تواند حدس بزند که بعداً چه نکاتی مطرح خواهد شد.

قسمت دوم - ادامه پاراگراف مقدمه

لطفاً مثال بالا و تحلیلش را در دو عکس فوق با دقت و چند بار مرور کنید. به لطف خدا، در نوبت بعدی مثال‌ها و تمرین‌های بیشتری تقدیم خواهد شد و نکات تکمیلی ارائه می‌شود.

قسمت سوم:

نوشتن محرک در پاراگراف مقدمه بسیار مهم است. برای این منظور در نوشتن آن متناسب با یک متن علمی تمرین می‌خواهد و لازم است روش کار حرفه‌ای‌ها را در این باره ببینید. جناب آقای دکتر سلطانی در کتاب خودشان برای نوشتن یک محرک خوب در پاراگراف مقدمه تکنیک‌هایی پیشنهاد کرده‌اند که آنها را به صورت خلاصه برای شما نقل می‌کنم:

* روش های پیشنهادی برای نگارش محرک:

۱. با یک داستان بسیار کوتاه که برای مخاطب تازگی دارد، شروع کنید
۲. از یک نقل قول جالب استفاده کنید با ذکر منبع و مرتبط به موضوع
۳. با تعریف یکی از واژه های مهم مقاله شروع کنید با زبان خودتان و متفاوت با تعاریف عمومی
۴. با ارائه واقعیت ها و آمار تکان دهنده با ذکر مأخذ معتبر
۵. با عباراتی کلی شروع کنید و بعد آهسته آهسته به موضوع نزدیک شوید آسان است ولی برای ایجاد جذابیت مشکل می نماید
۶. با یک سوال که خواننده برای یافتن پاسخش مشتاق باشد.

قسمت سوم:

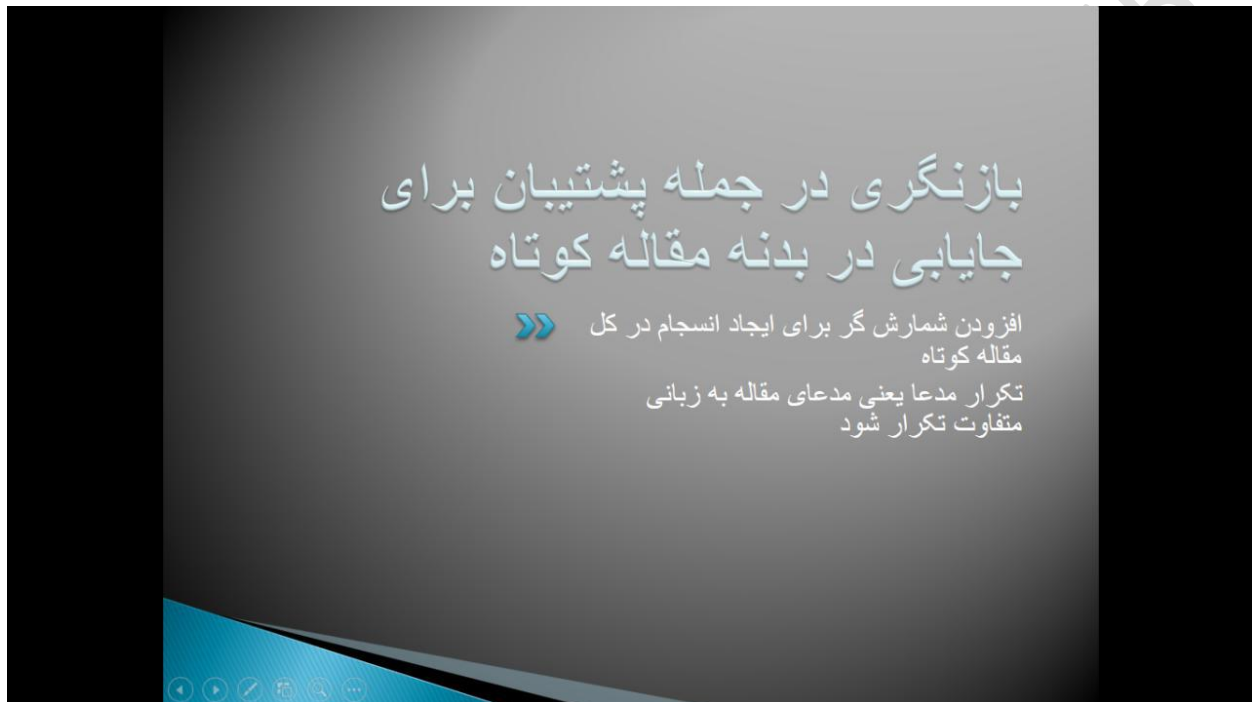
اجازه می خواهم مباحث نظری مقاله کوتاه را با سرعت بیشتری تمام کنم و بعد با چند مثال کار عملی را شروع کنیم. حال مطالب پاراگراف نوع دوم را که همان پاراگراف پشتیبان است، شروع می کنم.



گفته شد مطالبی که در دوره پاراگراف نویسی بیان شد همه مربوط به پاراگراف پشتیبان مقاله کوتاه است.

قسمت سوم - ادامه:

هر کدام از موارد مطرح شده در طرح بحث مقدمه (قسمت آخر پاراگراف مقدمه) به یک پاراگراف پشتیبان احاله می شود. به عبارت فنی تر هر طرح بحث در مقدمه جمله موضوع یک پاراگراف پشتیبان می شود. لطفا جمله اخیر را با دقت دوباره بخوانید!



تنها دو تکمیل در مورد پاراگراف هایی که در دوره قبلی فراگرفته اید و حال به آنها پاراگراف پشتیبان می گویند اتفاق می افتد، برای چفت و بست بهتر این پاراگراف ها در بنده مقاله کوتاه!

یادآوری درباره بازنگری در پاراگراف های پشتیبان



نکته اول - شمارش گری یکنواخت و ملال آور نشود.
نکته دوم - هنگام تکرار مدعا همان مفهوم را در قالب
جملات مختلف بیاورید.
نکته سوم - جای شمارشگر و تکرار مدعا را در هر
پاراگراف پشتیبان می توانید برای ایجاد تنوع عوض کنید.

قسمت چهارم

حال نوع سوم پاراگراف در مقاله کوتاه را توضیح می دهیم، یعنی پاراگراف نتیجه:

پاراگراف نتیجه

برای نوشتن پاراگراف نتیجه باید کمی دقت و صبر به خرج دهید که حتما ارزشش را دارد.

آخرین فرصتی است که در اختیار دارید تا ...



آنچه مدنظر تان بوده به مخاطب برسانید و مطمئن شوید مقصود شما را به درستی فهمیده است.
از بیان ادعای جدید پرهیز کنید.

برای نوشتن یک پاراگراف نتیجه خوب باید وظیفه ان را جلوی چشم خودتان داشته باشید. قرار است این پاراگراف چه نقشی در مقاله کوتاه بازی کند. این تکنیک خیلی راه گشاست.

اجزای پاراگراف نتیجه



بخش اول - بازگویی مدعا با عبارات جدید
بخش دوم - خاتمه دهنده برای خاتمه دادن به مقاله و برای به آرامش رساندن ذهن مخاطب

به عناصر یک پاراگراف نتیجه توجه کنید. ظاهراً نوشتن این نوع پاراگراف از دو نوع دیگرش یعنی پاراگراف مقدمه و پاراگراف پشتیبان راحت تر است. قبول دارم ولی در عمل ظرافت هایی را باید رعایت کنید.

دو روش برای نگارش خاتمه دهنده



روش اول - اشاره به محرک
روش دوم - بیان یک نکته جالب توجه که
نیازی به شرح و بسط نداشته باشد

دو تکنیک پیشنهادی برای نوشتن قسمت خاتمه دهنده پاراگراف نتیجه.

حال برای جمع بندی مطالب نظری مربوط به ساختار یک مقاله کوتاه پنج پاراگرافی لطفا به دقت به نمودار زیر توجه بفرمایید. سعی کنید وظیفه هر یک از عناصر مطرح شده را برای خودتان بازگو کنید و اگر لازم شد به اسلاید و یا پست مربوط به آن مراجعه کنید.

این نمودار برای شما حکم سند راهنما را دارد. اگر لازم شد برای خودتان به صورت مستقل پرینت بگیرید و به عنوان الگوی پایه مرتب به آن مراجعه کنید تا برای شما به اصطلاح ملکه ذهنی شود.

ساختار خلاصه مقاله کوتاه

پاراگراف مقدمه	محرک، عبارت انتقالی، جمله مدعا و طرح مقاله
پاراگراف پشتیبان اول	جمله موضوع: شمارشگر و یادآوری مدعا، بخش اول طرح مقاله (فکر مرکزی)
پاراگراف پشتیبان دوم	جمله موضوع: شمارشگر و یادآوری مدعا، بخش دوم طرح مقاله (فکر مرکزی)
پاراگراف پشتیبان سوم	جمله موضوع: شمارشگر و یادآوری مدعا، بخش سوم طرح مقاله (فکر مرکزی)
پاراگراف نتیجه	بازگویی مدعا، خاتمه دهنده

الگوی پایه ساختار یک مقاله کوتاه پنج پاراگرافی

قسمت چهارم - ادامه

به امید خدا در نوبت بعدی تکنیک های نوشتن چند نوع مقاله کوتاه را بیان خواهم کرد.
موفق باشید.

این متن یک مقاله کوتاه کامل است. سعی کنید با توجه به الگوی پایه گفته شده، عناصر ساختار یک مقاله کوتاه را بیابید و آن را تحلیل نمایید.

رده‌بندی مباحث فقهی از دیدگاه شهید صدر

فقه از دیرپاترین دانش‌های برآمده از اسلام است که تبویب و نوآوری در تنظیم مباحث آن همواره مورد اهتمام فقیهان بوده است. سلار بن عبدالعزیز با تقسیم فقه به عبادات و معاملات قدیمی‌ترین تقسیم را در فقه شیعه به خود اختصاص داده است. ابوصلاح حلبی تکالیف شرعی را در سه بخش عبادات، محرمات و احکام تعریف می‌کرد. افزون بر این موارد رده‌بندی‌های دیگری نیز در هر دوره‌ای از سوی فقیهان پیشنهاد شده است. اما در یکی از جدیدترین طبقه‌بندی‌های اخیر شهید سید محمد باقر صدر (الفتاوی‌الواضحه، ج ۱، ص ۱۳۲-۱۳۴)، براساس شئون گوناگون زندگی انسان، فقه را به چهار بخش **عبادات**، **اموال**، **آداب شخصی** و **آداب عمومی** تقسیم کرده است.

عبادات یکی از مهم‌ترین بخش‌های فقه است که در همه‌ی تقسیم‌بندی‌های ارائه شده برای فقه به آن توجه شده است. بخش‌هایی از فقه که در آن قصد قربت و تعبد شرط است عبادات نامیده می‌شود و در تقسیم شهید صدر کتاب‌های نماز، روزه، اعتکاف، حج، عمره و کفارات را در بر می‌گیرد.

از دسته‌ی دوم مباحث فقهی در این رده‌بندی با عنوان **اموال** یاد شده است. اموال خود به دو بخش اموال عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود. اموال عمومی مانند خراج، انفال، خمس و زکات است که به شخص خاصی تعلق ندارد و برای مصارف شخصی که مصالح عمومی اقتضا می‌کند در نظر گرفته شده است. اموال خصوصی اموالی است که مالک یا مالکان مشخصی دارد و احکام آن در کتاب‌های بیع، صلح، شرکت، وصیت، میراث و ... بیان می‌شود.

شهید صدر دسته‌ی دیگر مباحث فقهی را مربوط به آداب و سلوک شخصی می‌داند. آداب شخصی، اعمالی مربوط به شخص است که از عبادات و اموال متمایز است و به دو دسته‌ی آداب روابط خانوادگی و آداب روابط اجتماعی بخش‌پذیر است. روابط خانوادگی مناسبات زن و مرد و مباحث نکاح، طلاق، خلع و مبارات،ظهار، لعان، ایلاء و ... را در بر می‌گیرد. روابط اجتماعی شامل مباحثی است که اعمال فرد را در جایگاه فردی از جامعه سامان می‌دهد و مقررات مربوط به اطعمه و اشربه، ملابس و مساکن، آداب معاشرت، ذباحه، امر به معروف و نهی از منکر و ... در ذیل آن جای می‌گیرد.

آخرین بخش از مباحث فقهی آداب عمومی است. آداب عمومی متکفل بیان چگونگی حدود و اختیارات دستگاه‌ها و نهادهای عمومی در مسایل قضا و حکومت، صلح و جنگ و روابط بین‌الملل است. ابواب و مباحث ولایت عامه، قضا و شهادات، حدود، جهاد و ... در این بخش جای دارد.

رده‌بندی ارائه شده از سوی شهید صدر که مباحث فقهی را در چهار بخش عبادات، اموال، آداب شخصی و آداب عمومی سامان می‌دهد، یکی از تقسیم‌بندی‌های جامع و مانع برای فقه است. در این رده‌بندی، مباحث فقهی با توجه به شئون و نیازهای گوناگون زندگی آدمی به فقه دسته‌بندی شده و تداخل مباحث به حداقل رسیده است.

قسمت پنجم:

ابتدا چند تجربه در نگارش مقاله کوتاه به اصطلاح فوت کوزه گری! تقدیم می شود:

۱. به یاد داشته باشید در پاراگراف مقدمه، حتما و حتما یک جمله باید باشد که لب کلام را در خود داشته باشد. این همان جمله مدعا است؛

۲. طرح مقاله یعنی تقسیم بندی مقاله، اینکه چگونه می خواهیم مبحث اصلی را در قالب مقاله کوتاهمان بررسی کنیم؛

۳. یک مقاله کوتاه عنوان دارد. ادعای مقاله کوتاه را نزدیک به عنوان مقاله کوتاه می گیرند و همین طور برعکس آن هم صادق است؛

۴. عبارت انتقالی، محتوای خاصی ندارد تنها بحث اصلیش تغییر جهت است؛

۵. محرک می شود بیش از یک پاراگراف باشد؛

۶. گاهی عبارت انتقالی جمله ای کوتاه است.

۷. گاهی عبارت انتقالی و دیدگاه مقاله با هم آمیخته می شود.

۸. در محرک گاهی با مطلب عکس ادعا شروع کنیم در این صورت زمینه مناسبی برای توجه مخاطب به ادعا ایجاد می شود. این کار با به کار بردن یک عبارت انتقالی کامل می شود. مثلا می توانید تصور غلط مشهوری را بیان کنیم و کمی با آن همراهی کنیم و بعد ادعای مخالف غلط مشهور را با یک انتقال و تغییر جهت بیان کنیم.

تحلیل مقاله فوق به شرح زیر است:

قسمت پنجم ادامه

رده بندی مباحث فقهی از دیدگاه شهید صدر

غلامرضا قدمی

فقه از دیرپاترین دانش های برآمده از اسلام است که تبویب و نوآوری در تنظیم مباحث آن همواره مورد اهتمام فقیهان بوده است. سلار بن عبدالعزیز با تقسیم فقه به عبادات و معاملات قدیمی ترین تقسیم را در فقه شیعه به خود اختصاص داده است. ابوصلاح حلبی تکالیف شرعی را در سه بخش عبادات، محرمات و احکام تعریف می کرد. افزون بر این موارد رده بندی های دیگری نیز در هر دوره ای از سوی فقیهان پیشنهاد شده است. اما در یکی از جدیدترین

طبقه‌بندی‌های اخیر شهید سید محمد باقر صدر (الفتاوی‌ الواضحه، ج ۱، ص ۱۳۲-۱۳۴)، براساس شئون گوناگون زندگی انسان، فقه را به چهار بخش عبادات، اموال، آداب شخصی و آداب عمومی تقسیم کرده است.

[این پاراگراف، پاراگراف مقدمه است. از ابتدا تا کلمه اما محرک است. در این پاراگراف مقدمه عبارت رابط و ادعا و طرح بحث به‌ذصورت مندمج آمده است. خودم شاید بهتر می‌پسندیدم که این موارد را از هم جدا بنویسم ولی جناب قدمی به این صورت نوشته‌اند. به هر صورت طرح بحث چهار بخش فقه است که در پاراگراف‌های پشتیبان بعدی هر یک بسط می‌یابد.]

[در این چهار پاراگراف زیر دقت کنید هر کدام ابتدایش شمارشگر و تکرار مدعا را بیابید. جمله‌های موضوع در این چهار پاراگراف، مطابق با قسمت‌های طرح بحث مقدمه تنظیم شده است. این تناسب را خودتان پیدا کنید.]

عبادات یکی از مهم‌ترین بخش‌های فقه است که در همه‌ی تقسیم‌بندی‌های ارائه شده برای فقه به آن توجه شده است. بخش‌هایی از فقه که در آن قصد قربت و تعبد شرط است عبادات نامیده می‌شود و در تقسیم شهید صدر کتاب‌های نماز، روزه، اعتکاف، حج، عمره و کفارات را در بر می‌گیرد.

از دسته‌ی دوم مباحث فقهی در این رده‌بندی با عنوان اموال یاد شده است. اموال خود به دو بخش اموال عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود. اموال عمومی مانند خراج، انفال، خمس و زکات است که به شخص خاصی تعلق ندارد و برای مصارف شخصی که مصالح عمومی اقتضا می‌کند در نظر گرفته شده است. اموال خصوصی اموالی است که مالک یا مالکان مشخصی دارد و احکام آن در کتاب‌های بیع، صلح، شرکت، وصیت، میراث و ... بیان می‌شود.

شهید صدر دسته‌ی دیگر مباحث فقهی را مربوط به آداب و سلوک شخصی می‌داند. آداب شخصی، اعمالی مربوط به شخص است که از عبادات و اموال متمایز است و به دو دسته‌ی آداب روابط خانوادگی و آداب روابط اجتماعی بخش‌پذیر است. روابط خانوادگی مناسبات زن و مرد و مباحث نکاح، طلاق، خلع و مبارات،ظهار، لعان، ایلاء و ... را در بر می‌گیرد. روابط اجتماعی شامل مباحثی است که اعمال فرد را در جایگاه فردی از جامعه سامان می‌دهد و مقررات مربوط به اطعمه و اشربه، ملابس و مساکن، آداب معاشرت، ذباحه، امر به معروف و نهی از منکر و ... در ذیل آن جای می‌گیرد.

آخرین بخش از مباحث فقهی آداب عمومی است. آداب عمومی متکفل بیان چگونگی حدود و اختیارات دستگاه‌ها و نهادهای عمومی در مسایل قضا و حکومت، صلح و جنگ و روابط بین‌الملل است. ابواب و مباحث ولایت عامه، قضا و شهادات، حدود، جهاد و ... در این بخش جای دارد.

[این پاراگراف، پاراگراف نتیجه است. در اینجا تکرار مدعا با تعابیر نسبتاً جدید آمده است و خاتمه دهنده نیز مزیت نسبی تین تقسیم شهید صدر در فقه است. دقت کنید و این موارد را خودتان در این پاراگراف نتیجه بیابید.]

رده‌بندی ارائه شده از سوی شهید صدر که مباحث فقهی را در چهار بخش عبادات، اموال، آداب شخصی و آداب عمومی سامان می‌دهد، یکی از تقسیم‌بندی‌های جامع و مانع برای فقه است. در این رده‌بندی، مباحث فقهی با توجه به شؤون و نیازهای گوناگون زندگی آدمی به فقه دسته‌بندی شده و تداخل مباحث به حداقل رسیده است.

[در انتها لازم می‌دانم به سهم خودم از جناب آقای قدمی تشکر کنم.

لطفاً این مقاله را با الگوی پایه مقاله کوتاه مقایسه کنید.

یک نکته را باید تذکر دهم اینکه علی‌رغم اینکه نویسنده محترم از ساختار تبعیت کرده است اما ابتکار و خلاقیت خود را نیز از دست نداده است. شما نیز با تسلط بر مباحث نظری و تمرین به این نقطه تعادل در نگارش علمی خواهید رسید. موفق باشید.]

قسمت پنجم - ادامه

□ تحلیل مقاله کوتاهی که برای تمرین تقدیم کرده بودم، در پست بالا ارائه شده است.

ارزیابی بنده داخل کروشه [] در بین متن مقاله آمده است.

اوقات خوش.

قسمت ششم - انواع مقاله کوتاه

چند نکته مقدماتی درباره انواع مقاله کوتاه:

نکته اول: شیوه‌های نگارش مقالات کوتاه (انواع مقاله کوتاه که از این نوبت قصد دارم با شما در میان بگذارم)، انواع فعالیت‌های ذهنی یک محقق هنگام نگارش یک مقاله استاندارد است؛

نکته دوم: موضوع مقالات کوتاه، در حقیقت شیوه اندیشیدن و سازماندهی اطلاعاتی است که در مرحله حل مساله تحقیق به دست آمده است؛

نکته سوم: چنانچه فردی نتواند افکار خود را منسجم نماید، به احتمال بسیار زیاد نمی‌تواند یک متن علمی منسجمی را بنویسد؛

نکته چهارم: لازم است هر یک از شیوه‌های اندیشیدن و سازماندهی اطلاعات به صورت مستقل مورد دقت قرار گیرد و چگونگی تنظیم یک متن در هر یک از این قالب‌ها معرفی و تمرین شود؛

نکته پنجم: پس از معرفی این شیوه‌های متعارف، هنگامی که مطمئن شدید به قدر کفایت قواعد کلی مقالات کوتاه را فراگرفتید می‌توانید در چهارچوب این اصول کلی خلاقیت خود را محک بزنید.

درباره مقاله کوتاه به شیوه طبقه بندی

نکته اول: طبقه بندی (تقسیم بندی و دسته بندی) راهی برای شناخت بهتر پدیده ها است؛
نکته دوم: در ادبیات علمی حوزه، اقوال علماء، منابع علمی، ادله و به ویژه روایات درباره یک موضوع، مخالفان و موافقان یک مساله، گروه ها و عقاید از جمله موارد متداول است که ممکن است به کمک شیوه طبقه بندی، بهتر تحلیل شود؛
نکته سوم: مراحل طبقه بندی شامل انتخاب موضوع قابل طبقه بندی، تعیین معیار دسته بندی، ایجاد گروه ها و نوشتن درباره هر دسته است؛
نکته چهارم: موضوع طبقه بندی، باید تا جایی که ممکن است، محدود شود و معیار دسته بندی لازم است به دقت انتخاب شود تا طبقه بندی به دست آمده ارزش علمی مطلوبی داشته باشد؛
نکته پنجم: معیار طبقه بندی شاخصه ای است که به شما می گوید چه چیزی باید در چه طبقه ای باشد؛
نکته ششم: غالباً جمله مدعای مقاله کوتاه طبقه بندی، بیان همان طبقه بندی آن موضوع است مثلاً روایات از لحاظ سلسله سند به ... دسته تقسیم می شود. فراموش نشود که معیار حتماً در جمله مدعا ذکر شود؛
نکته هفتم: در مقاله کوتاه طبقه بندی، هر یک از دسته ها در یک (یا چند) پاراگراف توضیح داده می شود.
نکته هشتم: گاهی طبقه بندی ساده و گاهی چند طبقه است مثلاً ممکن است یک گروه در درون خود هم تقسیم داشته باشد.
نکته نهم: گاهی مدعا غیر از اصل طبقه بندی است یعنی ادعایی است که طبقه بندی مقدمه آن است. در این موارد لازم است پاراگراف های پشتیبان دقیقاً از همین ادعا پشتیبانی کنند.
نکته دهم: ایده طبقه بندی نشان دهنده اشراف محقق به حوزه تخصصی خود است پس لطفاً با اهتمام بیشتری به تمرین این شیوه همت کنید.

یک مثال - در فایل زیر دقت کنید و سعی کنید مواردی که درباره مقاله کوتاه به شیوه طبقه بندی گفتیم را بیابید. □

گسست معرفتی فعالان سیاسی ایران در آستانه انقلاب اسلامی

مهدی محقق فر

مرحوم شریعتی در ملاقاتی به شهید هاشمی نژاد می گوید: «من در سه دوره در زندان بودم. یکی سال ۳۶ که افراد مذهبی کمتر بین زندانیان به چشم می خورد. بعداً در سال ۴۳ که بین زندانیان بند ۳ افراد مذهبی و روشنفکر دیده نمی شد و یکی هم این بار که آنقدر روشنفکر مذهبی و افراد مطلع در زندان بودند که من احساس شرمندگی می کردم»^۲. در تاریخ مبارزات انقلاب ایران، از سال ۵۰ به بعد، قدرت مذهبی ها رو به فزونی گذاشته و اساساً با گذشته قابل مقایسه نبود. اما در عین حال در بین گروه های مبارز، جریان فعال غیر مذهبی (مارکسیست) به چشم می خورد. حتی در بین گروه های مبارز مذهبی، برداشت های شخصی، افراطی و به دور از اسلام فقهاتی حوزه های علمیه نیز وجود داشت. این امر نشان می دهد که در آستانه انقلاب اسلامی، گسست معرفتی در بین فعالان سیاسی ایران وجود داشته است. در یک دسته بندی کلی می توان گروه های مبارز را در آن سال ها به مارکسیست و مذهبی تقسیم کرد و گروه های فعال مذهبی را نیز به گروه های متصل به روحانیت و منفصل به روحانیت تقسیم نمود.^۳

سازمان مجاهدین خلق ایران، مهم ترین گروهی بود که در این سال ها با ایدئولوژی مارکسیستی و غیر اسلامی در عرصه مبارزات حاضر می شد. این سازمان گرچه در ابتدا خاستگاه اسلامی داشت، در سال های بعد از ۵۰، با تغییر آرام در کادر رهبری خود، مرام مارکسیستی را به جای اسلام پذیرفت. اصالت دادن به مبارزه و حاشیه ای قلمداد کردن گزاره های دینی و معتقدات، راه دادن گروه های کوچک کمونیستی به درون خود، ضعف بنیه عقیدتی نیروهای مسلمان سازمان و از دست دادن نیروهای اصلی و مؤسس خود از جمله دلایلی بود که منجر به تحول در درون سازمان مجاهدین شد. همچنین سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و راه کارگر از جمله این دسته قرار می گیرند. گروه های سیاسی - مذهبی نیز خود به دو گروه تقسیم می شدند. اولین گروه، فعالان متصل به روحانیت بودند. این گروه ها، ارتباط خود را با روحانیت و اسلام حوزه حفظ می کردند. این دسته در خط مرجعیت به خصوص مرحوم امام حرکت می نمودند. حساسیت این افراد، تاکید بر تقویت بعد عقیدتی در مبارزه بود. این امر متأثر از انحرافات فکری نیروهای مذهبی سمپات سازمان مجاهدین خلق به علت عدم آشنایی با اندیشه های ناب اسلام بود. از مهم ترین این گروه ها سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی است. این گروه از ادغام هفت گروه فعال با نام های امت واحد، توحیدی بدر، توحیدی صف، فلاح، فلق، منصورون و موحدین شکل گرفت. این افراد به طور معمول از دل انجمن های اسلامی، جلسات قرآن و یا بچه های مسجد پدید آمده بودند. گروه های ابوذر، مهدیون، مجاهدان اسلام، سازمان فجر اسلام و تشکیلات محمد منتظری هم در این طبقه هستند.

۲. یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید حجت الاسلام هاشمی نژاد، ص ۶۶۸

۳. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: جریان ها و سازمان های مذهبی - سیاسی ایران (۱۳۲۰ - ۱۳۵۷)، جعفریان رسول، قم: نشر مورخ، هفتم ۱۳۸۶ ش.

دومین گروه از فعالان سیاسی - مذهبی، گروه‌های منفصل از روحانیت بود. ویژگی مهم این گروه‌ها، فاصله گرفتن از منابع اصیل دینی در شناخت دین و روی آوردن به تفسیرهای نمادین و اجتماعی از مقوله‌های دینی است. گروه فرقان به رهبری طلبه‌ای به نام اکبر گودرزی، یکی از شاخص‌ترین گروه‌های نه تنها منفصل از روحانیت بلکه مخالف صریح با روحانیت بوده است. از آنجا که پدر گودرزی چوپان بود، فرقانی‌ها از وی با عنوان «چوپان زاده آزاده» یاد می‌کردند. وی این گروه را در درون جلسات تفسیر قرآن خاص خود، تاسیس کرد. فرقان برای پیاده کردن استراتژی مسلحانه در برابر رژیم تازه در بهمن ۵۷ به تجهیزات نظامی مجهز شد. در این میان انقلاب اسلامی پیروز شد و چون فرقان روحانیت را از اساس باطل می‌دانست، تلاش خود را معطوف به مبارزه با آخوندیسم و آزاد کردن اسلام علی از دست آنان کرد که ترور مرتضی مطهری از جمله این تلاش‌ها بوده است. گروه آرمان مستضعفان و جنبش مسلمانان مبارز نیز در این دسته جای می‌گیرند.

این دسته‌بندی نشان می‌دهد گرچه در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی در سال‌های ۵۰، گرچه نیروهای مذهبی قدرتمند تر می‌شدند، فعالان مارکسیست و گروه‌های سیاسی - مذهبی منفصل از روحانیت نیز وجود داشته است که شاید چنانچه مرحوم شریعتی از این امر مطلع می‌شد، کمتر احساس شرمندگی می‌کرد.

قسمت ششم - ادامه

مانند روال قبلی، نسخه pdf برای تمرین از روی نسخه چاپی و نسخه word برای تمرین از روی نسخه الکترونیکی، مثال را کمی مشکل انتخاب کردم به نظرم تمرین را با مثال جدی تری شروع کنید بهتر باشد. تذکر می‌دهم که این طبقه بندی مرکب است. یعنی طبقه بندی را در دل خود دارد.

به امید خدا در نوبت بعدی این مثال را تحلیل خواهم کرد و مثال و تمرین‌های دیگری تقدیم می‌کنم. به خاطر بسپارید کارگاه آموزشی بودن و یا یک کلاس نظری خشک بودن این دوره آموزشی فشرده، به تلاش عملی خود شما سروران گرامی بستگی دارد. لطفا در انجام تمرین‌های عملی با بنده همراه باشید. موفق باشید و اوقات خوش.

قسمت هفتم

تحلیل مثال قسمت ششم

ابتدا لازم است طرح مقاله کوتاه طبقه بندی را مرور کنیم:

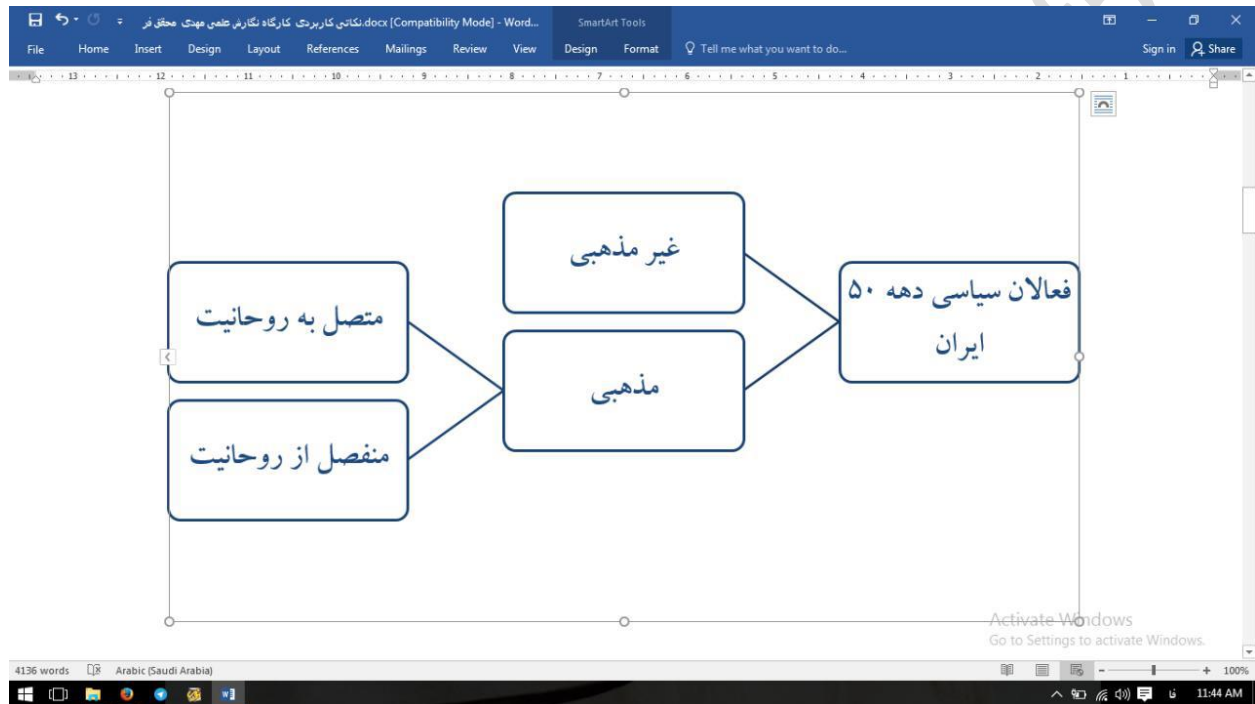
*طرح (سناریو) مقاله کوتاه طبقه بندی

انتخاب موضوع: جریان های فعال سیاسی در آستانه انقلاب اسلامی ایران

تعیین معیار اول: میزان تعهد به اسلام در مبارزه

تعیین معیار دوم: میزان تعهد به مرجعیت دینی و اسلام معرفی شده حوزه های علمیه در مبارزه

ایجاد گروه ها و طبقات: گروه های غیر مذهبی، گروه های مذهبی: متصل به روحانیت - گروه های منفصل از روحانیت



قسمت هفتم - ادامه

با راهنمایی فوق تحلیل مقاله کوتاه را به خودتان واگذار می کنم.

قسمت هفتم - ادامه

مثال زیر را تحلیل بفرمایید. راهنمایی نیز تقدیم شده است.

*سناریوی مقاله کوتاه

موضوع: کتابت حدیث

تاریخ کتابت حدیث

عبدالله گرامی

ضرب المثل قدیمی می گوید: کوزه گر از کوزه شکسته آب می خورد. دین مبین اسلام نیز با اینکه تاکید فراوانی بر نوشتن و ثبت حدیث و دانش داشته، ولی بعد از رحلت رسول خدا (ص) به آنچه نباید اتفاق می افتاد، مبتلا شد و به ضرب المثل یادشده کاملاً معنا بخشید. عده ای سودجو، بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) کتابت حدیث را به داستانی پرماجرا و البته غم انگیز درآوردند. سیر داستان پرماجرا و غم انگیز کتابت حدیث را در سه دوره می توان جستجو کرد: دوره منع نقل و کتابت حدیث؛ دوره نقل حدیث و دوره تدوین حدیث.

در دوره منع نقل و کتابت حدیث که صد سال بطول انجامید، بزرگترین لطمه بر پیکره شریعت و سنت نبوی وارد آمد. در آن دورانی که تازه اسلام پا گرفته بود، چنین حرکت شومی که از جانب خلیفه دوم صورت گرفت، باعث کوتاهی عمر شریعت و سنت راستین نبوی شده و حدیث که تنها راه ارتباط مردم و نسل های بعد با سنت پیغمبر بود را از میان برداشت.

دوره دوم سیر حدیثی که دوره نشر حدیث می باشد، نقش مهمی را در تحریف سنت نبوی به وسیله احادیث جعلی ایفا کرد. در این دوره که با اجازه عمر بن عبد العزیز منع کتابت حدیث برداشته شد، موجی از تحریف ها و جعل احادیث توسط سود جویان را، به دنبال داشت و با شعار سنت نبوی، احادیث جعلی در ذهن مردم تزریق می شد. در دوره سوم داستان کتابت حدیث، بزرگان اهل سنت احادیث جعلی را جمع آوری و تنظیم نموده و آنها را در قالب کتب حدیثی صحیح نبوی تدوین و جایگاه آنها را تا به امروز تثبیت کرده اند.



تمرین: برای طرح (سناریوی) فوق یک مقاله کوتاه طبقه بندی بنویسید.

قسمت هفتم - ادامه

* چند ایده خام برای تمرین نوشتن مقالات طبقه بندی مطابق الگوی پایه تقدیم می شود. برخی سوژه کمی توضیح داده شده است.

- طبقه بندی اختلالات زبان و گفتار <http://articlefa.ir/post/36>

در مورد طبقه بندی اختلالات زبان و گفتار و یا به طور کلی اختلالات ارتباطی نظریه های متفاوت وجود دارد. برخی از متخصصین معتقدند که لزومی بر طبقه بندی این اختلالات وجود ندارد. از این دیدگاه زبان در عمق وجود فرد ریشه دارد و یک اختلال زبان نمی تواند به خودی خود و به صورت مجزا وجود داشته باشد. دسته دیگر معتقدند این دسته از اختلالات را باید طبقه بندی کرد، چرا که طبقه بندی به لزوم اهمیت و توجه به نشانه ها و علائم مرضی این اختلالات تاکید می کند. این دسته از متخصصین اختلالات گفتار و زبان را به چهار دسته اختلالات آواشناسی، اختلالات آهنگ گفتار، اختلالات صدا و اختلالات زبان تقسیم کرده اند. برخی از صاحب نظران سه اختلال اول را تحت عنوان اختلال گفتار در یک طبقه قرار می دهند. ...

- مقاله طبقه بندی کهکشان ها <http://moasesghaffary.blogfa.com/post-133>

ادوین هابل ستاره شناس آمریکایی در رصد خانه ی مونت ویلسون در سال ۱۹۲۵ کیهکشان ها را بر اساس شکلشان طبقه بندی نمود که به ۴ دسته ی مارپیچی، مارپیچی میله ای، بیضوی و نامنظم دسته بندی کرد. ...

- طبقه بندی مواد اعتیاد آور <http://articlefa.ir/post/311>

مواد مخدر را به اعتبارات متعددی می توان طبقه بندی کرد. مثلاً اگر آنها را به طبیعی، نیمه مصنوعی و مصنوعی گروه بندی کنیم، یا از نظر تاریخ کشت یا آشنایی بشر با آنها، کشف و ساخت دسته بندی کنیم، یا در دو گروه، یعنی گروه مواد مخدری که مصرف پزشکی دارد. یا گروه مواد مخدری که مصرف پزشکی ندارد، دسته بندی شوند، همه درست بوده، ولی در عین حال هیچیک طبقه بندی یا تعریفی جامع و مانع نمی باشند. اگر چه متخصصین، طبقه بندی هایی از جنبه های علمی و تجربی ارائه داده اند ولی بهترین نوع گروه بندی از طرف سازمان بهداشت جهانی به عمل آمده که طبقه بندی مواد از جهت تاثیر آنها بر انسان است. ...

- طبقه بندی اقوال فقها درباره اجاره از لحاظ ماهیت آن به دو گروه تسلیطی و تملیکی بودن حقیقت اجاره

- طبقه بندی روایات از حیث پیوسته بودن سلسله سند تا امام معصوم ع

- طبقه بندی اقوال علمای شیعه درباره رجعت از لحاظ کیفیت وقوع آن

قسمت هشتم

درباره مقاله کوتاه به شیوه مقایسه - مقابله

نکته اول: در نگارش متون علمی، گاهی نویسنده نیاز به تبیین شباهت ها و تفاوت های دو یا چند چیز دارد. مقایسه و مقابله دو کتاب، دو نظریه، دو مکتب، دو روش و ...؛

نکته دوم: بیان شباهت ها - به تعبیری مقایسه - و تفاوت ها - به تعبیری مقابله - به دو منظور اطلاع رسانی و اقناع صورت می گیرد؛

نکته سوم: در مقالات مقایسه - مقابله به قصد اطلاع رسانی باید نویسنده بی طرف بماند اما در این مقالات به قصد اقناع، منظور نویسنده اثبات برتری یک طرف بر دیگری است؛

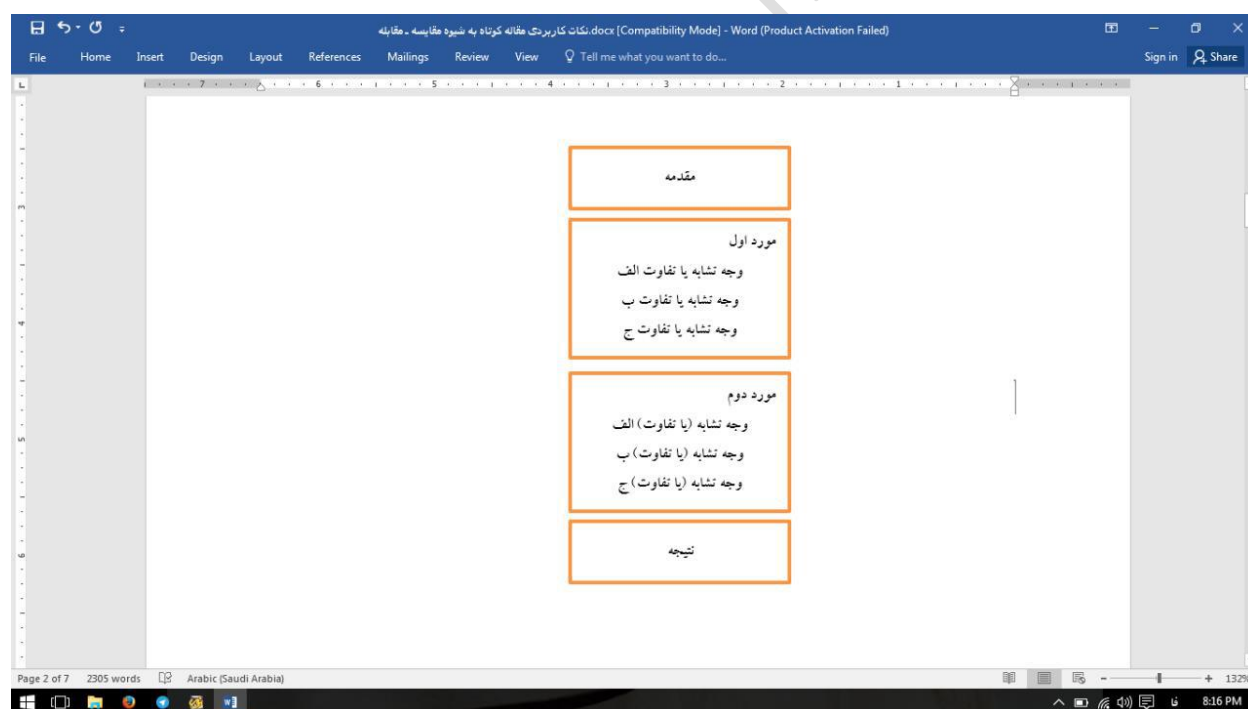
نکته چهارم: قبل از هر گونه مقایسه و مقابله نویسنده باید انتخاب کند می-خواهد به مخاطب اطلاع رسانی کند یا او را اقناع سازد؛

نکته پنجم: شمردن تفاوت-ها و شباهت-های دو چیز کاملاً متشابه یا کاملاً متفاوت کاری بی-ثمر و بیان بدیهیات است. مواردی را می-توان مقابله یا مقایسه کرد که از یک مقوله باشند. مثل دو کتاب یا دو شاعر؛

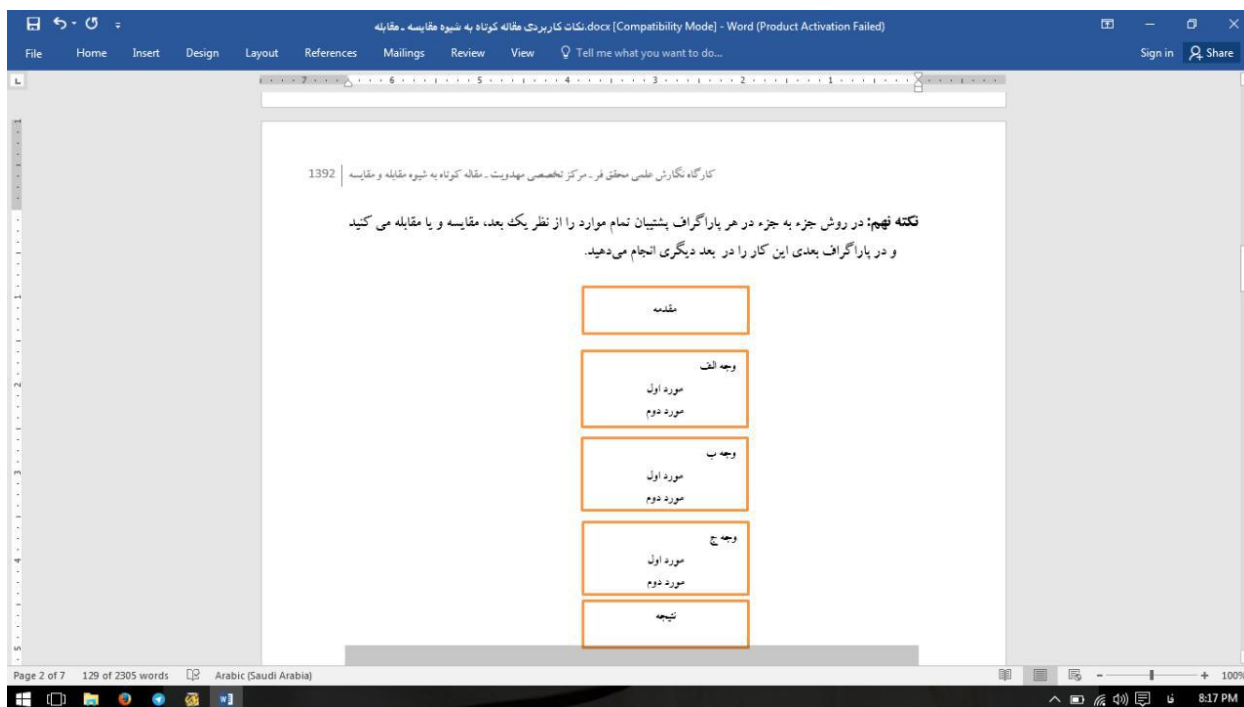
نکته ششم: روش شروع در مقالات مقایسه و مقابله شبیه به هم است. اگر قصد بر بیان تفاوت-ها است می-توان از بیان شباهت-ها به عنوان محرک در پاراگراف مقدمه استفاده کرد. در چند جمله تشابهات میان موارد شرح شود و با یک عبارت انتقالی به سمت جمله مدعا حرکت شود سپس در یک جمله رئوس تفاوت-ها بیان شود.

نکته هفتم: بعد از انتخاب روش مقایسه (بیان شباهت-ها) و یا مقابله (بیان تفاوت-ها)، باید شیوه انجام مقایسه و مقابله را تعیین کنید روش کل به کل یا روش جزء به جزء.

نکته هشتم: در روش کل به کل در هر پاراگراف پشتیبان یک مورد را از نظر تمام ابعاد، مقایسه و یا مقابله می کنید و در پاراگراف بعدی این کار را در مورد دیگر انجام می-دهید.



الگوی روش کل به کل



الگوی روش جزء به جزء

قسمت هشتم - ادامه

نکته نهم: در روش جزء به جزء در هر پاراگراف پشتیبان تمام موارد را از نظر یک بعد، مقایسه و یا مقابله می کنید و در پاراگراف بعدی این کار را در بعد دیگری انجام می دهید.

نکته دهم: آنچه در انتخاب یکی از شیوه های کل به کل یا جزء به جزء به شما کمک می کند این است که ببینید به ذهن سپردن مطالب در کدام شیوه آسان تر است. بنابر این اگر مواردی که با هم بررسی می شوند زیاد تر از وجوه بررسی باشند بهتر است از روش کل به کل استفاده شود و اگر وجوه بررسی زیاد تر از موارد بررسی باشد، بهتر است روش جزء به جزء انتخاب شود.

نکته یازدهم: پاراگراف های پشتیبان در حقیقت توضیح تفاوت ها و یا شباهت ها است. به عبارت دیگر وحدت موضوعی در پاراگراف های پشتیبان بین شباهت و یا تفاوت به شیوه ای است که در مقاله انتخاب کرده اید؛ کل به کل یا جزء به جزء. برای نوشتن بهتر پاراگراف های پشتیبان در مقاله مقابله و مقایسه مطالب فصل هیجدهم و نوزدهم مفید است.

مثال زیر را خودتان تحلیل کنید:

فرقه وهابیت از اهل سنت نمی باشد

محمد محسن طبسی^۴

عده ای گمان می کنند فرقه نوظهور وهابیت و سلفی گری که در سده دوازدهم هجری قمری اعلام موجودیت کرد یکی از شاخه های اهل سنت بوده و با تکیه بر یک سری از شباهتهای ظاهری بین وهابیت و اهل سنت از جمله دست بسته نماز خواندن و نماز تراویح، آنها را از اهل سنت دانسته اند و از این رو در بحث اندیشه وحدت بین شیعه و سنی نیز چنین نتیجه گرفته اند که باید با وهابیت نیز با ادبیات وحدتی و تقریبی سخن گفت. در حالی که چنین تصویری کاملاً نادرست و باطل می باشد و نمی توان وهابیت را از اهل سنت دانست. وجود تفاوت های مهم و اساسی بین باورهای وهابیت و اهل سنت گمانه زنی یکی بودن وهابیت و اهل سنت را به ویرانه ای مبدل ساخته و خط بطلان بر آن می کشد. مهمترین تفاوت های بین وهابیت و اهل سنت را می توان در سه امر خلاصه کرد: توسل، زیارت و تبرک جستن.

مساله توسل یکی از تفاوت های مهم عقیدتی بین وهابیت و اهل سنت می باشد. وهابیت بدون توجه به دلایل قرآنی، روایی و گزارشهای تاریخی از عمل صحابه، معتقد است توسل کردن به بندگان صالحان خدا از جمله پیامبر اکرم و سایر پیامبران و طلب بخشش و یاری جستن از آنان گناه کبیره بوده و شرک اکبر می باشد. بنابراین کسی که به توسل عقیده داشته باشد بزرگترین گناه را مرتکب شده و مشرک می باشد. در سده هشتم هجری قمری بنیان گذار تفکر وهابیت، ابن تیمیه حرّانی در این باره می گوید: « شرک دو نوع می باشد: شرک اکبر و شرک اصغر. شرک اکبر اقسامی دارد که یکی از آنها توسل کردن می باشد. »^۵ این در حالی است که اهل سنت نه تنها توسل جستن را با تکیه بر آیه شریفه « ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤوک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما »^۶ و روایات نبوی از جمله توسل حضرت آدم به پنج تن آل عبا^۷ و عمل صحابه مانند توسل صحابه به قبر پیامبر و طلب باران رحمت در زمان خشکسالی در دوران خلیفه دوم،^۸ امری مشروع دانسته اند بلکه به این عقیده جامه عمل پوشانیده و در مقاطع گوناگون تاریخی، توسل به صلحا از بزرگان اهل سنت سر زده است. در سده سوم هجری قمری شیخ شافعی ها، ابو الحسین فقیه شافعی نه یک مرتبه بلکه بارها به زیارت قبر امام رضا می رفته و برای حل مشکلات و رفع

^۴. برگزیده جشنواره علامه حلی ره

^۵. الکلمات النافعه ص ۳۴۳.

^۶. سوره نساء آیه ۶۴.

^۷. الدر المنثور ج ۱، ص ۶۰.

^۸. فتح الباری ج ۲، ص ۴۱۲.

گرفتاری هایش به قبر مطهر آن حضرت متوسل می شد.^۹ در سده چهارم هجری قمری رئیس حنبلی ها ابو علی خلّال نیز برای رفع گرفتاری هایش به زیارت قبر امام کاظم می رفته و به ایشان متوسل می شد.^{۱۰}

از تفاوت های دیگر بین وهابیت و اهل سنت مساله زیارت می باشد. وهابیت بدون ارائه دلیل موجهی، بر این باور است که زیارت قبر پیامبر و سایر قبور شرک می باشد و هر که چنین کند مشرک می باشد. ابن تیمیه در این باره می گوید: «سفر کردن برای زیارت قبر پیامبر حرام می باشد و هر که چنین کند مشرک است و از جرگه اسلام خارج می شود.»^{۱۱} زیارت سایر قبور نیز به طریق اولی حرام و شرک می باشد.^{۱۲} این عقیده نیز همانند مساله توسل به شدت با عقیده اهل سنت در تعارض می باشد. علمای اهل سنت با استدلال به عموم آیه شریفه «ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاوک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحیما»^{۱۳} و روایات نبوی از جمله: «هر کس قبر مرا زیارت کند شفاعتش بر من لازم می شود.»^{۱۴} و فعل صحابه مانند زیارت قبر پیامبر توسط خلیفه دوم، عبد الله بن عمر، ابو ایوب انصاری و عایشه^{۱۵}، زیارت قبر پیامبر و سایر قبور را امری مشروع دانسته و در عمل نیز با رفتن به زیارت قبر پیامبر و سایر قبور به دستور قرآن و روایات و فعل صحابه جامه عمل پوشانده اند از جمله ابن حبان بستی شافعی که در سده چهارم می زیسته می گوید: «بارها به زیارت قبر علی بن موسی الرضا به طوس رفته ام و به ایشان متوسل شده ام و خداوند به برکت ایشان مشکلاتم را رفع می نمود.»^{۱۶} حاکم نیشابوری شافعی که در سده پنجم هجری قمری می زیسته نیز به این نکته اذعان دارد و نمونه های بسیاری از رفتن علمای اهل سنت به زیارت قبر امام رضا را گزارش کرده است.^{۱۷}

آخرین نقطه اختلافی بین وهابیت و اهل سنت مساله تبرک جستن به قبور و آثار نبوی می باشد. وهابیت بدون اقامه دلیل قابل قبولی، معتقد است تبرک جستن به قبور و آثار نبوی دست کشیدن بر آنها و یا بوسیدن آنها حرام بوده و مرتکب این عمل مشرک می باشد. ابن تیمیه در این زمینه می گوید: «تبرک جستن به قبور، بوسیدن آن حرام بوده و فاعل آن مشرک می باشد.»^{۱۸} اهل سنت در باره این عقیده نیز دیدگاهی کاملاً متفاوت داشته و مساله تبرک جستن به قبور و آثار نبوی را امری جایز و مشروع قلمداد کرده اند. آنها با استدلال به آیه «و من یعظم شعائر الله فانها من

۹. فرائد السمطين ج ۲، ص ۲۱۹.

۱۰. تاريخ بغداد ج ۱، ص ۱۲۰.

۱۱. ارشاد الساري ج ۲، ص ۳۲۹.

۱۲. كتاب فتاوي الوهابيه ج ۱، ص ۲۰۱.

۱۳. سورة نساء آیه ۶۴.

۱۴. سنن دار قطني ج ۲، ص ۲۷۸.

۱۵. شفاء السقام ص ۴۴.

۱۶. كتاب الثقات ج ۸، ص ۸۰.

۱۷. فرائد السمطين ج ۲، ص ۲۲۰.

۱۸. منهاج السنه ج ۲، ص ۱۰۰.

تقوی القلوب « ۱۹ مساله تبرک را از مصادیق شعائر الهی دانسته و همچنین با استناد به عمل صحابه در این زمینه از جمله تبرک جستن حضرت زهرا به قبر پیامبر و قبر حضرت حمزه ۲۰، تبرک جستن ابو ایوب انصاری ۲۱، عبد الله بن عمر ۲۲، بلال حبشی به قبر پیامبر ۲۳، تبرک جستن مردم مدینه به آب وضوی پیامبر منبر و محراب آن حضرت ۲۴ و ده ها مورد تاریخی، مشروعیت تبرک جستن به قبر پیامبر و آثار نبوی ثابت کرده که گواهی دیگر بر دوگانگی عقاید وهابیت و اهل سنت می باشد.

بنابر این علی رغم وجود مجموعه ای از شباهت های ظاهری بین وهابیت و اهل سنت، تفاوت های مهم و اساسی این دو گروه درباره توسل، زیارت و تبرک جستن، باعث شده از فرقه وهابیت چهره ای تک رو بسازد و آن را از جرگه اهل سنت بیرون براند و جایی برای مطرح کردن اندیشه وحدت با وهابیت باقی نگذارد.

قسمت نهم - ادامه

کلید ارزیابی مقاله کوتاه جناب آقای طبسی. لطفا نظر خودتان را با توجه به این راهنمایی مرور کنید.

*عنوان مقاله: فرقه وهابیت از اهل سنت نمی باشد

* طرفین مقایسه: مورد اول: عقائد وهابیت - مورد دوم: عقاید سایر اهل سنت

* وجه مقایسه: وجه تفاوت الف: توسل - وجه تفاوت ب:، زیارت - وجه تفاوت ج: تبرک جستن

قسمت نهم

یک مثال دیگر برای نوشتن مقاله کوتاه به روش مقابله (بیان تفاوت ها)

دو خط زیر کلید تحلیل این مقاله کوتاه است. ضمن تشکر از جناب آقای کاربرخشی لفظا سعی بفرمایید با آنچه در خصوص مقاله کوتاه به شیوه مقابله و مقایسه فرا گرفته اید نوشته زیر را ارزیابی کنید.

کلید ارزیابی - هر مقایسه نیاز به طرفین و وجه مقایسه دارد.

۱۹. سوره حج آیه ۳۲.

۲۰. ارشاد الساری ج ۳، ص ۳۵۲.

۲۱. المستدرک علی الصحیحین ج ۴، ص ۵۶۰.

۲۲. وفاء الوفاء ج ۴، ص ۱۴۰۵.

۲۳. همان.

۲۴. صحیح بخاری ج ۳، ص ۲۴۳.

(مورد اول: زندگی روستایی - مورد دوم: زندگی شهری *** وجه بررسی الف: امکانات رفاهی - وجه بررسی ب: بهره‌مندی از آب و هوا و زندگی سالم - وجه بررسی ج: آداب زندگی)

زندگی بهتر، در شهر یا در روستا؟

مسلم کاربخش (طلبه مرکز آموزش‌های تخصصی فقه)

حدود یک سوم از جمعیت کشور را روستائیان و دو سوم آن را شهرنشینان تشکیل می‌دهند. این در حالی است که در ابتدای انقلاب اسلامی جمعیت روستائیان بیشتر از شهرنشینان بود و این نشان‌دهنده‌ی استقبال مردم از امکانات شهری است. با این وجود زندگی شهری با زندگی روستایی تفاوت‌هایی دارد که باعث می‌شود بعضی شهر و بعضی روستا را برای زندگی خود انتخاب کنند. از جمله تفاوت‌هایی که می‌توان نام برد تفاوت در امکانات رفاهی، تفاوت در بهره‌مندی از آب و هوا و زندگی سالم و تفاوت در آداب زندگی است.

یکی از تفاوت‌های بین زندگی شهری و روستایی تفاوت در داشتن امکانات رفاهی است. به عنوان مثال در تمامی شهرها بیمارستان‌های مجهز یا نیمه مجهز و یا حداقل درمانگاه وجود دارد. ولی در غالب روستاها حتی یک مطب دکتر هم پیدا نمی‌شود. همین مساله باعث شده که روستائیان برای درمان بیماری به شهرها مسافرت کنند. نمونه‌ی دیگر امکانات آموزشی اعم از مدارس و دانشگاه‌هاست. در شهرها انواع مدارس با رشته‌های مختلف وجود دارد و هر کس با توجه به سلیقه‌ی خود رشته مورد نظر خود را انتخاب می‌کند. اما در بسیاری از روستاها تعداد معلمان موجود در روستا به انگشتان دست هم نمی‌رسد. همچنین امکانات دیگری نیز وجود دارد که باعث شده مردم از شهر به روستا مهاجرت کنند.

از دیگر تفاوت‌های بین زندگی روستایی و شهری بهره‌مندی از آب و هوا و زندگی سالم است. بسیاری از شهرها به دلیل افزایش جمعیت، افزایش وسایل نقلیه و افزایش کارخانجات هوای نامتوبعی دارند که موجب انواع بیماری‌های تنفسی شده است. در حالی که در روستا هیچ یک از این موارد وجود ندارد. و همچنین وجود انواع باغات و در بعضی موارد رودخانه و کوه‌ها شادابی و طراوت خاصی به روستائیان می‌دهد. به علاوه غذاهایی و خوراکی‌هایی که در روستاها مصرف می‌شود سالمتر و مقویتر از نوع غذاهایی است که در شهرها مصرف می‌شود.

همچنین می‌توان از دیگر این تفاوت‌ها به آداب زندگی آنان اشاره کرد. در روستا مردم سحرخیزند و پر تحرک. روابط بین همسایه‌ها و فامیلها بسیار صمیمی است. صله رحم و میهمانی زیاد اتفاق می‌افتد. اما در شهر لایمپ اکثر خانه‌ها را تا نیمه شب روشن می‌بینی که غالبا مشغول تماشای تلویزیون هستند. و صبح‌ها تا نیمه روز خوابند. در

بسیاری موارد همسایه ها یکدیگر را نمیشناسند و گاه دو برادر در طول سال یکدیگر را نمی بینند. اما اسباب و وسایل برای سرگرمی و تفریح زیاد دارند.

نمونه ای از مقاله کوتاه مقابله - بیان تفاوت ها لطفا مانند رویه قبل این تمرین را تحلیل کنید.

بررسی تفاوت های کتاب رجالی علامه حلی و ابن داود حلی

جمال الدین حیدری فطرت

پس از طی دوره تألیف «کتب اصلی رجال شیعہ» و گذار از عصر نگاشته شدن «اصول ثانویه» این علم، نوبت به تألیف اولین «جوامع رجالی» شیعہ به دست توانای برترین دانشمندان این فن رسید. دو تن از بارزترین شاگردان جناب سید بن طاوس (ف ۶۷۳) به نگاشتن دو جامع رجالی اقدام ورزیدند؛ علامه حلی (ف ۷۲۶) مؤلف «خلاصۃ الاقوال» و مرحوم ابن داود حلی (ف ۷۲۰) صاحب «رجال ابن داود». از آنجا که هر دوی ایشان محضر یک استاد را درک کرده بودند، بنابراین، کتابهایی را به رشته تحریر درآوردند که در بخش بندی، نحوه تألیف و ادبیات نگارش مشابه هم بودند. هر دو کتاب، طی دو بخش عمده، به ترتیب به ذکر راویان مورد اعتماد و راویان غیر معتمد پرداختند. اما این شباهت ها نباید ما را از بیان تفاوت های مهم و بنیادین بین این دو نگاشته رجالی شیعہ بازدارد. تفاوت در محتویات هر بخش، ذکر یا عدم ذکر مستندات و نحوه برخورد علمی با راویان «مهمل» را می توان از جمله تفاوت های بارز این دو کتاب بیان کرد؛ تفاوت هایی که لزوم مراجعه به هر دو کتاب را آشکار کرده و باعث پدیدار شدن نظرات مختلفی در این بین گردیده است.

اولین و مهم ترین تفاوتی که در ابتدای امر نمایان می شود، «محتویات هر یک از دو بخش» این دو کتاب است. علامه حلی در بخش اول «خلاصۃ الاقوال» به شرح حال راویانی پرداخته که بر روایاتشان اعتماد داشته است. حال، ممکن است درباره راوی خاصی، هم مدح و هم مذمت وارد شده باشد ولی علامه با جمع بندی قرائن و سنجیدن آن ها، جانب مدح را ترجیح داده و نام وی را در این بخش گنجانده باشد. وی سپس در بخش دوم، از راویانی نام برده که یا مورد اعتماد علامه نبوده اند و علامه روایاتشان را ترک کرده است و یا اینکه در موردشان «توقف» کرده و نتوانسته از اثبات وثاقتشان موفق بیرون آید. اما در مورد جناب ابن داود، امر به گونه ای دیگر رقم خورده است. ایشان بخش اول کتابش را به ذکر راویانی اختصاص داده که درباره شان مدح و ستایش وارد شده باشد؛ چه ستایشی خرد و یا مدحی سترگ. و در قسمت دوم، از راویانی نام برده که مذمت و نکوهشی درباره شان آمده است، اگر چه این راوی، از بزرگترین

اصحاب ائمه عليهم السلام بوده باشد و ستایش‌های بسیاری نیز در این کتاب و دیگر کتب رجالی درباره‌اش یافت شود.

از جمله تفاوت‌هایی که در واقع، یکی از فروعات مطلب فوق است، ولی برخی صاحب‌نظران آن را نقطه افتراقی جداگانه دانسته‌اند، «وضعیت راویان اختلافی» است. همانگونه که توضیح دادیم، اگر راوی خاصی مورد ستایش و همچنین نکوهش برخی صاحب‌نظران قرار گیرد، علامه حلی، ابتدا به جمع‌بندی قرائن، همت می‌گمارد. سپس، در جمع‌بندی نهایی و اظهار نظر، اگر طرف مدح را سنگینتر بداند، آن راوی را در بخش اول کتابش جای می‌دهد و اگر جانب مذمتش برتری یابد، جای آن راوی در بخش دوم است. ولی ابن داود به خاطر تفاوت نگارشی کتابش، یک راوی اختلافی را از آن حیث که مورد ستایش امام معصوم یا صاحب‌نظری قرار گرفته است، در اولین بخش کتابش جای می‌دهد و از همان راوی، از آن جهت که در موردش مذمتی نقل شده، در بخش دوم یاد می‌کند.

«عدم ذکر مستندات» از سوی علامه حلی و «ذکر کامل آنها» از سوی ابن داود، دومین اختلافی است که این دو کتاب را از هم متمایز کرده است. علامه حلی گاهی به ذکر عبارات و دیدگاه‌های بزرگان وادی رجال پرداخته است. حال، اگر از نظرها و اقوال ارکان رجال شیعه چون نجاشی، کشی، شیخ طوسی و ابن غضائری استفاده کرده باشد، نامی از منبع و گوینده آن نمی‌برد. ولی در مورد دیگر عالمان رجالی همچون عقیقی و ابن عقیقه به گونه دیگری رفتار کرده و گوینده عبارت را مشخص نموده است. اما ابن داود، این تفکیک را قائل نشده و خود را ملزم به ذکر تمامی مستندات نظریاتش کرده است.

از دیگر تفاوت‌های این دو جامع رجالی شیعه، نام بردن و یا صرف نظر کردن از ذکر گروهی از راویان به نام «مُهمَلین» است. همانگونه که دانشمندان رجال نوشته‌اند، «مُهمَل» راوی‌ای است که علیرغم اینکه نامش در کتب اولیه رجال یافت شده، ولی مدح یا مذمتی از او نمی‌یابیم و مؤلفان این فن، به توثیق یا تضعیفش نپرداخته‌اند. علیرغم اینکه علمای پیشین رجال (قُدما) با این دسته، معامله راوی ممدوح کرده‌اند، علامه حلی، نه تنها نام آن‌ها را در اولین بخش کتابش یعنی «قسم الممدوحین» نگنجانده است، بلکه دیگر به هیچ وجه از آنان یاد نمی‌کند. ولی ابن داود، افزون بر تصریح به مهمل بودنشان، از آنها در بخش نخست کتابش یاد کرده است.

بنابر آنچه گفته شد، افزون بر شباهت‌های ظاهری هر دو کتاب و معاصر بودن مؤلفانشان و استفاده از استادی واحد، می‌بینیم که این دو جامع رجالی، در محتویات هر بخش، ذکر یا عدم ذکر مستندات و نحوه معامله با راویان مُهمَل با هم تفاوت‌هایی دارند. و همین نکته است که باعث شده هر یک از این دو کتاب، ما را از دیگری بی‌نیاز نکند.

قسمت نهم - ادامه

* چند ایده خام برای تمرین نوشتن مقالات کوتاه به روش مقایسه (بیان شباهت ها) و یا مقابله (بیان تفاوت ها):

الف. بررسی شباهت عقاید شیعه و عامه درباره معاد

ب. بررسی تفاوت دو مکتب رجالی محقق بروجردی ره و محقق خویی ره

ج. بررسی تفاوت های دو روش فقهی نجف و قم

د. بررسی شباهت های انقلاب ایران و فرانسه

به خاطر بسپارید حتما و حتما باید خودتان بنویسید تا برای شما در نگارش اتفاقات خوبی بیفتد!

قسمت دهم

مقاله های جدلی

در این نوع مقاله، نویسنده نه تنها اطلاعاتی را به خواننده عرضه می کند بلکه جدلی را نیز مطرح می کند که در بر دارنده دیدگاههای مخالف و موافق یک بحث جدلی است. در این حالت نویسنده باید به طور صریح موضع گیری کند و طوری بنویسد که گویی دارد تلاش می کند مخاطب مخالفی را قانع کند که دیدگاه قبلی خود را کنار بگذارد و باور یا رفتار جدیدی را بپذیرد. در حقیقت، هدف اصلی این نوع نگارش این است که مخاطبان خود را قانع کند اندیشه و اعتقادی را که اصلاً میل ندارند کنار بگذارند رها کنند. از این رو، مقاله های جدلی از سخت ترین نوع مقاله ها هستند.

[این قسمت، از کتاب استاد محترم جناب آقای دکتر سلطانی اخذ شده است]

قسمت دهم - ادامه

* خصوصیات جمله مدعا در این نوع مقاله

موضوعی که برای این نوع نگارش انتخاب می شود و خصوصاً جمله مدعای این نوع مقاله باید با دقت انتخاب شود. در نوشتن جمله موضوع لازم است به نکات زیر دقت شود:

- جمله مدعا نباید عام باشد.

مثال: کشت خشخاش باید غیر قانونی اعلام شود. (مدعای خوبی نیست زیرا بسیار عام است. خشخاش دارای فواید دارویی است و در تسکین دردهای شدید قابل استفاده است).

مثال: کشت خشخاش برای مصارف غیر دارویی باید غیر قانونی اعلام شود.

- جمله مدعا باید دربردارنده ادعای مشخصی که قابل پذیرش یا انکار است باشد.

مثال: باید مشخص شود که نظریه گفتمان در حوزه مطالعات فرهنگی کاربرد دارد یا خیر. (جمله قابل قبولی نیست چون هیچ ادعایی را مطرح نمی کند. مشخص نیست این نظریه در مطالعات فرهنگی کاربرد دارد یا خیر).
مثال: آیا اجرای سیستم ترمی در دبیرستانها باعث ارتقای کیفیت آموزش می شود؟ (سوال نمی تواند ادعایی را مطرح کند)

مثال: ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی ای که دارد نقش ژئوپولیتیک مهمی در اتحادیه اروپا ایفا می کند. (واقعیتها نمی توانند مبنای یک جدل باشند).

اتحادیه اروپا بدون ترکیه نمی تواند باقی بماند چون ترکیه نقش ژئوپولیتیک مهمی برای آن دارد.

- جمله مدعا باید به گونه ای باشد که بتوان با ارائه آمار و ارجاعات خارجی از آن در کفایت پشتیبانی کرد.

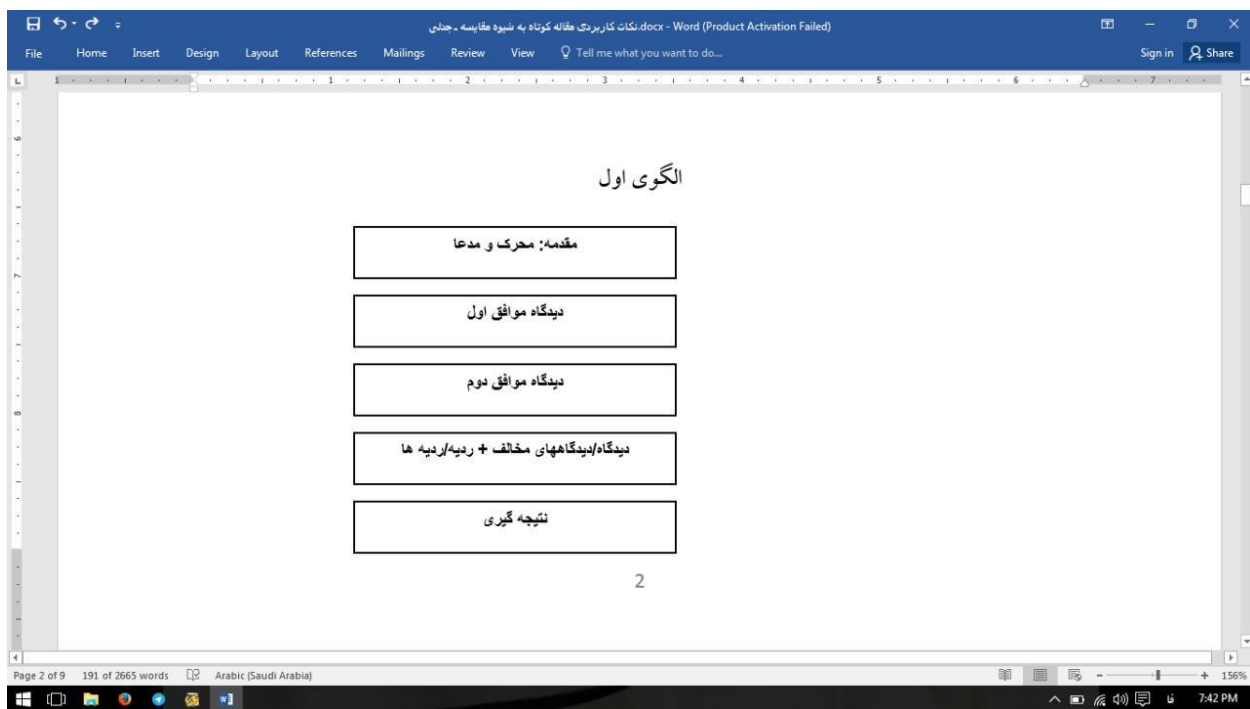
مثال: احساس می شود که طرح خاورمیانه بزرگ با شکست مواجه خواهد شد. (احساسات را نمی توان رد یا اثبات کرد).

قسمت دهم - ادامه

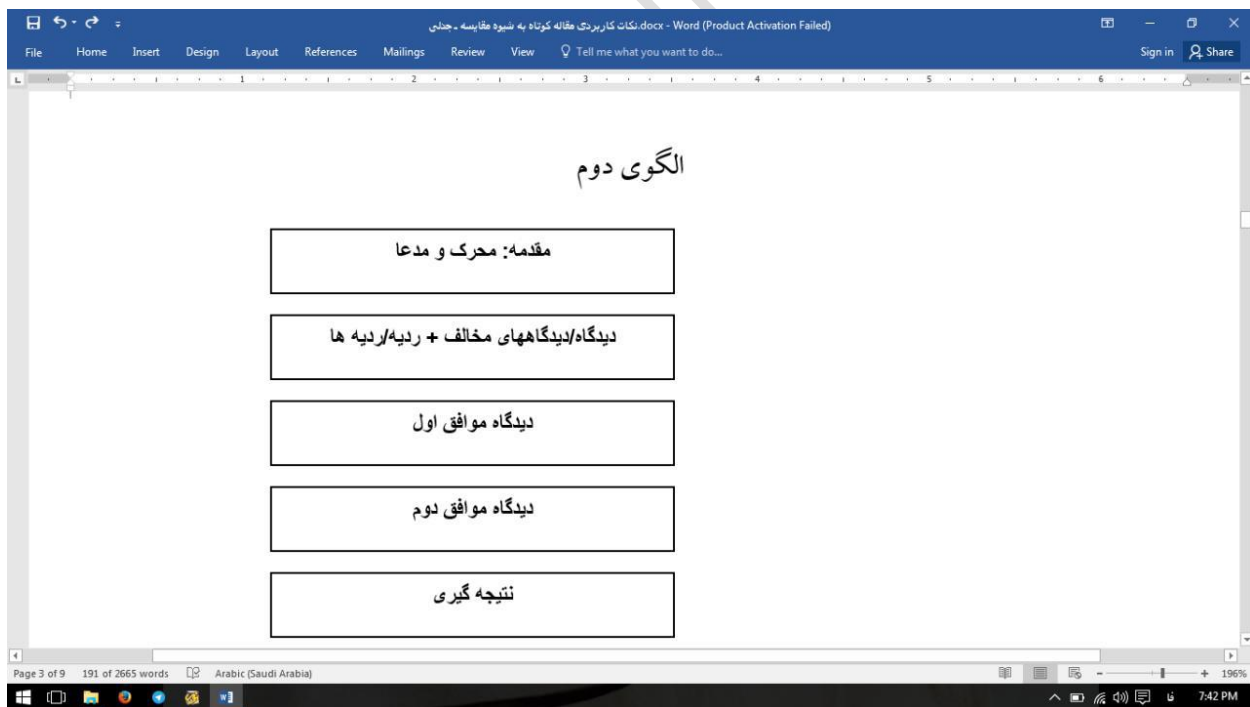
* سازماندهی مقاله های جدلی

همه مقاله های جدلی در بردارنده دیدگاههای موافق و مخالف هستند. قبل از نوشتن مقاله لازم است فهرستی از این دیدگاهها را تهیه کنید و مناسبترین آنها را برای تایید یا رد انتخاب کنید. برای سازماندهی این نوع مقاله می توان از یکی از سه الگوی احتمالی زیر استفاده کرد.

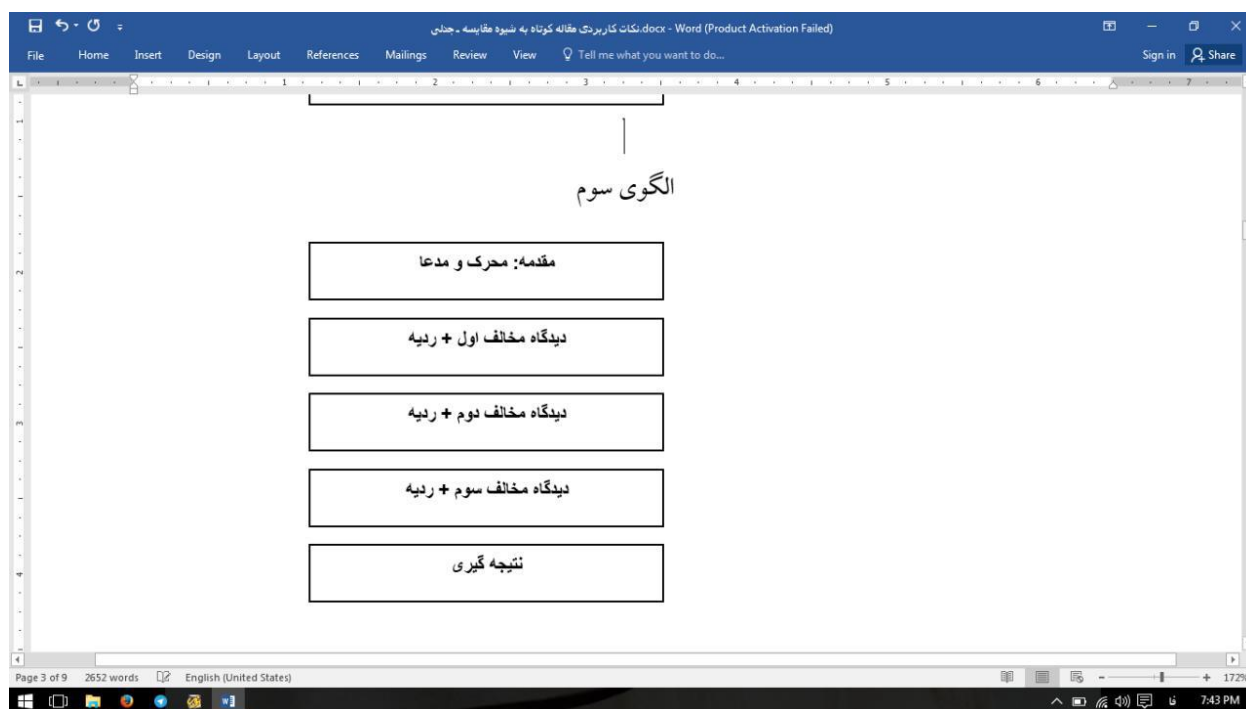
البته باید مد نظر داشت که این الگوها پیشنهادی هستند. شما می توانید با توجه به موضوع و محتوای مقاله خودتان الگوهای منطقی و منظم دیگری را نیز برگزینید:



الگوی اول نگارش مقاله کوتاه جدلی



الگوی دوم در نگارش مقاله کوتاه جدلی



الگوی سوم نگارش مقاله کوتاه جدلی

قسمت دهم - ادامه

* پشتیبانی از دیدگاه خودتان

وقتی هدف قانع کردن مخاطب باشد پشتیبانی از دیدگاه خودتان کاری سخت و بسیار مهم است زیرا در حقیقت از دیگران می‌خواهید که نظر و باور خود را تغییر دهند و دیدگاه شما را بپذیرند. باید از نظر خودتان با ارائه واقعیات، آمار و ارقام، و یا ارجاع به نظر افراد صاحب صلاحیت حمایت کنید و مخاطب را قانع کنید که تردیدی در آنچه باید بپذیرند وجود ندارد. در زیر برخی از اشتباهات رایج و روشهای نادرست و ناکارآمد پشتیبانی ارائه شده‌اند:

جمله مدعا: ترک دانشگاه به منظور کار کردن برای جوانان خوب است زیرا ...

- این کار باعث می‌شود فرد احساس راحتی بیشتری داشته باشد. (پشتیبانی احساسی، عاطفی)

فرد می‌تواند با پولی که به دست می‌آورد به رستورانی گرانقیمت برود و ولخرجی کند. (ارائه مثال نامربوط و دور شدن از موضوع اصلی)

- با کار کردن است که او می‌فهمید بزرگسال بودن به چه معنی است. (ساده انگاری بیش از حد)

- این یک واقعیت فراگیر است که همه جوانان به دنبال کسب درآمد هستند. (تعمیم و نتیجه‌گیری شتابزده)

- مطابق سایت 80% www.doutme.com مردانی که کار می کنند آرزو می کردند که کاش دانشگاه را رها میکردند و در سنین جوانی شروع به کار می کردند. (منبع غیرقابل اتکا و شاید هم نادرست)

قسمت دهم - ادامه

*رد کردن دیدگاه مخالف

اشتباه رایج در این خصوص این است که بسیاری صرفاً دیدگاه مخالف را رد می کنند و دلایلی برای رد کردن آن می آورند بدون این که خود آن دیدگاه را به شکلی منصفانه تشریح کنند. در حقیقت، قبل از رد کردن دیدگاه مخالف باید آن را به شکلی روشن بیان کرد. در غیر اینصورت به دیدگاه خودمان ضربه وارد کرده ایم. این کار را در صورتی می توانید انجام دهید که بدانید چه چیزی را می خواهید رد کنید.

مثال: برخی معتقدند که جوانان نباید تحصیلات دانشگاهی را به قصد کار کردن ترک کنند، اما این افراد در اشتباهند. صرفاً گفتن این که نظری اشتباه است کفایت نمی کند چون احتمال دارد که خود نظر درست باشد ولی دلایلی که برای آن ارائه شده است نادرست باشد. از این رو هنگام رد کردن یک نظر یا عقیده باید دلایل یا نظریات پشتیبان آن را ابتدا شرح داد، آنگاه آنها را رد کرد؛ مانند مثال زیر:

- برخی معتقدند که جوانان نباید تحصیلات دانشگاهی را به قصد کار کردن ترک کنند زیرا هنوز به بلوغ جسمانی و روانی لازم برای مواجهه با مشکلات جهان واقعی دست نیافته اند. اما این افراد به یک نکته توجه نکرده اند: جوانان می توانند در سن ۱۸ سالگی (و در برخی کشورها در سن ۱۶ سالگی) رای بدهند که اثبات می کند که آنها به بلوغ جسمانی و روانی در آن سن رسیده اند.

ردیه فوق موثرتر است زیرا دلیلی که مخالفین برای نظرشان دارند گفته شده است و خود آن دلیل رد شده است.

قسمت دهم - ادامه

واژه های راهنما:

تصور کنید در شهری بدون علائم و تابلوهای راهنما دنبال آدرسی می گردید. خوب میدانید که چه بر سرتان خواهد آمد. خواندن یک مقاله بدون واژه های راهنما نیز مانند رانندگی کردن در شهری بدون تابلوهای راهنماست. در حقیقت، واژه های راهنما، واژه هایی هستند که به خواننده می گوید از کجا آمده است، در کجا هست، و به کجا باید

برود. خصوصاً در مقاله های جدلی این واژه ها نقش مهمی ایفا می کنند و خواننده را قادر می سازند که بحث و استدلال ما را به خوبی دنبال کنند. واژه ها و عبارات راهنمایی که در زیر پیشنهاد شده اند می توانند به شما کمک کنند تا به عبارت مورد نظر خود دست پیدا کنید. این واژه ها و عبارتها که در مقاله های جدلی به کار می روند غالباً از انواع زیرند:

& هنگام اشاره به دیدگاه/دیدگاههای مخالف:

مخالفین این نظر ادعا می کنند که ...

ادعای مخالفین این نظر عبارت است از ...

آنهايي که با این نظر مخالفند شاید بگویند/اعتقاد داشته باشند/... که ...

برخی با این نظریه مخالفند. این افراد معتقدند ...

& هنگام ارائه دلایل یا شواهد مخالفین برای ادعایشان:

آنها این نظر را مطرح می کنند زیرا ...

دلایل آنها برای نظریه شان عبارت است از این که ...

& هنگام رسیدن به نقطه چرخش، یعنی جایی که تغییر جهتی در بحث ایجاد می شود:

اما ...

در صورتی که ...

از سوی/طرف دیگر ...

& هنگام رد کردن نظر یا دیدگاه مخالف می توانید:

- مصالحه کنید، اما نشان دهید که دلایل آنها به اندازه کافی قوی نیست:

• نکته ای در ادعای آنها وجود دارد و آن این است که ...

• تا حدی آنها درست می گویند، اما...

- کاملاً مخالفت کنید:

• با توجه به آنچه گفته شد، دیگر به هیچ وجه نمی توان این نظریه را پذیرفت.

• این نظریه ابداعی قابل قبول نیست.

- بگویند که استدلال آنها ارتباطی با موضوع ندارد:
- آنچه آنها سعی می کنند اثبات کنند ارتباطی به بحث ما ندارد.
- استدلال آنها کاملاً بی ربط است.

قسمت دهم - ادامه

* بررسی یک مثال

با توجه به نکاتی که در خصوص مقاله های جدلی مطرح شد لازم نمونه ای از یک مقاله جدلی را که بر اساس ویژگیهای فوق به نگارش در آمده است بررسی کنیم تا آشنایی بیشتری با این نوع مقاله ها پیدا کنیم.

نقد دلالت «برهان نظم» بر وجود صانع

جمال الدین حیدری فطرت

تاریخ، گواهی می دهد که تمام دانشمندان دین پژوه، به استفاده از «برهان نظم» روی آورده، از آن، در جهت اثبات وجود خدا و یا یکی از صفاتش بهره برده اند، خواه آن را «برهان» به معنای دقیق کلمه بدانیم و یا آن که دلیل اقناعی یا استدلال جدلی اش بشمار آوریم. به رغم انتقادهای ظریف و موشکافانه منتقدان، هیچگاه از گستردگی حضور این دلیل، در صحنه تأملات خداشناسانه کاسته نشده است. بی تردید، عوامل متعددی همچون ارتباط نزدیک مقدمات این برهان با شواهد تجربی و ملموس، خالی بودن محتوای برهان از مفاهیم و قضایای پیچیده فلسفی، تشابه و تقارب محتوای این برهان با مضامین وحی، در این توفیق دخالت داشته اند. تأکید آیات قرآن بر استفاده از این شیوه برای بیداری فطرت و نهاد خفته انسان ها، دلیل دیگری بر اهمیت آن است.

اما با تمام این سخن ها، از دیرباز، پیرامون میزان دلالت و قدرت این برهان، در بین اندیشمندان مسلمان، بحث های جنجالی فراوانی در گرفته است. گروهی از متکلمان معتقدند که این برهان به طور مستقل می تواند دخالت عامل دانا و توانا را در نظم جهان اثبات کند. برخی دیگر، این برهان را در اثبات صفات دیگر ناظم مثل حیات، حکمت، اراده و وحدت کارآمد دانسته اند. بعضی از این هم فراتر رفته و گفته اند: این برهان، هم وجود خداوند را و هم میزان علم و آگاهی و نامتناهی بودن آن را اثبات می کند. همان گونه که کتاب، علاوه بر مؤلف، میزان آگاهی او را نیز اثبات

می‌کند، نظم شگفت آور جهان نیز، هم اصل ناظم و هم حکمت و علم بی‌منتهای او را اثبات می‌کند. از دیگر سوی، بسیاری از فلاسفه و متکلمان تصریح دارند که این برهان از اثبات صفاتی همچون وحدت، کمال مطلق بودن و عدالت ناتوان است. اما اینکه چرا بر خلاف تصور بسیاری، این برهان که از قدیم بر اثبات وجود خدا اقامه می‌شد، از بیان چنین مطلبی قاصر و ناتوان است، مطلبی است که در پی اثبات آنیم.

همانگونه که می‌دانیم، برهان نظم، همچون دیگر براهین و استدلال‌ها، از دو مقدمه و نتیجه‌ای که در پی‌اش می‌آید، تشکیل یافته است: «جهان نظم دارد. هر نظم، نیازمند ناظم است. پس، جهان ناظم دارد.» و می‌دانیم که هر برهان از جهات سه گانه صغری، کبری و نتیجه (اگر قیاس اقترانی باشد) باید مورد ارزیابی قرار گیرد. درباره صغرای قیاس که یک مقدمه تجربی است، اینگونه گفته شده است که تا به حدّ جزم و قطع نرسد نتیجه قیاس، ظنّی خواهد بود و ما را به خواسته‌مان نمی‌رساند، زیرا «نتیجه تابع اخسّ مقدمتین» است. اما مشکلی که در این بین رخ می‌نماید این است که این مقدمه، هرگز به حدّ جزم نمی‌رسد، چرا که جهان آفرینش از نظر پهنه زمان و گستره کرات و منظومه‌ها قابل استيعاب نیست. برخی، از بین رفته و برخی هنوز نیامده اند. آنچه موجود است، هنوز در معرض تجربه نیست و آنچه در دسترس است بسیار اندک می‌باشد. ما از نظم و یا هرج و مرج بقیّه عالم خبری نداریم. تنها علم فی الجمله به نظم بخشی از عالم داریم که از راه علم به نظم در جهان طبیعی و مثالی و عقلی خود و تجربه نظم در برخی از موجودات طبیعی حاصل می‌شود. پس با این حساب، این برهان، از قطعیتی که در پی آن است، فاصله می‌گیرد و تنها، خود را به ظنّیات می‌رساند.

اشکال اساسی دیگر که ریشه این برهان را نشانه گرفته، بنیانش را بیش از پیش فرو می‌ریزد، نارسایی و قصوری است که از ناحیه کبری، دچار آن شده است. در بهره‌برداری کردن از کبرای قیاس و برای اثبات اینکه هر نظم ناظمی دارد، یقین منطقی لازم است. یقین روان شناختی گرچه سودمند است، اما کافی نیست. پس «استبعاد» و «بنای عقلا» و «عقلایی بودن»^{۲۵} مشکل را حل نمی‌کند. بنابراین، تا زمانی که ضرورت مبدأ برای پیدایش این ذرات، توسط برهانی دیگر اثبات نشود و تا زمانی که تصادف منتفی نباشد، اثبات وجود ناظم ممکن نیست، چرا که احتمال تصادف در متن هر نظمی امکان دارد. به همین خاطر است که گفته شده است: در برهان نظم،

۲۵. هر یک از این سه مورد، جوابهایی است که از سوی موافقان، مطرح شده است. ولی پر واضح است که این سه، نمی‌تواند قصوری را که از این جهت به برهان نظم خلل وارد می‌کند، رد کند و برهان را از این اشکال، سالم بیرون آورد.

کبرای قیاس در همه تقریرها بدون اعتماد بر یک قیاس دیگر، مثل برهان «حرکت»، «امکان و وجوب» و یا دیگر برهان‌ها، نتیجه نمی‌دهد و در هر محدوده‌ای که بخواهد نتیجه بخش باشد، نیازمند برهان دیگری است.

برهان نظم از جهت صغری و کبری مورد تحلیل واقع شد، اکنون باید نتیجه آن مورد بررسی قرار گیرد، که آیا نتیجه آن مطابق با مطلوب است یا خیر. اینجاست که سومین اشکال به دلالت این برهان بر وجود خداوند وارد می‌شود. از آنجا که نتیجه برهان نظم، بر فرض تمامیت همه شرائط و ارکان، بیش از اثبات اصل وجود ناظم آگاه و مدبّر نیست، لذا نمی‌توان نحوه‌ی وجود او از قبیل واجب یا ممکن بودن و نیز وحدت وجودی وی و همچنین سایر مباحث مربوط به صفات الهی را اثبات کرد. پس باید گفت حتی اگر نظم عمومی مجموعه هستی را مدار استدلال قرار دهیم، ناظم آن می‌تواند موجودی مجرد، عالم و خارج از این مجموعه باشد و در عین حال، واجب هم نباشد.

بنابراین، اگر مطلوب ما از برهان نظم، اثبات واجب باشد، نتیجه برهان مزبور، مطابق با مطلوب نخواهد بود، مگر با اضافه کردن آن به برهان «صدیقین»، یا برهان «امکان و وجوب». و اگر مطلوب از آن، اثبات وصف علم و قدرت واجب بعد از فراغ از اصل تحقق ذات واجب باشد، برهان یاد شده تا حدودی آن را کفایت می‌نماید. بدین روی، اگر این برهان «غایت‌شناختی» را نه برهان مستقل، بلکه دنباله یا افزوده‌ای بر برهان «جهان‌شناختی» تلقی کنیم، بر اعتبار آن افزوده‌ایم و می‌توانیم اشکالاتی که از سوی برخی متفکران غربی همچون دیوید هیوم، جان‌هاسپرز و دیگران بدان وارد می‌شود را بدون زحمت پاسخ دهیم. آیت الله جوادی آملی، که به درستی به تبیین موشکافانه این برهان اقدام کرده‌اند، در این زمینه چنین می‌نویسد: «اگر تعریف برهان نظم و محدوده‌ی آن تبیین شود و نتایجی که از آن گرفته می‌شود در حوزه مبادی، اصول موضوعه و حد وسط آن باشد، هم برهان نظم از بسیاری مغالطات مصون می‌ماند و هم زمینه‌ی بسیاری از انتقادات و اشکالاتی که بر آن وارد می‌شود می‌خشکد.»^{۲۶}

قسمت دهم - ادامه

۲۶ . جوادی آملی، عبدالله، تبیین براهین اثبات خدا، صفحه ۴۵ (در تبیین اشکالات این برهان، بیشتر از کتاب مذکور استفاده شده است).

تحلیل مقاله فوق:

مقاله فوق از شش پاراگراف تشکیل شده است. پاراگراف مقدمه مبتنی بر اهمیت برهان نظم در اثبات خداست. سپس، در پاراگراف بعدی نویسنده دیدگاههای مخالف و موافق با این برهان را به طور کلی معرفی میکند و در پایان اعلام می کند که این برهان نمی تواند برای اثبات وجود خدا استفاده شود.

در سه پاراگراف بعدی سه بخش برهان نظم معرفی و رد می شوند. پاراگراف سوم صغری، پاراگراف چهارم کبری، و پاراگراف پنجم نتیجه این برهان را مطرح و رد می کنند. آخرین پاراگراف نیز به نتیجه گیری می پردازد. با توجه به اینکه دومین دوره فشرده نگارش علمی با عنوان مقاله کوتاه تمام شده است، خوشحال می شوم نظر سروران گرامی را درباره امکان استفاده از این دوره ها، عنوان و محتوای آنها و عناوین دارای اولویت برای دوره های احتمالی بعدی بدانم.

این موارد تقدیم شده در دو دوره حداقل مطالبی است که برای آشنایی سروران با نوشتار علمی مبتنی بر پاراگراف است توسعه مباحث نظری و تمرین های علمی و البته دوره سوم نگارش علمی با عنوان «حرکت از مقاله کوتاه به سمت مقاله استاندارد»، لازمه درونی شدن این مهارت بسیار مهم برای دانشوران محترم است. پرداختن به این مهم، توفیق خدمت بنده به وسع ناچیز خودم و همت بلند شما گرامیان را می طلبد. که البته مطالب مربوط به دوره سوم معمولاً در کارگاه ها و کتاب های آموزشی مربوط بیشتر از مطالب دو دوره قبلی یافت می شود و قابل تدارک است. موفق و موید باشید.

#به - کار - گیری - شواهد - در - متن - علمی

#لطفاً - آموزش - دهید

هر گزاره نوشته شده در متن یک مقاله علمی باید یا مستدل به روش معتبر در حوزه تخصصی خود باشد و یا به منابع معتبر مستند باشد. بنابر این یکی از روش های پشتیبانی از ادعای ارائه شده در مقاله استفاده از شواهد (Evidence) و یافته های علمی دیگران در متن به شیوه مطلوب است. به عبارت دیگر هر مقاله برای کسب اعتبار علمی غیر از استدلال صحیح و متقن باید در بافت عملی حوزه مورد نظر قرار گیرد یعنی با نوشته های تحقیقی دیگر مرتبط شود.

بسته به درجه نزدیکی متن استفاده شده با متن اصلی این کار به شیوه انجام می گیرد:

۱ - نقل مستقیم

۲ - بازنویسی

۳ - تلخیص

بنده در ادامه با توجه به مباحث نظری استاد عزیزم جناب دکتر سلطانی در کارگاه آموزشی ایشان، تجربیات تدریس و نمونه های عملی انجام شده در این کارگاه ها مطالبی را در چند نوبت عرضه می کنم. به نظر می رسد که این مهارت برای اصحاب قلم و تحقیق مفید باشد. به امید خدا،

بسم الله

آموزش پژوهش و نگارش علمی، [۱۷، ۵، ۰۸، ۵۴:۱۲]

#بهاکارگیری شواهد در متن علمی

#لطفاً آموزش دهید

مقایسه سه روش استفاده از شواهد در متن علمی:

۱. نقل قول مستقیم:

عیناً عبارت های متن اصلی را با رعایت امانت و به قول معروف واو به واو آن بیان می شود.

معمولاً قبل آن (: و متن را داخل «...» قرار می دهند. د

ر این روش و همه روش های دیگر باید متن انتخاب شده که بخش کوتاهی از متن اصلی است به منبع خودش به صورت صحیح ارجاع و یا استناد شود.

لازم است استناد شما فقط به مصادر و متون دست اول و معتبر باشد.

این نکته مهم را همیشه به خاطر داشته باشید که ارجاعات محقق در مقاله نباید تحلیل پدیدآورنده مقاله را کمرنگ و اثر او را به مجموعه ای از یادداشت ها از منابع مختلف تبدیل کند.

به عبارت بهتر در یک متن تحقیق حرفه ای باید صدای نویسنده در متنش به خوبی به گوش مخاطب برسد و افراط در استفاده از نقل مستقیم این صدا را لابلای فریاد بزرگان و رقبا گم می کند.

وقتی که می خواهیم مطلبی را به منبعی و فردی نسبت دهیم که مخاطب ممکن است آن را به راحتی نپذیرد، عین عبارت هایی از آن منبع و یا آن فرد که ادعای شما را اثبات می کند را پیش چشم مخاطب قرار می دهیم این کار را با شیوه نقل قول مستقیم انجام می دهیم.

مثلا می خواهید بگویید که حضرت امام ره نقش موجب و قابل در شکل گیری عقد بیع را یکسان و هم وزن نمی داند در حالیکه بسیاری از فقها ایجاد عقد بیع را حاصل دو فعل موجب و قابل با هم می دانند. برخی از مخاطبان مقاله شما شاید این مطلب را از شما باور نکنند در اینجا عین عبارتی امام در کتاب البیع را که این انتساب را اثبات می کند بدون کم و زیاد و عینا نقل مستقیم می کنید.

آموزش پژوهش و نگارش علمی, [۱۳:۳۶۰۸,۰۵,۱۷]

#بهبکارگیری شواهد در متن علمی

#لطفاً آموزش دهید

مقایسه سه روش استفاده از شواهد در متن علمی:

۲- بازنویسی:

عین متن مورد استناد نیست. کمی دخل و تصرف در آن صورت داده اید. با استفاده از کلمات اختصاصی و اصطلاحی متن اصلی مطلب و محتوای آن را به قلم خودتان بازنویسی می کنید. حجم متن نوشته شده در بازنویسی اندکی کمتر یا مساوی متن اصلی است. به خاطر داشته باشید در این روش و سایر روش های استفاده از شواهد ارجاع یا استناد و یا ادرس دهی به شیوه صحیح ضروری است. به گمان بنده هدف از این روش با توجه به خصوصیات ذکر شده، فاصله گرفتن از استفاده افراطی از نقل مستقیم است.

آموزش پژوهش و نگارش علمی, [۱۳:۴۲۰۸,۰۵,۱۷]

#بهبکارگیری شواهد در متن علمی

#لطفاً آموزش دهید

مقایسه سه روش استفاده از شواهد در متن علمی:

۳- تلخیص:

این روش بیشترین فاصله از متن اصلی را دارد. به عبارت دیگر در این شیوه نقل محتوا با کمترین میزان وفاداری به کلمات است.

متن خلاصه شده بسیار کمتر از متن اصلی است.

این متن نیز مانند شیوه های قبلی حتما باید ارجاع داشته باشد.

تلخیص بیان مطالب عمده متن اصلی به قلم خودتان است. ممکن است در این متن تلخیصی دو یا چند متن با هم آمیخته و در کنار هم در یک متن تعبیه شوند.

گرچه این شیوه حرفه ای تر است اما مهارت آن نیاز به تمرین بیشتری دارد.

نمونه کارورزی استفاده از شواهد در متن - محمد الهامیان - مرکز آموزش های تخصصی فقه

مرحوم شهید ثانی (ره) در مورد دو فرد که دارای شرایط احصان هستند و همدیگر را مورد قذف موجب حد قرار می دهند فرموده اند:

نقل مستقیم:

ولو تقاذف المحصنان بما يوجب الحد عزرا و لا حد علي احدهما لصحيحة ابي ولاد عن ابي عبدالله عليه السلام قال: أتي اميرالمومنين برجلين قذف كل واحد منهما صاحبه بالزنا في بدنه فقال: يدراء عنهما الحد و عزهما.

ترجمه نقل مستقیم:

چنانچه دو فرد محصن همدیگر را قذف کنند به چیزی که موجب حد است، تعزیر می شوند و بر هیچکدام حد جاری نمی شود زیرا در صحیحہ ابی ولاد به نقل از امام صادق علیه السلام وارد شده است که ایشان فرمودند: نزد امیرالمومنین علیه السلام دو نفر را که همدیگر را قذف کرده بودند آوردند، امام علیه السلام فرمودند: حد از آن دو برداشته می شود و سپس آن دو نفر را تعزیر نمودند.

بازنویسی:

هرگاه دو نفر که عاقل، بالغ، مسلمان، آزاد و عقیف هستند یکدیگر را با الفاظی که بیانگر نسبت دادن لواط یا زنا به همدیگر است مورد خطاب قرار دهند، با توجه به روایت ابی ولاد به نقل از امام صادق علیه السلام که طبق آن امام

علی علیه السلام در مثل این فرض دو نفر قاذف را تعزیر کرده و بر آنها حد جاری نکردند، بنابراین بر این دو نفر حد جاری نمی شود و تنها تعزیر می شوند.

تلخیص:

هرگاه دو فرد محصن همدیگر را به موجب حد قذف کنند استناداً به صحیحہ ابی ولاد از امام صادق علیه السلام، حد از آنها برداشته می شود و آنها تعزیر خواهند شد.

ارزیابی بنده:

۱ - نقل مستقیم نیاز به استناد دارد البته بقیه هم باید استناد و ادرس دادن منبع داشته باشد.

۲ - منظور از تلخیص بیان یافته های علمی دیگران در متن علمی نویسنده است. از این رو باید اتصال به منبع اصلی در تلخیص و همین طور بازنویسی رعایت شود. بازنویسی شیوه دوم و تلخیص شیوه سوم در استفاده از یافته های دیگران در متن بود. دومی فاصله کمتری از متن اصلی نقل قول شده داشت و شیوه سوم فاصله بیشتری داشت.

۳ - پیشنهاد بنده ذیلا تقدیم می شود:

پیشنهاد بنده - درباره کارورزی الهامیان در استفاده از یافته های علمی ...

برخی از فقهای امامیه مانند مرحوم شهید ثانی بر این اعتقاد هستند چنانچه دو محصن همدیگر را قذف کنند، تنها تعزیر می شوند و مستحق حد نیستند: «ولو تقاذف المحصنان بما یوجب الحد عزرا و لا حد علی احدهما لصحیحہ ابی ولاد عن ابی عبد الله علیه السلام قال: أتى امیر المومنین برجلین قذف کل واحد منهما صاحبه بالزنا فی بدنه فقال: یدرء عنهما الحد و عزرها» (شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)، ج ۹، ص ۱۸۳) همان طور که دیده می شود دلیل این نظر را شهید ثانی صحصه ابی ولاد می دانند.

در این عبارت نظر شهید ثانی به عنوان شاهد بر متن نویسنده به صورت نقل مستقیم وارد شده است.

بازنویسی:

در بازنویسی گفته شد که زیر عبارت های مهم متن اصلی خط می کشیم و آنها تغییر نمی دهیم ولی ساختار و بقیه تعابیر را تغییر می دهیم. متن اصلی ۹۳ کلمه و متن بازنویسی ۶۳ است.

ترجمه متن اصلی: چنانچه دو فرد محصن همدیگر را قذف کنند به چیزی که موجب حد است، تعزیر می شوند و بر هیچکدام حد جاری نمی شود زیرا در صحیحه ابی ولاد به نقل از امام صادق علیه السلام وارد شده است که ایشان فرمودند: نزد امیرالمومنین علیه السلام دو نفر را که همدیگر را قذف کرده بودند آوردند، امام علیه السلام فرمودند: حد از آن دو برداشته می شود و سپس آن دو نفر را تعزیر نمودند.

متن بازنویسی شده: شهید ثانی (شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)، ج ۹، ص ۱۸۳) با تمسک به صحیحه ابی ولاد از امام صادق علیه السلام که در آن قضاوتی از حضرت امیر المومنین علیه السلام نقل می شود، مجازات دو محصنی که یکدیگر را به آنچه موجب حد است قذف کرده اند، تعزیر می داند و معتقد است که حد از آنها برداشته می شود.

تلخیص:

هم ساختار و هم تعابیر تغییر می کند حجم نسبت به متن اصلی به صورت قابل توجه کم می شود. (از ۹۳ کلمه به ۳۶ کلمه)

شهید ثانی (شهید ثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)، ج ۹، ص ۱۸۳)، وقتی دو محصن همدیگر را به آنچه حد دارد، قذف می کنند با استناد به صحیحه ابی ولاد تنها مستحق تعزیر می داند.